مجاهد
نشریه مجاهدین خلق ایران
شمارهٔ ۸۸۱
Mojahed 881
دوشنبه ۱۲آذر ۱۳۸۶
۲۲ ذیقعده ۱۴۲۸
December 3 2007
2US$ 1.5Pounds 3SFR 3C$ 2€

لندن ـ ۹آذر: لرد کوربت، رئیس لردهای حزب کارگر در مجلس اعیان انگلستان خبر لغو برچسب تروریستی، به حکم دادگاه انگلستان را در میان فریادهای شادی ایرانیان که در مقابل دادگاه اجتماع کرده بودند اعلام می‌کند

دادگاه انگلستان برچسب تروریستی علیه مجاهدین را باطل اعلام کرد

دادگاه به وزیر کشور دستور داد لایحه حذف نام سازمان مجاهدین خلق ایران را از فهرست سازمانهای ممنوعه به پارلمان انگلستان ارائه کند

«مجاهد» با تهنیت به عموم هموطنان و حامیان مجاهدین ومقاومت ایران و بانیرک ویژه به شیرزنان وکوهمردان شهرشرف به خاطرابن پیروزی بزرگ، به اطلاع خوانندگان گرامی می‌رسانیم که خبرها و گزارشهای مربوط به صدور این حکم تاریخی در یک شماره فوق العاده «مجاهد» به زودی منتشر خواهدشد.

تظاهرات و راهپیمایی هزاران ایرانی در دفاع از زنان قهرمان اشرف

ایرانیان آزاده در استکهلم در سرمای ٦درجه زیرصفر در دفاع از هزار زن قهرمان اشرف به‌پا خاستند و یاوه‌های فاشیسم مذهبی و لابی آن را به شدت محکوم کردند

مریم رجوی: اهانت به قهرمانان اشرف، تلاش عبث برای حفظ و نگهداری همین رژیم است

لرد اسلین
قاضی سابق دادگاه عدالت اروپا

پروفسور استیون اشتینیام
حقوقدان از آمریکا

پروفسور مارک هانزلین
حقوقدان از سوئیس

کنت اوینیس
رئیس کمیته بین‌المللی وکلای بدون مرز

مورتن هوگلوند
نماینده پارلمان نروژ

موگنز گامره
نماینده پارلمان اروپا از دانمارک

فرانک هامر
نماینده پارلمان آلمان

آنا ریبرا
نماینده پارلمان اسپانیا

حمایت شخصیتهای برجسته حقوقی و پارلمانی از اسکاندیناوی و اروپا و آمریکا از تظاهرات هزاران ایرانی در استکهلم

ـ رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت خانم مریم رجوی، طی یک سخنرانی، که از اورسوراواز فرانسه ازطریق ماهواره و به طور زنده برای تظاهرات استکهلم، ایراد شد، به مقاومت و پایداری ایرانیان آزاده وحامیان مقاومت، که در سوز سرما، دمیدن آفتاب بهاری و سحر فتح و آزادی را بشارت می‌دهد، درود فرستاد و با تبریک پیروزی درخشان در دادگاه پاریس در روز ۳۰آبان گفت:

ـ حکم دادگاه پاریس یک گواهی آشکار و یک حکم تردیدناپذیر قانونی و قضایی است که برچسب سکت و تروریسم علیه این مقاومت را باطل می‌کند... ارزش این حکم، قبل از هر چیز برای من، عبور سیاوش‌گونه و سرفرازانه صدیقه و ندای من، و هم چنین۲۲قهرمان دیگردر۱۰کشور، از میان آتشهاست. برای همین، به صدیقه و ندا، به شهیدان و قهرمانان شعله‌ور، به مسعود و تک تک شما، و به خانواده‌های شهیدان تبریک می‌گویم

ـ اهانت و هتک حرمت مقدمه خشونت است. در این‌جا، در سوئد، در روزنامه‌یی که می‌دانید و به اصطلاح خبرنگاری که می شناسید، با اهانت و هتک حرمت زنان پاکباز اشرف مواجه شدیم: این مقدمه‌یی برای خشونت و شکنجه و محدودیتهای باز هم بیشتر علیه زنان ما در داخل ایران و در هر کجاست. چرا که از نظر رژیم آخوندی زنانی که به مخالفت و مبارزه و مجاهدت با این رژیم روی می آورند، همگی بی‌اخلاق و بی‌عفتند و بایستی تعزیر شوند. آنها از پیش گفته بودند که صورت مسألهٔ سرنگونی رژیمشان، تشکیلات مجاهدین است. آن هم در اشرف، کانون استراتژیکی‌نبرد

ـ چرا زنان مجاهد، این چنین هدف کینه‌توزی رژیم و لابیهای آن در سوئد قرار گرفته‌اند؟ جواب روشن است زنان اشرف، پاسخ تاریخی، آرمانی و سیاسی به نظام ولایت فقیه که بر نابرابری و توحش و پلیدی و تجاوز بنا شده، هستند

ـ جنگ این رژیم با مردم ایران و جنگ مردم ایران برای آزادی در برابر این رژیم منحصر به غنی‌سازی اورانیوم یا دست برداشتن از سلاح اتمی و حتی عراق نیست. جنگ بر سر تمامیت فاشیسم مذهبی است

در صفحات دیگر

«افتخار» و «شرمساری»

سرمقاله

توطئه برچسب‌زنی و شیطان‌سازی از مجاهدین خلق ایران، به‌رغم پشتوانه عظیم سیاسی و مالی‌اش طی ربع قرن گذشته و به‌رغم همه بندوبستها و عرضه قراردادهای میلیاردی از سوی حکومت آخوندها به قدرتهای بزرگ اقتصادی و سیاسی جهان، با احکام بی‌دربی بالاترین مراجع قضایی اروپا و فرانسه و انگلستان درهم می‌شکند. این رخدادی است که در تاریخ جنبشهای رهاییبخش سابقه ندارد و از این نظر واجد خصلت «تاریخی» است. ۴سال پیش، که یک حقوقدان فرانسوی پیروزی مجاهدین در غلبه حقوق و عدالت بر سیاست زدودن را یک «پیروزی برای بشریت» خواند، حقیقت امر مثل امروز روشن نبود. اکنون اما سیمای مقاومت رهاییبخش ملت ایران از پس ابرهای توطئه بیرون می‌آید و اسناد معتبر حقوقی بر پاکی و افتخار سازمان پیشتازش گواهی می‌دهند. اسنادی که اساتید مسلم حقوق بین‌الملل آنها را «انقلاب حقوقی»،« انقلاب قضایی» ،«کتاب قانون» و «نقطه پایان برخودکامگی مدرن» قوای مجریه و مشخصاً شورای وزیران اتحادیه اروپا توصیف کرده‌اند.

ازسوی دیگر، همزمان و درارتباط با این تحول بزرگ، ابعاد جدیدی از فساد و تبهکاری درون دیکتاتوری آخوندی برملا می‌شود. آن‌قدر که حتی آخوندهای وقیح را هم ناگزیر از اعتراف به ننگ و شرمساری کرده است. آخوندها که درکارگاه دجالیت خود، رژیم ضداسلامی و ضدایرانی را «اسلامی» و «ملی» می‌نامند، رسوایی امروزین نظام را «شرمساری ملی» نامیده و می‌نویسند:«پرونده حسین موسویان، معاون سابق مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام و صف‌آرایی دو جناح عمده کشور در این خصوص را می‌توان یک "شرمساری ملی" به معنای کامل دانست» زیرا «هاجرا از دو حال عمده خارج نیست: یا موسویان گناهکار است یا بی‌گناه که در هر دو صورت ثابت می‌شود یکی از دو جریان عمده سیاسی کشور تا چه اندازه از مبانی اخلاق و انسانیت و وطن‌دوستی دور هست و چه فضای آلوده و فضاحت‌باری بر عرصه سیاست جاری کشور حاکم است و این چیزی نیست جز همان «شرمساری ملی»» (سایت حکومتی عصرما ۱۸آذر۸۶).

این صراحت، در اذعان به فساد و ننگ تمامیت نظام، دقیقاً آن سوی سکه پاکی و افتخاری است که بر نیروی محوری مقاومت پرتو افکنده است. در روشنایی این تقابل تاریخی، به چند نتیجه‌گیری روز سیاسی هم می‌توان راه برد: اول، شدت آسیب‌پذیری حکومت آخوندی به‌ویژه در مرحله پایانی! که سبب می‌شود با نخستین نشانه‌های گرایش از سیاست مماشات به جانب قاطعیت و تحریم، نظام آخوندی این چنین درهم بریزد. دوم، استحکام جنبش مقاومت! که از چهارسال پیش با سونامی سخت‌ترین ضربات سیاسی و نظامی ـ از خلع‌سلاح و بمباران تا کودتای ۱۷ژوئن ـ رو به‌رو بود؛ «ضربانی چنان مهیب که اگر یک صدم آن بر رژیم ولایت فقیه وارد شده بود، بی‌تردید همه چیز خود را از کف می‌داد. اما این جنبش، از دل اوضاع بغرنج، پرقدرت‌تر قد برافراشت و به تهدید بزرگتری برای رژیم آخوندی تبدیل شد»(مریم رجوی، تیر۸۶). و سوم، نقش مخرب مماشاتگران درحفظ رژیمی تا بدین پایه فاسد و آسیب‌پذیر! مماشاتگرانی که پیوسته ازگیسه ملت ایران به فاشیسم مذهبی باج داده‌اند و راه مقاومت مردم ایران را سد کرده‌اند.

حمایت گسترده مردم عراق از بیانیه ۳۰۰هزار تن از شیعیان جنوب علیه دخالتهای رژیم ایران و در حمایت از مجاهدین

ـ حمایت عشایر سنی عراق
ـ حمایت سازمانهای غیردولتی و شوراهای عشایری استانهای دیالی، بغداد، الانبار و صلاح‌الدین از این بیانیه
ـ حمایت شماری از عشایر مرکز و شمال عراق
ـ حمایت تجمع مستقل عشایر ملی دموکراتیک
ـ حمایت تجمع جمهوری عراق
ـ حمایت هیأت شیعه جعفری عراق

در صفحه۱۲

شکست مذاکرات سولانا با پاسدار جلیلی، دبیر شورای عالی امنیت رژیم

تلویزیون یورو نیوز:
خاویر سولانا، نماینده سیاست خارجی اتحادیه اروپا: باید اذعان کنم که بعد از ۵ساعت مذاکره، من انتظار بیشتری داشتم و لذا سرخورده هستم. در صفحه۸

شکل‌گیری و تاریخچه سپاه پاسداران(۴)

گزارشی از سازمان کار اقتصادی سپاه پاسداران

سپاه پاسداران با دو ارگان بنیاد تعاون سپاه و قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیا و با راتنهای حکومتی، به‌تدریج نقش منحصر به‌فردی در اقتصاد ایران به‌دست آورد، و آن‌را در کلیه زمینه‌ها در انحصار خود گرفت... براساس برخی از برآوردهای موجود، سپاه پاسداران بعد از شرکت ملی نفت و مؤسسه استان قدس رضوی، سومین قدرت متمرکز اقتصادی در کل کشور است. در صفحه۷

کنفرانس آتاپلیس، انزوای مطلق رژیم آخوندی

یک دیپلومات عرب: هدف واقعی آتاپلیس بیرون کشیدن کارت فلسطین از دست رژیم ایران است

در صفحه۸

نقش و کارکرد سپاه پاسداران، بازوی اصلی سرکوب و صدور تروریسم توسط رژیم

مصاحبه با برادر مجاهد مسعود خدابنده

در حال حاضر به دلیل حضور گسترده عناصر وابسته به رژیم ایران در اکثر وزارتخانه‌های دولت مالکی و استانداریها، طرحها و تصمیمات دولتی و همکاریهای مشترک نیروهای ائتلاف با ارگانهای دولتی و مقامات محلی عراق، در بسیاری از مواقع حتی قبل از اجرا، به تهران و ستاد نیروی قدس و دفتر خامنه‌ای ارسال شده است. در صفحه۶

۱۶آذر روز دانشجو، روز اعتراض به دیکتاتوری گرامی باد

بزرگ‌نیا، قندچی و شریعت‌رضوی، شهیدان فراموشی‌ناپذیر ۱۶آذر

آخوندها از هنگام تکیه‌زدن بر اریکه قدرت، دانشگاه را خاری در چشم خود می‌دیدند که باید از آن خلاصی می‌یافتند. هم از این‌رو بود که پس از تحکیم پایه‌های حکومت استبدادی و قدرت سرکوبگری خود، زمینه را برای پاکسازی دانشگاه فراهم کردند و در اردیبهشت سال۵۹ با یورش همین چماق‌به‌دستان خطاملمی، با کشتار دهها تن از دانشجویان، دانشگاهها را بستند. در صفحه ۱۰

توطئه علیه عدنان الدلیمی با اعتراض رئیس مجلس و نیروهای دموکراتیک عراق روبه‌رو شد

در پی صحنه‌سازی و اعمال اقامت اجباری علیه دکتر عدنان الدلیمی، توسط دولت نوری مالکی، اعضای جبهه توافق عراق، لیست العراقیه ملی، جبهه گفتگوی ملی و فراکسیون مستقل عربی در پارلمان عراق، به همراه دکتر مشهدانی، رئیس مجلس عراق به عنوان اعتراض مجلس را ترک کردند

در صفحه۱۲

فشار «تحریم»، چگونه روی رژیم ایران متمرکز می‌شود؟

یزدان حاج‌حمزه

رئیس دولت پاسداران، با ادعای این‌که «تحریم اثر ندارد» می‌خواهد به قیمت سیربلاکردن مردم ایران، از تنگنای تحریم عبورکند و به هدف شوم خود برسد. عوارض درگیری ضدمردمی پاسداران نظام ولایت‌فقیه با طرف خارجی به‌جایی رسیده که داد و ستد داخل و خارج را مختل کرده و از این طریق تحریم به‌طور مستقیم به زندگی روزمره مردم نیز راه بازکرده است. سؤال مقدر و تعیین کننده‌یی که در این شرایط برای ایرانیها مطرح است اینست که مردم ایران با تحریم چه می‌توانند بکنند. در صفحه۸

۳نفر در قم به دار آویخته شدند

به گزارش روزنامه حکومتی ایران، ۱۱آذر۸۶، سه جوان در قم در ملاءعام به دار آویخته شدند.
به گزارش منابع حکومتی ۴۵نفر فقط در آبان ماه اعدام شدندکه یک نفر از آنها هنگام ارتکاب جرم زیر ۱۸سال سن داشت.

مراسم بزرگداشت شیخ فائز لفته علیوی در مزار مروارید در شهر اشرف برگزار شد

در صفحه۹

مقالات:

ـ یاد یار صبور و استوار (خلیل‌الله رضایی)
رضا هفت‌برادران
ـ به‌یاد دکتر غلامحسین ساعدی، نمایشنامه‌نویس و قصه‌نویس برجسته و یار وفادار و صمیمی مقاومت انقلابی میهن
صفحه۱۰
ـ شکنجه و آمال «خلیفه خمینی» (۲)
کاظم مصطفوی
صفحه۱۱

زنده باد ارتش آزادیبخش ملی بازوی استوار و پراقتدار خلق قهرمان ایران

تظاهرات و راهپیمایی هزاران ایرانی در دفاع از زنان قهرمان اشرف در استکهلم

ایرانیان آزاده که در سرمای ۶درجه زیرصفر در دفاع از هزار زن قهرمان اشرف به‌پا خاستند، یاوه‌های فاشیسم مذهبی و لابی آن را به شدت محکوم کردند

شهراستکهلم پایتخت سوئد روز شنبه سوم آذر در سرمای ۶درجه زیر صفر شاهد تظاهرات و راهپیمایی پرشور هزاران ایرانی بود.

شهروندان سوئد و همچنین شخصیتهای برجسته حقوقی و پارلمانی از اسکاندیناوی و اروپا و آمریکا در دفاع از مجاهدان اشرف به ایراد سخنرانی پرداختند و یاوه‌های فاشیسم مذهبی و لابی آن در یک روزنامه سوئدی را علیه مجاهدان اشرف، به‌شدت محکوم کردند. این سخنرانان از جمله عبارت بودند از: لرد اسلین، قاضی سابق دیوان عالی انگلستان و دیوان عدالت اروپا، پروفسور استیون اشنیام از آمریکا و پروفسور هانزلین از سوئس، از اعضای کمیته بین‌المللی حقوقدانان در دفاع از اشرف،کنت لوئیس، حقوقدان و عضو سازمان بین‌المللی وکلای بدون مرز و نمایندگان پارلمان، مورتن هوگلوند از نروژ، مارک هامر از آلمان، موگنز کامره از دانمارک و لناریورا، نماینده پارلمان از اسپانیا. رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت ایران، مریم رجوی طی یک سخنرانی، که از اورسوراواز فرانسه ازطریق ماهواره و به طور زنده برای تظاهرات استکهلم، ایراد کرد، به مقاومت و پایداری ایرانیان آزاده وحامیان مقاومت، که در سوز سرما، دمیدن آفتاب بهاری و سحر فتح و آزادی را بشارت می‌دهد، درود فرستاد. متن سخنرانی خانم رجوی در همین شماره درج شده است.

در این تظاهرات هم‌چنین پیامهای همبستگی زنان عراق از جمله دکتر فائزه العُبیدی مسئول تشکیلات زنان جنبش وفاق ملی عراق، اسما عدنان الدلیمی، نماینده پارلمان عراق، دکتر ازهار شیخلی، نماینده پارلمان از حزب اسلامی، شرا عبدالرزاق، نماینده پارلمان از حزب اسلامی، دکتر ندا ابراهیم نماینده پارلمان از جبهه حوار، نادره آیف العانی نماینده پارلمان از حزب اسلامی، امّیه ناجی جواره رئیس مجلس زنان عراقی و فرزند شهید شیخ ناجی جواره، خانم سهاد ضاری مسئول انجمن زنان دموکراتیک عراق در استان دیالی قرائت گردید. سخنرانیهای مسئول کمیسیون قضایی شورای ملی مقاومت، محمدرضا روحانی، پرویز خرابی، نماینده شورا در کشورهای نوردیک و هنرمندان و اعضای شورای ملی مقاومت، ناهید همت‌آبادی و رضا اولیا و هم‌چنین خانم فلور صدیدی بخش دیگری از این تظاهرات بود.

در این تظاهرات هم‌چنین خانواده‌های شهیدان و مجاهدان اشرف طی پیامی که قرائت گردید، اتهامات رذیلانه روزنامه سوئدی را محکوم کردند.

در پایان این تظاهرات قطعنامه تظاهرات توسط خانم هاله پورکرامتی قرائت شد. در قطعنامه تظاهرات ایرانیان وحامیان مقاومت در سوئد در محکوم کردن افترا و هتک حرمت به‌زنان قهرمان اشرف تأکید شده است: سرکوب اپوزیسیون و هرزه درایی علیه ارزشهای مبارزه مردم ایران با فاشیسم دینی در وجود مجاهدان اشرف متبلور می‌شود. این رژیم بیش از هر زمان دیگر در برابر اعتراضات فزاینده اجتماعی آسیب‌پذیر شده و به همین خاطر برای نابودی و ضربه‌زدن به شهر اشرف و سازمان مجاهدین خلق ایران به مثابه جدیترین تهدید موجودیت خود، نقشه می‌کشد.

لرد اسلین، قاضی سابق دادگاه عدالت اروپا

من دوبار به اشرف سفر کردم و به صبر و پایداری آنها درود فرستادم. این اتهامات مردود است و باید به شدت محکوم شود

شما در این‌جا جمع شده‌اید تا حمایت خود را از شورای ملی مقاومت و سازمان مجاهدین خلق ایران نشان دهید. حمایت شما ضروری، مهم، به حق و بجاست. مهم و ضروری به‌خاطر آن‌چه که در چند سال اخیر برای مبارزه شما به‌خاطر دموکراسی و آزادی در ایران رخ داده است. این مبارزه به وسیله خانم رجوی رهبری شده یک رهبر زن برجسته که شما به او عشق می‌ورزید و برایش احترام فوق‌العاده قائلید.

واقعیت این است که مبارزه او بر اساس نفی خشونت، نفی جنگ و نفی مماشات و تلاش برای دستیابی به صلح و دموکراسی است اما برای رسیدن به آن زمان لازم است. جنبش او پیشرفتهایی داشته و بدون شک به موفقیتهای بیشتری نایل خواهد شد. و من خیلی مفتخرم که شاهد این حرکت و این پیشرفتها بودم‌ام. اکنون در آمریکا، صدها نماینده کنگره از مجاهدین خلق و شورای ملی مقاومت حمایت می‌کنند. در پارلمان انگلستان، در مجلس لردها و مجلس عوام صدها از نمایندگان و آن چه که سازمان مجاهدین خلق ایران و شورای ملی مقاومت برای به‌دست‌آوردنش تلاش می‌کنند، احترام می‌گذارند. اخیراً اتحادیه اروپا در قطعنامه‌یی که به تصویب رساند رفتار شورای اروپا را مبنی بر محترم‌نشمردن رأی دادگاه اروپا برای حذف نام مجاهدین از لیست تروریستی، محکوم کرد.

ما اخیراً شنیده‌ایم که کمیته امور قضایی شورای اروپا بیانیه‌یی داده بر این اساس که شورای اروپا دیگر نقش حقوقی ندارد و حقوق سازمان مجاهدین نقض شده است.

آیا شما حمایت روبه‌رشد هزاران نفر را از خانم رجوی و آن چه آنها انجام می‌دهند می‌بینید؟

آن هزاران نفری که در بروکسل، پاریس و آلمان جمع می‌شدند تروریست نیستند، بلکه هزاران انسانی هستند که صلح و دموکراسی برای مردم ایران می‌خواهند و معتقدند که دولتها باید قدمی علیه تروریسم بردارند.

هم‌چنان که شورای امنیت سازمان ملل متحد و اتحادیه اروپا انجام دادند و هم‌چنان که اخیراً آمریکا به شیوه‌یی مشابه در مورد سپاه پاسداران ایران انجام داده است. امروز در این‌جا وکلایی هستند که با شما سخن می‌گویند در این مورد که کسانی را می‌توان در لیست قرار داد که تروریست باشند و دادگاه به خروج نام مجاهدین از لیست رأی داد ولی شورای وزیران حکم را رعایت نکرد و باید به این عدالت تن دهد. ما در انگلستان دادگاهی داریم که به زودی حکمش را در مورد غیرقانونی‌بودن نام این سازمان در لیست صادر می‌کند.

ضروری است که سازمان مجاهدین از حقوقش برخوردار باشد نباید با شکنجه و اعدام روبه‌رو باشد. وضعیت حقوق‌بشر در ایران وحشتناک است. ایرانیان خارج از کشور نباید با محدودیت روبه‌روشوند. سازمان مجاهدین و شورای ملی مقاومت و اشرف باید از حقوق خودشان برخوردار باشند و نباید تهدید شوند که به ایران برگردانده می‌شوند یا با تهدیداتی از قبیل قطع برق و... روبه‌رو باشند. من خودم دو بار به اشرف سفر کرده‌ام و به شجاعت، صبر، پایداری آنها درود فرستادم. آنها انسانهای والایی هستند. اتهاماتی که به شهر اشرف زده می‌شود کاملا بی‌پایه است و گاهی شاهد این هستیم که روزنامه‌ها اطلاعات بی‌پایه‌یی را می‌نویسند. من به‌عنوان کسی که به اشرف سفر کردم و آنها را از سالها قبل می‌شناسم می‌گویم این اتهامات بسیار وحشتناک و مردود است. اتهاماتی که باید به‌شدت محکوم شود.

هرکس که حتی چیز کمی در مورد ساکنان اشرف بداند خیلی خوب می‌داند که زنان تا چه حد مورد احترام عمیق مردان در اشرف هستند. از جمله زنانی که آلات موسیقی می‌نوازند، به هیچ‌وجه شبیه کسانی که زندگی نامساعدی دارند، نمی‌باشند. من اعتقاد دارم که این یک مثال دیگر از تبلیغات غیرقابل باور است. خانمها و آقایان، ساکنان اشرف سزاوار حمایت شما هستند و از شما به خاطر شرکت در این میتینگ قدردانی می‌کنند.

پروفسور استیون اشتینبام، حقوقدان برجسته از آمریکا و وکیل مجاهدان شهر اشرف

اتهاماتی که علیه ساکنان اشرف زده شده کاملا بی‌پایه و رذیلانه است. زنان اشرف آن‌جا هستند برای این که یک مأموریت برای وطنشان دارند

دوستان عزیز از دعوت شما متشکرم. ما این جا جمع شدیم تا بر حقوق، شأن و درستی ساکنان اشرف تأکید کنیم. من درودها و سلامهای دوستان آمریکایی و خانواده‌های ساکنان شهراشرف را با خود آورده‌ام و از کسانی که برای این تظاهرات در این جا جمع شده‌اند، قدردانی می‌کنم.

این افتخاری است برای من که بتوانم امروز در سوئد باشم وپیامم را به شهر اشرف برسانم و به‌طور خاص متفخرم که می‌توانم از واژه دوستانم برای مخاطب قرار دادن آنها استفاده کنم. همان کسانی که من از آنها دیدار کردم. درودهای خودم را به زنان و مردان شجاع در آن‌جا می‌فرستم. درودیه آنها به‌خاطر کیفیت انسانی و عمق فدای آنها. من شاهد بودم که آنها جان خودشان را برای دفاع از پرنسیپهای انسانی به‌خطر می‌اندازند. به خصوص شاهد نقش بسیار برجسته زنان برای ساختن یک ایران مبتنی بر جدایی دین از دولت بودم.

من امروز به این‌جا آمده تا همبستگی خود را با ساکنان اشرف ابراز کنم هم چنان که در ژانویه۲۰۰۴ در اشرف، به خود آنها گفتم. فکر می‌کنم که جا داشته باشد که از خود سؤال کنیم چرا این افراد تحصیلکرده این زندگی را با محدودیتهایی که در آن جا هست انتخاب کرده‌اند. من به‌عنوان کسی که به آن‌جا رفته‌ام جواب این سؤال را دارم. ساکنان اشرف افراد یک فرقه نیستند که دنبال یک زندگی ویژه باشند. آنها دنبال یک آرمان هستند، آرمانی که به آنها انگیزه می‌دهد. آرمانی برای آزادی کشوری که با همسایگانش در صلح به‌سر می‌برد، بنیادگرا نیست و تروریسم را حمایت نمی‌کند، صادرکننده سلاحهای کشتار جمعی برای کشتن بیگناهان نیست. به‌دنبال ساختن سلاحهای هسته‌یی نیست و حقوق شهروندانش را پایمال نمی‌کند. این که ساکنان اشرف به ویژه زنان، برای ماندن در اشرف تحت‌فشار قرار دارند و به اراده خودشان آن جا نیستند، اتهام ناروایی است و کاملا بی‌پایه است. این تبلیغات رذیلانه از جانب رژیم ایران است. اما حقیقت واضح است حقیقت این است که ساکنان اشرف افراد تحت‌الحمایه کنوانسیون چهارم ژنو هستند. حقیقت این است که باید مطابق قوانین بشردوستانه بین‌المللی حقوق آنها رعایت شود. حقیقت این است که آنها نباید مورد اتهام واقع شوند، نباید اخراج شوند، نباید به آنها بی‌احترامی شود. اگر دنبال تروریست هستیم نباید سراغ اشرف برویم بلکه باید به تهران برویم و کاخهای ملاها را جستجو کنیم.

زمان آن فرار رسیده است که دروغ برملا شود و حقیقت به‌رسمیت شناخته شود و باید آمریکا و اتحادیه اروپا به سیاست لیست تروریستی خارج شوند. زمان آن رسیده که کشورهای غربی این سازمان را به عنوان یک جنبش آزادیخش که خواهان ایجاد تغییرات دموکراتیک در کشور خود است، به‌رسمیت بشناسند .

هم‌چنین برای دولت عراق زمان آن فرارسیده که مجاهدین را به‌عنوان پناهنده سیاسی به رسمیت بشناسد. و باید به تهدیدی که در مقابل آنها برای اخراج هست خاتمه داده شود. اتهاماتی که علیه ساکنان اشرف زده شده کاملا بی‌پایه و رذیلانه است. زنان اشرف آن‌جا هستند برای این که یک مأموریت برای وطنشان دارند و این اتهامات و افترایی که بسته‌اند جز پوشال نیست. این حرفها یک جنایت محسوب می‌شود و در واقع از طریق آن می‌توان دید که ماهیت رژیم ملاها برملا می‌شود. باید راه را برای تغییر دموکراتیک در ایران باز کنیم علیه رژیمی که جز ترس و وحشت بر مردم خود اعمال نمی‌کند. آن چه که واقعیت دارد این است که تعهد و هدف ساکنان اشرف تهدیدی برای رژیم ملاهاست باید برای مقابله با تهدیدی که این رژیم درخاورمیانه ایجاد کرده از این رزمندگان حمایت کنیم. قانون بین‌الملل از ساکنان اشرف حمایت می‌کند. این مبارزه‌یی است بین ساکنان اشرف و رژیم ملاها. قانون بین‌الملل از ساکنان اشرف حمایت می‌کند و نمی تواند نقض شود این حقوق باید محترم شمرده شود.

پروفسور مارک هانزلین، عضو کمیته بین‌المللی حقوقدان در دفاع از اشرف

باید به‌طور رسمی از این جنبش پوزش بخواهید و صدمات و لطمات را جبران کنید و این کار باید به طور رسمی از سوی دولت و مقامات آمریکایی و سوئدی انجام شود

من یک تفاوت عمده بین این جا و اشرف می‌بینم. آن‌هم تنها در درجه حرارت است. احتمالاً بین ۵۰ تا ۶۰درجه تفاوت بین هوای این جا و اشرف وجود دارد. اما آن چه در این‌جا می‌بینم و تجربه‌ام در اشرف نشان می‌دهد که هر دو جا یک نوع انسان حضور دارند انسانهایی با یک آرمان واحد، یعنی با هدف تغییر رژیم در ایران.

حضور در میان شما مرا به یاد تمام خاطراتم از اشرف می‌اندازد که همیشه بسیار دوستانه با من برخورد می‌کردند. من همیشه مورد لطفشان قرار می‌گرفتم و برخوردشان بسیار باز و گشاده بود. دقیقاً برعکس یک سکت یا چیزهایی نظیر آن که دشمنان ایران می‌گویند.

من از سوئیس آمده‌ام تا ازجاثر خودم را از جانب حقوقدانان و وکلا علیه اتهاماتی که به رزمندگان اشرف زده شده ابراز کنم. اولین باری که به اشرف رفتم سال۲۰۰۳ بود. من ایده‌یی در باره کسانی که با آنها دیدار می‌کردم، نداشتم. در مورد اهداف و آرمان آنها چیزی نمی‌دانستم. اما وقتی آنها را ملاقات کردم بسیار تحت‌تأثیرشان قرار گرفتم. به‌طور خاص تحت‌تأثیر نقشی که زنان ایفا می‌کردند، قرار گرفتم. در آن جا با زنان والایی ملاقات کردم که نقش رهبری کننده داشتند. آنها فرمانده و مسئول امور هستند دوشادوش برادران خود.

من هم‌چنین تحت‌تأثیر سطح بالای تحصیلات در اشرف قرار گرفتم. کسانی که از سراسر اروپا و آمریکا آمده بودند، با درجات مختلف تحصیلی در رشته‌های کامپیوتر، الکترونیک و...

بنابراین برای من مایه انزجار بود وقتی که در مورد این روزنامه در این‌جا یعنی سونسکادا گشبلادت شنیدم.

من نمی‌خواهم به انگلیسی سخرانی کنم چون زبان مادریم نیست. من تنها می‌خواهم برای شما نامه‌یی را که برای آقای بانلو و رونوشت آن را برای خانم کاندولیزارایس فرستاده بخوانم:

این شگفت‌انگیز است، اخیراً مقاله‌یی را در روزنامه سوئدی سونسکادا گشبلادت دیدم که نوشته است مجاهدین اعضای خودشان را شستشو مغزی می‌کنند و زنان خودشان را مورد تجاوز قرار می‌دهند. این اتهامات بسیار جدی است و من می‌خواهم که پایه‌های این اتهامات ناروا برملا شود.

من ۱۱بار طی چهار سال گذشته به اشرف رفته‌ام و با رهبری مجاهدین در اشرف و با اعضای جنبش مجاهدین در آن‌جا صحبت کردم و از نقش برجسته زنان در سازمان مجاهدین شگفت‌زده شدم آنها نقش برابر با رزمندگان مرد دارند. و در آن جا با مقامات ارشد آمریکایی صحبت کردم و آنها هم با من متفق‌القلر بودند که زنان نقش برجسته‌یی را در اشرف ایفا می‌کنند. از افسران آمریکایی شنیدم که برای آنها حتی، اشرف امن‌ترین جایی است که در عراق پیدا می‌کنند.

این اتهامات تهوع‌آور علیه اعضای این جنبش که توسط یک مقام آمریکایی مطرح شد جز افترا نمی‌تواند باشد و باید افشا شود.

من می‌توانم به‌عنوان یک وکیل و وکیل تعدادی از رزمندگان بر واهی‌بودن این اتهامات شهادت بدهم. باید به‌طور رسمی از این جنبش پوزش بخواهید و صدمات و لطمات را جبران کنید و این کار باید به طور رسمی از سوی دولت و مقامات آمریکایی و سوئدی انجام شود. امیدوارم که این اشتباه تکرار نشود.

من از این تریبون استفاده می کنم تا به دوستان خودم در اشرف درود بفرستم و امیدوارم که به زودی شما را در آن جا ببینم.

کنت لوئیس، حقوقدان، رئیس کمیته بین‌المللی وکلای بدون مرز

چطور می‌توان زنانی را که این‌طور مبارزه می‌کنند متهم کرد که شستشوی مغزی شده‌اند؟ این خلاف تمام معیارهاست

قبل از همه چیز دوست دارم بگویم سلام به دوستان عزیزم در اشرف چون نمی‌توانم آنها را ببینم.

چطور می‌توانیم بگوییم که یک روزنامه برجسته سوئد یک مقاله را علیه سازمان مجاهدین بنویسد؟ اول به این خاطر است که مجاهدین پیروزی بزرگی در دادگاه عالی اروپا داشته‌اند و باعث‌شده اسم سازمان در لیست تروریستی غیرقانونی اعلام شود.

این که سازمان مجاهدین از لیست تروریستی خارج شود، برای رژیم خیلی وحشتناک است و پیروزی بزرگی برای مردم ایران است و به همین دلیل، رژیم خیلی هیستریک عمل می‌کند. مساله دومی که رژیم ایران را بیشتر عصبی می‌کند این است که مردم ایران روزبه‌روز بیشتر علیه این رژیم برمی‌خیزند. این که یک روزنامه سوئدی این‌کار را می‌کند ماورای درک و فهم انسانی من است. یکی از دلایل این است که در قانون کمیودی وجود دارد. وقتی سازمانها و برخی افراد حقوقی در رسانه‌های جمعی مورد اتهام قرار می‌گیرند، حق ادعای خسارت در دادگاه ندارند. تهمت‌زنندگان تلاش می‌کنند این حقیقت را ثابت کنند که آنها می‌توانند آن‌چه را که دوست دارند بگویند و هیچ‌کس هم این امکان را ندارد که آنها را به دادگاه بیاورد تا نشان بدهد دروغ می‌گویند.

من خودم، همراه با یک وکیل دانماری درسال۲۰۰۴ در اشرف بودم‌ایم. ما تقریباً با ۲۰۰زن در اشرف، مصاحبه کردیم. آنها زندگی خودشان را برای ما شرح دادند و گفتند که چرا علیه رژیم ایران می‌جنگند و چرا می‌خواهند در اشرف بمانند تا به جنگشان ادامه دهند. هم‌چنین موقعی که اف.بی.آی با تک‌تک افراد مصاحبه می‌کرد من آن جا بودم و دیدم که این زنان را برای مصاحبه و بازجویی می‌بردند. من دیدم که این زنان وقتی برای این بازجوییها می‌رفتند، چه وقاری و چه روحیه‌یی داشتند. آنها هر کدام پرونده‌های خودشان را داشتند تا برای آمریکاییها توضیح بدهند که چرا علیه رژیم ایران می‌جنگند. حالا چطور می‌توان چنین کسانی را که این‌طور مبارزه می‌کنند متهم کرد که شستشوی مغزی شده‌اند؟ این خلاف تمام معیارهاست. هرچه‌کس راجع به برنامه‌های سیاسی مجاهدین صحبت نمی‌کند؟ چرا هیچ‌کس راجع به این که سازمان مجاهدین خواهان لغو اعدام و خواستار برقراری دموکراسی غیرمذهبی هست نمی‌گوید. آنها رهبر سازمان و رهبر جنبش ایران را مورد دحمله قرار می‌دهند و این یک فاجعه است.

مالکوم فاولر، رئیس جامعه حقوقی بیرمنگام

ما می‌دانیم که اشرف نقطه امید مردم ایران است. این سیاست رژیم ایران است که دارد در این‌جا (سوئد) دنبال می‌شود

دوستان و همکاران عزیز، من این‌جا هستم تا تعداد زیادی از وکلای دعاوی از انگلستان را نمایندگی کنم و به‌عنوان یک وکیل دعاوی حقوق‌بشر بتوانم حرفهایم را بزنم.

ما همگی از زنان و مردان اشرف حمایت می‌کنیم که سالها شجاعانه مبارزه کرده‌اند و این‌چنین توسط روزنامه سوئدی مورد بی‌حرمتی قرار گرفتند. اگر ما از آزادی و دموکراسی در کشورهای خودمان برخوردار هستیم مردم ایران سالهاست که تحت فشار آخوندها هستند.

رژیم ایران همیشه به‌طور سیستماتیک حقوق‌بشر را نقض کرده است و در عراق و افغانستان دخالت می‌کند. این رژیم ازنظر مالی و از نظر عقیدتی از تروریسم بین‌المللی حمایت می‌کند و تلاش می‌کند که به سلاح اتمی مسلح شود. هیچ امیدی به تغییر و بهترشدن وضعیت این رژیم وجود ندارد. این رژیم به‌هیچ‌عنوان تغییرپذیر نیست و توانایی تغییر ندارد چرا که ایدئولوژی این رژیم بر اساس نفرت بنا نهاده شده است.

در مقابل این رژیم، مقاومت ایران برای رسیدن به ایرانی دموکراتیک فعالیت می‌کند. شورای ملی مقاومت ایران و سازمان مجاهدین خلق ایران سالهای سال برای رسیدن به ایرانی آزاد مبارزه کرده‌اند.

دوستان و همکاران من در انگلستان و خود من از این‌که ادعاها و این اتهامات به سازمان مجاهدین و اعضای آن در شهر اشرف از طرف یک روزنامه سوئدی زده شده است، بسیار ناراحت شدیم.

ما می‌دانیم که اشرف نقطه امید مردم ایران است. این سیاست رژیم ایران است که در این‌جا دارد دنبال می‌شود.

ما این‌جا هستیم تا اعلام کنیم از صمیم قلب از مردم ایران و از شهر اشرف حمایت می‌کنیم. جامعه ایران باید مورد حمایت قرار بگیرد. باید از اشرف دفاع کرد. ما از مجاهدین و از اشرف دفاع می‌کنیم.

مماشات و راه‌حل نظامی راه‌حلی برای مردم ایران نیست. این مردم ایران هستند که باید سرنوشت خودشان را در دست بگیرند. مقاومت ایران و مردم ایران هستند که می‌توانند به یک تغییر دموکراتیک برسند.

به‌خاطر داشته باشید که قلب بحرانها در رژیم تهران قرار گرفته است.

بنته کراگرود
حقوقدان از نروژ

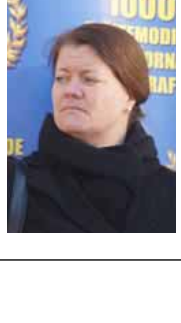

وقتی به ساکنان شهر اشرف اتهام می‌زنند ما نباید تحمل کنیم و چنین تجاوزی به حقوق‌بشر را اجازه دهیم

من نمی‌خواهم حرفهای سخنرانان قبلی را تکرار کنم. ولی می‌خواهم به این نکته اشاره کنم که چرا مقاومت در اشرف وجود دارد.

زنان ایرانی هیچ تضمینی برای آزادی ندارند. آنها شهروندان درجه دو شناخته می‌شوند. آنها در قانون ایران از حمایت کمتری برخوردار هستند. طبق قانون ایران زنان باید تحت سرپرستی همسر یا پدرشان قرار بگیرند.

من اگر یک زن ایرانی بودم نمی‌دانستم که چگونه لباس بپوشم، چگونه فکر کنم و چه شغلی را انتخاب کنم و هیچ‌وقت به‌اندازه یک مرد حق نداشتم. اینها پایه‌های حقوق‌بشر هستند. اینها قوانین سازمان ملل متحد هستند. تمام کنوانسیونهای سازمان ملل متحد این حقوق را به‌رسمیت شناخته‌اند. این خیلی وحشتناک است که رژیم ایران نمی‌تواند از ضعیفترین شهروندان خود دفاع کند و نمی‌خواهد این کار را بکند. این یک مسئولیت انسانی است که در مقابل این نقض حقوق بشر ساکت نباشیم.

و این یک وظیفه انسانی است که در مقابل رژیم ساکت نباشیم. وقتی به ساکنان شهر اشرف اتهام می‌زنند. رژیم می‌خواهد از همین شیوه علیه مخالفانش که در اروپا هستند استفاده کند. ما نباید این را تحمل کنیم و ما چنین تجاوزی به حقوق بشر را اجازه نخواهیم داد.

مریم رجوی: اهانت به قهرمانان اشرف، تلاش عبث برای حفظ و نگهداری همین رژیم است

ـ اگر واژه‌ها و فرهنگ متعفن آخوندها، که اکنون از روزنامه سوئدی سر درآورده تا سرکوب اپوزیسیون یک ملت اسیر را موجه جلوه دهد، موثر می‌بود، دیگر نیازی به این‌همه اعدام و حلق آویز در ملأعام نبود. نیازی به تروریسم و تسلیحات کشتار جمعی و بمب اتمی نبود

ـ به نظر می‌رسد بمباران فیزیکی مجاهدین دردی از رژیم آخوندی دوا نکرده و حالا می‌خواهد شانس فرومرده خود را در بمباران اخلاقی آنها دوباره آزمایش کند

ـ جنگ این رژیم با مردم ایران و جنگ مردم ایران برای آزادی در برابر این رژیم منحصر به غنی‌سازی اورانیوم یا دست‌برداشتن از اسلحه اتمی و حتی عراق نیست. جنگ بر سر تمامیت فاشیسم مذهبی است که فرهنگ و تاریخ آن، در یک کلمه، تجاوز و تعدی است

سلام بر همه شما

و خوشا مقاومت و پایداری بی‌مانند شما که در سوز سرما، دمیدن آفتاب بهاری و سحر فتح و آزادی را بشارت می‌دهد.

اول اجازه بدهید من پیروزی درخشان در دادگاه پاریس در روز ۳۰آبان را به شما تبریک بگویم. یک گواهی آشکار و یک حکم تردیدناپذیر قانونی و قضایی بر بطلان برچسب سکت و تروریسم علیه این مقاومت که اساس پرونده‌سازی ۱۷ژوئن را که پرونده زدوبند با فاشیسم مذهبی است، درهم‌بریخت.

ارزش این حکم، قبل از هر چیز برای من، عبور سیاوش‌گونه و سرفرازانه صدیقه و ندای من، و هم‌چنین۳۲قهرمان دیگر در ۱۰کشور، از میان آتشهاست. برای همین، به صدیقه و ندا، به شهیدان و قهرمانان شعلعوء، به مسعود و تک‌تک شما، و به خانواده‌های شهیدان تبریک می‌گویم.

به‌خصوص از مجاهدین و رزم‌آوران اشرف تشکر می‌کنم که دقیقاً همان چیزی را که من می‌خواستم، آنها از روی احساس درون خودشان انجام دادند به مزار شهیدان ، بر سر نماد صدیقه و ندا شتافتند و نماز تحیت به جا آوردند. چرا که این جشنی برای شهیدان هم بود.

حالا پس از ۴سال و نیم تحقیق، یک حکم قضایی، بر منتهای حقارت استدلالات و کسانی رأی می‌دهد که می‌گفتند امثال صدیقه و ندا مغزشویی و وادار به خودسوزی شده‌اند...هیهات که چه کسی و کدام نیرو و قدرتی می‌تواند زن و مرد مجاهد را به چنین چیزی وادار کند؟ وصیتی که تماماً، و کلمه به کلمه، در حکم دادگاه نقل شده، گویای همه چیز است....

سلام بر شهیدان و درود بر قهرمانانی که ازاین آزمایش سر فراز بیرون آمدند و خدا کند که باز هم در همه آزمایشات زندگی و مبارزهٔ خود سرفراز شوند.

هموطنان

در این هفته، کمیته سوم مجمع عمومی ملل متحد، بار دیگر رژیم آخوندها را به‌خاطر جنایتهای ضدانسانی‌اش علیه مردم ایران محکوم کرد. بعد از چندین سال، مجدداً از «نقض سیستماتیک» حقوق‌بشر، عمیقاً ابراز نگرانی شده که به لحاظ حقوقی معنای خاص خود را دارد. هم‌چنین پس از سالها، از دبیرکل ملل متحد می‌خواهد تا گزارش جامعی در باره نقض حقوق‌بشر در ایران به اجلاس بعدی مجمع عمومی ارائه دهد. رژیم آخوندی، امکانات سیاسی، دیپلوماتیک ،مالی و اقتصادی خود را به‌کار گرفت تا با همدستی سایر حکومتهای نقض‌کننده حقوق‌بشر از تصویب آن جلوگیری کند. حتی مقادیری نفت مجانی به بعضی از کشورها پیشکش کرد تا رأی منفی بدهند. اما خوشبخانه روشنگریهای مستند و گسترده اعضا و هواداران مقاومت در کشورهای گوناگون، که با صدها دیدار و ملاقات در نیویورک و ژنو و پایتختهای مختلف جهان همراه بود، یکبار دیگر تومار حسابهای فاشیسم مذهبی را درهم پیچید و طرح و برنامه رژیم را نقش برآب کرد. از تلاشهای بی‌وقفه نمایندگیهای مقاومت ایران و هوطنانمان، و از شهود و مدارک انکارناپذیری که ستاد اجتماعی مجاهدین در داخل کشور ارائه داد، سپاسگزاری و تقدیر می‌کنم.

تحول بسیار مهم و شایان تبریک دیگر، نهضت شیعیان جنوب عراق علیه دخالتها و جنایتهای رژیم آخوندی در این کشور است. خبرگزاریها و مطبوعات بین‌المللی بیانیه ۳۰۰ هزار تن از شیعیان در استانهای جنوبی این کشور را گزارش کردند.

شیعیان از کشتارها و فتنه‌انگیزیها و ویرانگریهای رژیم ایران در عراق و هدفهای شوم آن برای تجزیه این کشور به‌جان آمده‌اند و می‌گویند دردناکترین خنجری که رژیم ایران به پهلوی ما شیعیان عراق وارد کرده، استفاده شرم‌آور از تشیع است.

می‌گویند که متهم کردن مجاهدین به کشتن شیعه‌های عراقی سراپا جعل و دروغ و افترا است و رژیم ایران به این وسیله می‌خواهد جنایتهای خود را بپوشاند.

شیعیان دردمند و هوشیار عراقی با یادآوری نیایش و اعلام پناهندگی مسعود در حرم امام‌حسین، در نخستین روز ورودش به عراق، عملکرد رژیم ایران با مجاهدین را یادآور رفتار حکام جور و ستم با اصحاب سیدالشهدا می‌دانند و می‌گویند که مجاهدین ایران تنها وزنه تعادل در برابر این رژیم هستند.

به شیعیان دردمند عراقی درود می‌فرستم. موضعگیری شجاعانه آنها، مبین رستاخیز بیداری و آگاهی در سراسر عراق است.

بله فاشیسم دینی، هم دشمن شیعه و هم دشمن سنی و هم‌دشمن تمام مردم عراق است. علما و مراجع و روحانیون حقیقی، کسانی که هیچ‌گاه استبداد در پرده دین و سرمایه قراردادن دین برای دنیا را قبول نکرده‌اند، به خوبی می‌دانند که در تاریخ ایران هیچ‌کس به اندازه خمینی علیه اسلام و علیه تشیع و علیه روحانیون حقیقی، خصومت نورزیده و حریم آنها را ملوث و تحریف نکرده است. مجاهدین و مقاومت ایران هرگز و هیچ‌گاه حساب دزدان دین و دنیا را با روحانیون شریف و آزادیخواه یکی نکرده‌اند. سلام و رحمت خدا بر آنان باد.

هموطنان،

برادران و خواهران عزیزم،

فردا روز جهانی امحاء خشونت علیه زنان است. در واقع روز حرمت زنان است و همان‌طور که در اعلامیه ملل متحد در این باره به ثبت رسیده، علیه هرگونه خشونت در مفهوم وسیع آن است. علیه ضرب و جرح بدی و زبانی. علیه اهانت و افترا. افترا علیه زن پاکدامن در آیین اسلام، یکی از هفت گناه کبیره و نابخشودنی است.

اهانت و هتک حرمت مقدمه خشونت است. این‌جا در سوئد، در روزنامه‌یی که می‌دانید و به اصطلاح خبرنگاری که می‌شناسید، با اهانت و هتک‌حرمت زنان پاکباز اشرف مواجه شدیم. مقدمه‌یی برای خشونت و شکنجه و محدودیتهای باز هم بیشتر علیه زنان ما در داخل ایران و در هر کجا. چرا که از نظر رژیم آخوندی زنانی که به مخالفت و مبارزه و مجاهدت با این رژیم روی می‌آورند، همگی بی‌اخلاق و بی‌عفت‌اند و بایستی تعزیر شوند. و هرنوع خشونت، در باره آنها رواست.

موضوع چیست؟

از پیش گفته بودند که صورت مسألهٔ سرنگونی رژیمشان، تشکیلات مجاهدین است. آن هم در اشرف. کانون استراتژیکی نبرد...

اما برای ما تازگی ندارد. بنابراین آمدمایم که بگوییم، به‌دلیل حضور و حمیّت، و به‌دلیل هوشیاری و غیرت هموطنانمان، دیگر اثر ندارد!

اگر واژه‌ها و فرهنگ متعفن آخوندها، که اکنون از روزنامه سوئدی سرد‌رآورده تا سرکوب اپوزیسیون یک ملت اسیر را موجه جلوه دهد، موثر می‌بود، دیگر نیازی به این‌همه اعدام و حلق آویز در ملأعام نبود. نیازی به تروریسم و تسلیحات کشتار جمعی و بمب اتمی نبود.

مدافعان رژیم آخوندی و فاشیسم مذهبی، این بار در استکهلم، می‌خواهند شانس خود را علیه مقاومت مردم ایران آزمایش کنند. با کین توزی حیوانی و با همان واژه‌ها و فرهنگ لغت رایج در شکنجه‌گاههای اوین علیه زنان مجاهد در یک روزنامه سوئدی. عاری از شرف و هر گونه احساس انسانی، با همان کلمات، با همان کلماتی که احمدی نژاد و لاجوردی به هنگام شکنجه مادران و زنانمان به‌کار می‌گرفتند.

گفته‌اند «سربازان زن چنان مورد تجاوز قرار می‌گیرند که دیگر نتوانند به خانواده‌های خود برگردند»

معنی این اباطیل در فرهنگ هار نرینه‌سالار، در فرهنگ آخوندها و پاسداران و مغزهای گندیده آنان این است که علت ماندگاری و مبارزه زنان در جنبش مقاومت ایران، جنسیت تجاوز شده است.

همین و بس.

بله این چکیده ایدئولوژی و فرهنگ آخوندی است که می‌خواهند آن را به سایر کشورهای جهان نیز صادر کنند. با همین فرهنگ مفلوک می‌خواهند قهرمانان پاکبازی و مقاومت در زیر شکنجه، یعنی امثال حمیرا اشراق، سیمین هژیر و ثریا ابوالفتحی را قرائت کنند. و گوهر ادب آواز و طاهره طلوع و زهره فخار و فهیمه صادقی و لادن بادیانی را که در همین سوئد درس خوانده بود. راستی ندا و صدیقه را چه می‌گویید؟

به قول مرضیه اسکویی، فدایی قهرمان، «این زنی است که مرادف مفهومش، در هیچ کجای فرهنگ ننگ آلود شما وجود ندارد».

شگفتی در این است که آن کلمات شنیع و منزجرکننده را یک زن خبرنگار در سوئد، به نام

زنان اشرف، پاسخ تاریخی، آرمانی و سیاسی به نظام ولایت فقیه‌اند. نظامی که بر نابرابری و توحش و پلیدی و تجاوز بنا شده است.

بنابراین زنان سرفراز اشرف، این یاوه‌گویی حقیر در روزنامه سوئدی را به هیچ می‌گیرند. اما من می‌خواهم خطاب به خواهران و دخترانم در اشرف، به آن شیرزنان تاریخ مقاومت ایران، بگویم که امروز همه زنان ایران و زنان شریف جهان درکنار شما هستند و از شکوه پایداری شما به خود می‌بالند.

بیته هامارگن، که بسیار مورد عنایت رژیم است، در یک روزنامه سوئدی به نقل از مسئول میز عراق در وزارت‌خارجه آمریکا به چاپ داده است.

این ننگ زنان سوئد هم هست. بی‌گمان، هیچ زن شریفی در اسکاندیناوی این لجن‌پراکنی را نمی‌پذیرد. پس، مشکل در مغزهای ازکارافتاده و ذهنیت عقب‌ماندیی است که مورد تجاوز سیاست و فرهنگ فاشیسم دینی قرار گرفته و زن مقاوم در واقع این ارزشهای انسانی و اخلاقی است که توسط منافع تجاری و دلارهای نفتی مورد تجاوز قرار گرفته است. و این فلاکت مماشات‌گران است که از سر شکست و بن‌بست، حالا در سنگسار پرشکوه زنان مجاهد به زانو درمی‌آیند، آن‌وقت آخرین سلاح نرینه وحشی، یعنی حربه جنسیت، و افترا و تهمت و هتک حرمت، از سوی آخوندها و پاسداران به‌کار می‌افتد.

در دهه۶۰ حرفهای لاجوردی دژخیم و حاج داوود رحمانی و موسوی تبریزی را به‌یاد بیاورید که چه زبان آلودیی را به کار می‌گرفتند و در شکنجه‌گاهها به چه اقداماتی متوسل می‌شدند.

به صراحت می‌گویم که حرف این خبرنگار در روزنامه سوئدی از اتاقهای شکنجه بیرون آمده است. تجاوز به‌عنوان ابزار شکنجه و فاجعه واحد مسکونی که در تمام تاریخ نظیر ندارد.

واحد مسکونی حول اصل اساسی نرینه‌پاسدار، یعنی چکیده قانون اساسی ولایت‌فقیه، تشکیل شده بود. و تمام آن در این جمله خلاصه می‌شد که به زنان زندانی می‌گفتند: بلایی سرتان می‌آوریم که دیگر روی بازگشت نزد خانواده‌های خود را نداشته باشید. این درست همان جمله خبرنگار آخوندنشان سوئدی در سونسکاداگ بلادت است.

مگر این همه تهمت که عوامل رژیم به زنان و دخترانِ ما در خیابانها و در محل کار و در همه‌جا می‌زنند چیست؟ تماماً برای سرکوب زنان و مهار خواسته‌ها و اعتراضهای آن است.

فلسفه دایره و ستاد منکرات در رژیم آخوندی و پرونده قطور درنده‌خوییهایی که در این دوایر منکرات از روز اول تا به امروز در مورد زنان و دختران بی‌دفاع انجام شده، مگر چیست؟

زهرا کاظمی را کشتند و حالا هم یک دختر ۲۷ساله، یک پزشک جوان، دکتر زهرا بنی‌یعقوب در ستاد امر به معروف و نهی از منکر بسیج سپاه پاسداران در همدان... این یکی از هزاران و هزاران جنایتی است که در این مراکز بی‌داد و ستم نسبت به زنان و دختران ایران انجام شده و تا روز سرنگونی این رژیم ادامه دارد. برای همین است که می‌گوییم جنگ این رژیم با مردم ایران و جنگ مردم ایران برای آزادی در برابر این رژیم منحصر به غنی‌سازی اورانیوم یا دست‌برداشتن از اسلحه اتمی و حتی عراق نیست. جنگ بر سر تمامیت فاشیسم مذهبی است که فرهنگ و تاریخ آن، در یک کلمه، تجاوز و تعدی است. تجاوز و تعدی به حیثیت و حرمت و حقوق زن و مرد ایرانی و به همه ایرانیان.

راه‌حل سوم، تغییر تمامیت رژیم ولایت فقیه به‌دست مردم و مقاومت ایران است.

زنان مجاهد شهر اشرف ، عهد کرده‌اند که این نظام فداسانی را از صفحه روزگار محو کنند و چنین خواهد شد.

ما رژیم ولایت فقیه را به زیر می‌کشیم.

ما آزادی را برقرار می‌کنیم

ما جهان را از شر فاشیسم مذهبی خلاص می‌کنیم.

به عنوان گزارش، چند جمله‌یی هم در مورد این ژورنالیسم آخوندیسند و بدهنی پاسدارگونه علیه هزار خواهر قهرمانم در اشرف در روزنامه سوئدی بگویم:

از مسئول کمیسیون خارجه شورا خواستم که شخصاً با وزارت خارجه آمریکا تماس تلفنی بگیرد و موضوع را از مسئول میز عراق در آن‌جا تدقیق کند و نتیجه را به من گزارش کند. تأکید هم کردم که تماس تلفنی به نمایندگی از اشرف با همان عنوان قانونی و ثبت‌شده آقای محدثین در دادگاهها و مراجع بین المللی باشد، به عنوان کسی که ساکنان اشرف را نمایندگی می‌کند.

او تلفنی با آن آقای باتلر صحبت کرد و بعد هم گزارش آن را برای من فرستاد. در این گزارش می‌گوید: آن‌چه را که خبرنگار سوئدی به نقل از باتلر آورده بود، با تذکر این‌که ممکن است تحریف باشد، عیناً برای او قرائت کردم. این را هم یادآوری کردم که خانواده‌ها رفع ابهام بشود و برخی از آنها می‌خواهند شکایت کنند، و این‌که شما که دیپلومات باسابقه‌یی هستید، حتماً به حقوق ساکنان اشرف طبق کنوانسیونهای بین المللی اشراف دارید. منظور مصونیت آنها از اتهامات دون‌شأن و حیثیتشان است. و به‌خصوص این‌که نیروهای آمریکایی اذعان دارند از آنها حفاظت می‌کنند و کنترلشان هنوز برقرار است.

باتلر در جواب گفت اصلا نمی‌داند و سرنخی ندارد که راجع به چه چیزی صحبت می‌شود و از هیچ روزنامه سوئدی هم در این رابطه خبر ندارد...

این آن چیزی بود که من از قول مسئول میز عراق در وزارت‌خارجه آمریکا شنیده‌ام.

مریم عذرا هم که شما سر بر آستانش می‌سایید، اَماح همین بهتانها بود. آن قدر که می‌گفت کاش از یادها رفته بودم. اما چنان که در قرآن آمده است، خدا به او روزهٔ سکوت را فرمان داد و « فرشتگان به او گفتند که خدا تو را انتخاب کرده و پاکیزه داشته و برگزیده زنان عالم ساخته است». و « خدا تو را به کلمه‌ای از خودش بشارت می‌دهد که نام او مسیح، عیسَی ابن مریم است. . . » بله، امروز هم خدا و تاریخ در پایداری پرشکوه شما، پیروزی و آزادی مردم ایران را بشارت می‌دهد

سیاسی زنان مقاومت ایران با آخوندها همدستی می‌کنند.

همه می‌دانند که افراد اشرف، یک به یک به مدت ۱۶ماه دست‌کم توسط ۸سرویس و ارگان آمریکایی، از جمله وزارت‌خارجه، زیر ذره بین بودند.

دو سال پیش خانم کلر میسکین، قاضی و حقوقدان برجسته انگلیسی، چه خوب گفت که سازمان مجاهدین بیش از هر جنبشی در جهان زیر ذره‌بین بوده. به‌راستی هم که ارتش آزادیبخش ملی ایران تنها ارتشی است در جهان، که نفرات آن یک به یک توسط ارگانهای مختلف مورد تحقیق و سؤال وجوابهای مفصل قرار گرفته‌اند.

به‌نظر می‌رسد بمباران فیزیکی مجاهدین دردی از رژیم آخوندی دوا نکرده و حالا می‌خواهد شانس فرومرده خود را در بمباران اخلاقی آنها دوباره آزمایش کند! غافل از این‌که خمینی از روز اول، از روزی که نخستین دفتر مجاهدین را در شهر قم در محل پارک و خانه جوانان در این شهر مورد تهاجم پاسداران قرار داد، حرفش همین بود که در دفاتر و ستادهای اینها وسایل فساد یافته‌ایم.

خوشبختانه تابستان امسال هم یک هیأت ملل متحد ۴روز در اشرف به‌سر برد و با هر کس که می‌خواست صحبت کرد.

ژنرال دیوید فیلیپس که در سال۸۲ در اثنای تحقیقات در اشرف با درجه سرهنگی، فرماندهی حفاظت آن‌جا را برعهده داشت، دوسال پیش، در نامه‌یی به دبیران حقوق‌بشر نوشت:

«من شخصاً یکسال عمرم را در عراق با داشتن مسئولیت قرارگاه اشرف سپری کردم...

من بهطور مرضیه اسکویی، فدایی قهرمان، «این زنی است که مرادف مفهومش، در هیچ کجای فرهنگ ننگ آلود شما وجود ندارد».

شگفتی در این است که آن کلمات شنیع و منزجرکننده را یک زن خبرنگار در سوئد، به نام ایفا کرده‌اند...

من هرگز ندیدم که یک زن یا یک مرد برخلاف میل خودش در این سازمان نگه داشته شود.

من بهطور خاص تحت‌تأثیر یکانهای زنان قرار گرفتم، بهطوری که دوست دارم دخترانم روزی برای تبادل فرهنگی از این یکانها بازدید کنند. اگر شرایط شورش در سراسر عراق نبود من از دخترانم می‌خواستم تا به کمپ اشرف بروند و با این زنان حرفه‌یی و متعهد عضو مجاهدین، دیدار کنند».

پس راستی چرا زنان مجاهد، این چنین هدف کینه‌توزی رژیم و لابیهای آن در سوئد قرار گرفته‌اند؟ جواب روشن است، چون یک نبرد بی‌امان علیه فاشیسم مذهبی را رهبری می‌کنند که موضوع آن به زیر کشیدن نظام ولایت فقیه است.

زنان اشرف، پاسخ تاریخی، آرمانی و سیاسی به نظام ولایت فقیه‌اند. نظامی که بر نابرابری و توحش و پلیدی و تجاوز بنا شده است.

بنابراین زنان سرفراز اشرف، این یاوه‌گویی حقیر در روزنامه سوئدی را به هیچ می‌گیرند.

اما من می‌خواهم خطاب به خواهران و دخترانم در اشرف، به آن شیرزنان تاریخ مقاومت ایران، بگویم که امروز همه زنان ایران و زنان شریف جهان درکنار شما هستند و از شکوه پایداری شما به خود می‌بالند.

مریم عذرا هم که شما سر بر آستانش می‌سایید، اَماح همین بهتانها بود. آن‌قدر که می‌گفت کاش از یادها رفته بودم. اما چنان که در قرآن آمده است، خدا به او روزه سکوت را فرمان داد و « فرشتگان به او گفتند که خدا تو را انتخاب کرده و پاکیزه داشته و برگزیده زنان عالم ساخته است». و «خدا تو را به کلمه‌یی از خودش بشارت می‌دهد که نام او مسیح، عیسی ابن مریم است....».

بله، امروز هم خدا و تاریخ در پایداری پرشکوه شما، پیروزی و آزادی مردم ایران را بشارت می‌دهد.

پس چه باک که چکیده و شاخیت مرام نرینه‌سالار، از روز اول حاکمیت خمینی در برابر زن مقاوم و به ویژه زن مسلمان مجاهد، همان باشد که این زن خبرنگار برای خوشامد آخوندها نوشته است.

مقتول هزارباره شما

در میدان هزار دشنه و ساطور

برتختهای تعزیر،

در لابه‌لای روزنامه‌های دروغ و روزی‌نامه‌های تهمت

به تاریخ سرکوب و شکنجه در ایران علیه زنان، در سه دهه گذشته، نگاه کنید . بر سرلوحه شکنجه‌گاهها و دوایر سرکوبگر آخوندی در باره زنان چه نوشته شده است؟ راستی آخرین حربه چیست؟ وقتی همه شکنجه‌ها و حتی اعدام و قتل‌عام، زنان را از میدان خارج نمی‌کند، وقتی در مقابل مقاومت پرشکوه زنان مجاهد به زانو درمی‌آیند، آن‌وقت آخرین سلاح نرینه وحشی، یعنی حربه جنسیت، و افترا و تهمت و هتک حرمت، از سوی آخوندها و پاسداران به‌کار می‌افتد.

در دهه۶۰ حرفهای لاجوردی دژخیم و حاج داوود رحمانی و موسوی تبریزی را به‌یاد بیاورید که چه زبان آلودیی را به کار می‌گرفتند و در شکنجه‌گاهها به چه اقداماتی متوسل می‌شدند.

به صراحت می‌گویم که حرف این خبرنگار در روزنامه سوئدی از اتاقهای شکنجه بیرون آمده است. تجاوز به‌عنوان ابزار شکنجه و فاجعه واحد مسکونی که در تمام تاریخ نظیر ندارد.

واحد مسکونی حول اصل اساسی نرینه‌پاسدار، یعنی چکیده قانون اساسی ولایت‌فقیه، تشکیل شده بود. و تمام آن در این جمله خلاصه می‌شد که به زنان زندانی می‌گفتند: بلایی سرتان می‌آوریم که دیگر روی بازگشت نزد خانواده‌های خود را نداشته باشید. این درست همان جمله خبرنگار آخوندنشان سوئدی در سونسکاداگ بلادت است.

مگر این همه تهمت که عوامل رژیم به زنان و دخترانِ ما در خیابانها و در محل کار و در همه‌جا می‌زنند چیست؟ تماماً برای سرکوب زنان و مهار خواسته‌ها و اعتراضهای آن است.

فلسفه دایره و ستاد منکرات در رژیم آخوندی و پرونده قطور درنده‌خوییهایی که در این دوایر منکرات از روز اول تا به امروز در مورد زنان و دختران بی‌دفاع انجام شده، مگر چیست؟

زهرا کاظمی را کشتند و حالا هم یک دختر ۲۷ساله، یک پزشک جوان، دکتر زهرا بنی‌یعقوب در ستاد امر به معروف و نهی از منکر بسیج سپاه پاسداران در همدان... این یکی از هزاران و هزاران جنایتی است که در این مراکز بی‌داد و ستم نسبت به زنان و دختران ایران انجام شده و تا روز سرنگونی این رژیم ادامه دارد. برای همین است که می‌گوییم جنگ این رژیم با مردم ایران و جنگ مردم ایران برای آزادی در برابر این رژیم منحصر به غنی‌سازی اورانیوم یا دست‌برداشتن از اسلحه اتمی و حتی عراق نیست. جنگ بر سر تمامیت فاشیسم مذهبی است که فرهنگ و تاریخ آن، در یک کلمه، تجاوز و تعدی است. تجاوز و تعدی به حیثیت و حرمت و حقوق زن و مرد ایرانی و به همه ایرانیان.

راه‌حل سوم، تغییر تمامیت رژیم ولایت فقیه به‌دست مردم و مقاومت ایران است.

زنان مجاهد شهر اشرف ، عهد کرده‌اند که این نظام فداسانی را از صفحه روزگار محو کنند و چنین خواهد شد.

ما رژیم ولایت فقیه را به زیر می‌کشیم.

ما آزادی را برقرار می‌کنیم

ما جهان را از شر فاشیسم مذهبی خلاص می‌کنیم.

به عنوان گزارش، چند جمله‌یی هم در مورد این ژورنالیسم آخوندیسند و بدهنی پاسدارگونه علیه هزار خواهر قهرمانم در اشرف در روزنامه سوئدی بگویم:

از مسئول کمیسیون خارجه شورا خواستم که شخصاً با وزارت خارجه آمریکا تماس تلفنی بگیرد و موضوع را از مسئول میز عراق در آن‌جا تدقیق کند و نتیجه را به من گزارش کند. تأکید هم کردم که تماس تلفنی به نمایندگی از اشرف با همان عنوان قانونی و ثبت‌شده آقای محدثین در دادگاهها و مراجع بین المللی باشد، به عنوان کسی که ساکنان اشرف را نمایندگی می‌کند.

او تلفنی با آن آقای باتلر صحبت کرد و بعد هم گزارش آن را برای من فرستاد. در این گزارش می‌گوید: آن‌چه را که خبرنگار سوئدی به نقل از باتلر آورده بود، با تذکر این‌که ممکن است تحریف باشد، عیناً برای او قرائت کردم. این را هم یادآوری کردم که خانواده‌ها رفع ابهام بشود و برخی از آنها می‌خواهند شکایت کنند، و این‌که شما که دیپلومات باسابقه‌یی هستید، حتماً به حقوق ساکنان اشرف طبق کنوانسیونهای بین المللی اشراف دارید. منظور مصونیت آنها از اتهامات دون‌شأن و حیثیتشان است. و به‌خصوص این‌که نیروهای آمریکایی اذعان دارند از آنها حفاظت می‌کنند و کنترلشان هنوز برقرار است.

باتلر در جواب گفت اصلا نمی‌داند و سرنخی ندارد که راجع به چه چیزی صحبت می‌شود و از هیچ روزنامه سوئدی هم در این رابطه خبر ندارد...

این آن چیزی بود که من از قول مسئول میز عراق در وزارت‌خارجه آمریکا شنیده‌ام.

بعد هم شنیدم که کمیته بین‌المللی حقوقدانان در دفاع از اشرف، از سلسله مراتب فرماندهی نیروهای آمریکایی در عراق خواستار توضیح رسمی شده است.

جالب است بدانید که به اصطلاح خبرنگار مربوطه در سوئد، ادعا کرده بود که باتلر این حرفها را در یک کنفرانس مطبوعاتی در باره وضعیت عراق گفته است. اما در هیچ روزنامه یا خبرگزاری یا سایتی اثری از چنین کنفرانسی نبود. هموطنانمان از سفارت آمریکا در استکهلم پرسیدند، آنها هم گفتند که او به سوئد آمده بود، ولی کنفرانس مطبوعاتی در کار نبود...

در مورد خبرنگار مربوطه هم سؤال کردم، گفتند در این زمینه خیلی سابقه‌دار است! در جریان بمباران قرارگاههای مجاهدین و به‌خصوص بمباران اشرف گفته بود «چه خوب که آنها را بمباران کرده‌اند»!

می‌بینید که تا کجا و چقدر طرفدار حقوق‌بشر است! بهنظر می‌رسد دق‌دلش را از زنده ماندن رشیدترین فرزندان مردم ایران در اشرف حالا می‌خواهد این‌طوری خالی کند! در رابطه با مجاهدین و مقاومت ایران نسخه سوئدی حسین شریعتمدار و نماینده ولی‌فقیه در سونسکاداگ بلادت شده است!

می‌گویند منابع این خانم علیه مجاهدین، از جمله عراقچی در وزارت‌خارجه رژیم است و در سفر دیگر خود به تهران توسط پاسدار لاریجانی و تعدادی دیگری از نفرات رژیم بریف شده است!

به طرفداران سیاست مماشات و استمالت همیشه گفته‌ایم که ما از شما توقع در افتادن و جنگ و مبارزه با فاشیسم مذهبی را نداریم، اما بهای کوتاه آمدن در برابر ملاها را از جیب مردم و مقاومت ایران نپردازید.

اگر به اعلامیه جهانی حقوق‌بشر و به منشور ملل متحد برای حفظ صلح و به همان ارزشهای مبارزه ضد فاشیستی در کشورهایتان وفادار بودید، در کنار مردم ایران رودرروی این رژیم قرار می‌گرفتید.

هم‌چنان که رهبر مقاومت در پیام اخیرش درباره جنگ یا صلح با فاشیسم مذهبی گفت، اصل دعوا در مورد ایران، بین کسانی است که در مرز شرایطی، بدون‌شبهه و شکاف، طرفدار برچیدن بساط استبداد و فاشیسم مذهبی هستند و کسانی که خواهان حفظ و نگهداری یا بازسازی و صلح و سازش با این رژیمند. نه جنگ با عراق و نه جنگ با آمریکا و هر کجای دیگر، ملت ایران را از قیام به نخستین نیاز و ضرورت و اولویت تاریخی‌شان، که احقاق حق حاکمیت مردم است، باز نمی‌دارد.

هم‌چنان که رهبر مقاومت در پیام اخیرش گفت، اصل دعوا در مورد ایران، مرزبندی اصلی در داخل و خارج ایران، بین کسانی است که در هر شرایطی، بدون شبهه و شکاف، طرفدار برچیدن بساط استبداد و فاشیسم مذهبی هستند، و کسانی که خواهان حفظ و نگهداری یا بازسازی و صلح و سازش با این رژیمند. نه جنگ با عراق و نه جنگ با آمریکا و هر کجای دیگر، ملت ایران را از قیام به نخستین نیاز و ضرورت و اولویتِ تاریخی شان، که احقاق حق حاکمیت مردم است، باز نمی‌دارد

هم میهنان، یاران مقاومت

نه با برچسب تروریسم به مقاومت و نه با بادندول صلح در برابر رژیم ولایت فقیه، نمی‌توان بر خفت و ذلت در برابر فاشیسم مذهبی سرپوش گذاشت. مردم ایران آزادی از یوغ استبداد دینی را حق مسلم خود می‌دانند و به چیزی کمتر از تغییر دموکراتیک رضایت نمی‌دهند. اگر کسی به‌راستی صلح می‌خواهد، هم‌چنان‌که در نبرد مردم اروپا با فاشیسم به‌اثبات رسیده، قبل از هر چیز عامل جنگ و خونریزی و خفقان و تروریسم را کنار می‌زند.

هموطنان

برانگیختگی شما، خشم و دل‌سوختگی‌تان، و احساسات مقدسی که در دفاع از اشرف ابراز کردید، حمیت ملی ایرانیان را در دفاع از کیان مقاومت بیان کرد.

آفرین به جوشش غیرت شما در قبال زنان و مردان مجاهد در اشرف پایدار

اهانت به قهرمانان اشرف، تلاش عبث برای حفظ و نگهداری همین رژیم است

اما اکنون تومار سیاست مماشات و حفظ و نگهداری این رژیم، بالکل درهم پیچیده و شکست خورده است.

پایداری مردم ایران و فرزندان رشید آنان در اشرف، استبداد مذهبی را مقهور خود می‌کند.

ایران زمین از نکبت و پلیدی فاشیسم دینی رهایی می‌یابد.

اراده مردم ایران برای آزادی پیروز می‌شود.

سلام بر زنان پیشتاز اشرف

سلام بر مردم ایران

سلام بر آزادی

درود بر همهٔ شما

تظاهرات و راهپیمایی هزاران ایرانی در دفاع از زنان قهرمان اشرف در استکهلم

مورتن هوگلوند، نماینده پارلمان نروژ

مقاومت ایران نیرویی برای تغییر است و باید از آن حمایت شود

سلام بر زنان قهرمان شهر اشرف
دوستان عزیز ما این‌جا گرد هم آمدیم تا از زنان اشرف تقدیر کنیم. زنان قهرمانی که من با آنها در سال ۲۰۰۴ دیدار داشتم. زنان و مردان ایرانی استحقاق این حمایت را دارند. مردم از آن جا که در ایران ممکن است اتفاق بیفتد، از بلندپروازیهای همه‌یی رژیم ایران در جنگی که ممکن است در پیش باشد نگران هستند. من به آقای بوش می‌گویم چرا اجازه نمی‌دهید آزادیخواهان ایرانی و این زنان و مردان جوان مقاومت ایران برای مبارزه در کشور خودشان آزاد باشند. باید به حرف اینها گوش کنید. باید به پیام این تغییر گوش کنید. این یک نیروی خوب برای تغییر است ومقاومت ایران نیرویی برای تغییر است که باید از آن حمایت شود.

النا ریبرا، نماینده پارلمان اسپانیا

زنان اشرف صدای میلیونها زن ستمدیده در ایران هستند زنان شهر اشرف بدانید که ما در کنار شما هستیم

از مه ۲۰۰۷ ایران با موجی از سرکوب و اعدام مردم مواجه بوده است. من از پارسلون به این‌جا آمده‌ام تا همبستگی خودم را با زنان، دانشجویان و همه اقشار مردم ایران ابراز بدارم. همین‌طور حمایتم را از جنبش مقاومت ایران علیه ستم بنیادگرایی در ایران و از زنان شهر اشرف اعلام می‌کنم. آنها صدای میلیونها زن ستمدیده در ایران هستند.
زنان شهر اشرف بدانید که ما در کنار شما هستیم و علیه توطئه‌های ملاها در کنار شما خواهیم ایستاد.
سپاسگزارم

تووه راش، عضو انجمن بین المللی حقوقدانان - شعبه نروژ

از مردم سوئد می‌خواهم که به‌هیچ وجه چنین چیزی را نپذیرند و تحمل نکنند که این اتهامات به زنان اشرف زده شود

سلام دوستان آزاده ایران، دوستان ایران آزاد، سلام برشما
من هر روز با زنان ایرانی که به نروژ می‌آیند کار می‌کنم تا به آنها کمک کنیم به عنوان یک پناهنده سیاسی در نروژ زندگی کنند. متأسفانه من این شانس را نداشتم که به شهر اشرف بروم، ولی چیزهای زیادی درباره اشرف شنیده‌ام. به‌همین دلیل دچار شوک شدم وقتی شنیدم روزنامه سونسکاداگ بلادت چنین چیزی نوشته است.
من به عنوان یک زن و به‌عنوان انسانی که در اسکاندیناوی زندگی می‌کنم از مردم سوئد می‌خواهم که به‌هیچ وجه نپذیرند و تحمل نکنند که این اتهامات به زنان اشرف زده شود.

اریک والبری، وکیل و عضو کمیته بین‌المللی دوستان ایران آزاد ـ شعبه سوئد

واضح است اگر مطبوعات، ما را مورد اتهام قرار داده‌اند از سوی رژیم ایران است

حکومت ایران تحت فشار بین‌المللی قرار دارد. گاهی اوقات آدم فکر می‌کند که مردم ایران چگونه می‌توانند خودشان را از این فشار بیرون بیاورند.
همه می‌دانند که وقتی رژیم ایران سرنگون شود مریم رجوی در ساختن یک ایران آزاد که براساس دموکراسی بنا نهاده شده، شرکت خواهد داشت. جنبش دموکراسی‌خواهی ایران روز به‌روز گسترده‌تر می‌شود.
باید از جنبش آزادیخواهی و در نوکش سازمان مجاهدین خلق ایران حمایت کرد. این خیلی باعث شرم هست که روزنامه‌نگاران سوئدی مطالبی را می‌نویسند که مقاومت را و بگذارید بگویم ما را، به اتهاماتی محکوم می‌کنند که شایسته رژیم ایران است.
زمان دیکتاتوری مذهبی به سر آمده است. زمانی خواهد رسید که مردم ایران داشتن حکومت بدون آخوند را تجربه خواهند کرد. واضح است اگر مطبوعات، ما را مورد اتهام قرار داده‌اند از سوی رژیم ایران است.
این بزرگترین مایه امیدواری من است که در سالهای آتی در خیابانهای آزاد راه برویم. در یک حکومت آزادی که از طرف مردم انتخاب شده باشد.

موگنز کامره، نماینده پارلمان اروپا از دانمارک

اتهامات مطرح‌شده علیه زنان ایران واقعا تهوع‌آور است و چیزی نیست جز تبلیغات رژیم ملاها و ضروری است مطبوعات و به طور مشخص این روزنامه از جنبش مجاهدین معذرت‌خواهی کند

در ابتدا می‌خواهم به خانم رجوی درود بفرستم به خاطرسخنرانی ایشان و درود می‌فرستم به زنان و مردان آزادیخواه در شهر اشرف. طی ۴سال گذشته آنها زیر فشارهای متعدد رژیم و مزدورانش در عراق بوده‌اند.
من امروز از جانب دوستان ایران آزاد با شما صحبت می‌کنم که یک گروه ایرانی در پارلمان اروپا و متشکل از نمایندگان احزاب مختلف است. ولی آن‌چه که در آن مشترک است حمایت از مقاومت ایران و هم‌چنین تلاش برای برداشتن نام مجاهدین از لیست تروریستی وحمایت از آنها برای ایجاد یک ایران دموکراتیک است.
ما این‌جا در اروپا برای تغییر دموکراتیک با تهدید بنیادگرایی اسلامی مواجه هستیم. آخوندهای ایران از بنیادگرایی اسلامی و صدور آن در عراق و فلسطین حمایت می‌کنند. راه‌حل برای پیشگیری از این تهدید حمایت از مقاومت ایران است. جنبشی که عمیقاً ضدبنیادگرایی است و به دموکراسی باور دارد و زنان نقش عمده‌یی را در رهبری این سازمان ایفا می‌کنند. مجاهدین بخشی از شورای ملی مقاومت ایران هستند.
من بیش از ۳۰سال است که در فعالیتهای سیاسی شرکت دارم. من و همکارانم طی سالیان گذشته تحقیقات گسترده‌یی را در مورد سازمان مجاهدین انجام داده‌ایم. نشستهای متعددی را با مسئولان آنها در نقاط مختلف اروپا به‌ویژه در پاریس داشته‌ایم. ما هم‌چنین خانم رجوی را به پارلمان اروپا دعوت کرده‌ایم و از او سؤال کردیم آیا فکر می‌کنید که پارلمان اروپا از یک تروریست دعوت می‌کند که این‌جا بیاید؟ تخیر ایشان رهبر یک مقاومت است و نه چیز دیگر.
این واقعاً منزجرکننده است که شاهد اتهامات بی‌پایه علیه رزمندگان اشرف بودیم و گویا توسط یک مقام آمریکایی مطرح شده بود. ولی همان‌طور که هم‌اکنون شنیدیم این هم بی‌پایه بوده است و از اساس اتهامات علیه زنان ساکن اشرف صحت نداشته است.
یک سیاست مشخص طی قطعنامه‌یی در پارلمان اروپا تصویب شد. در سال جاری ما سیاست رسمی را در ضرورت حمایت از ساکنان شهر اشرف پیش گرفته‌ایم و فکر می‌کنم مطبوعات اروپایی باید مسئولانه‌تر عمل کنند و دروغهای منتشر شده توسط ملاهای ایران را اشاعه ندهند. اتهامات طرح‌شده علیه زنان اشرف واقعاً تهوع‌آور است و چیزی نیست جز تبلیغات رژیم ملاها و ضرورت دارد مطبوعات و به طور مشخص این روزنامه از جنبش مجاهدین معذرت‌خواهی کند.
در سیاست شیطان‌سازی ملاها علیه مقاومت ایران و رهبری آن، این رژیم در تبلیغات سوء خود گاهی افرادی را به پارلمان اروپا می‌فرستد که خودشان را ایرانیان معمولی اعلام می‌کنند ولی در واقع مأموران رژیم آخوندها هستند. آنها البته موضع ضدرژیم می‌گیرند ولی با هدفی که علیه سازمان مجاهدین، دنبال می‌کنند، مشخص است که مأموران رژیم ایران هستند و با صرف میلیونها دلار این کارزار تبلیغاتی علیه مجاهدین خلق ایران را دنبال می‌کنند که باید فی‌الواقع با آن مقابله شود.
من در انتها می‌خواهم به خواهران و برادرانم در اشرف که تصویر من را می‌بینند بگویم که ما حمایتمان را از آنها با تمام وجود ادامه خواهیم داد. یک آرمان مشترک را دنبال می‌کنیم وآن سرنگون کردن ملاها از قدرت است. ما تا زمانی که دموکراسی و آزادی در ایران برقرار شود، از پا نخواهیم نشست. ایران متعلق به ایرانیان است و دیکتاتوری به زباله‌دان تاریخ افکنده خواهد شد.
درود بر شما

فرانک هامر، نماینده پارلمان آلمان

یکی از مواد برنامه ۱۴ماده‌یی خانم رجوی که یک برنامه جدی و قابل اعتماد است این است که زنان باید در رهبری حکومت آینده شرکت داشته باشند و این تیری است در چشم آخوندها

دوستان عزیز، من در تظاهرات شما در پاریس و در برلین شرکت داشتم و الان هم در استکهلم هستم. من بسیاری از زنان را این‌جا در جمع خودمان می‌بینم که برای آزادی در ایران تلاش می‌کنند. ما خانم رجوی رهبر شما و رئیس‌جمهور ایران را دیدیم. وقتی که در پاریس بودم ایشان برنامه ۱۴ماده‌یی خودشان را اعلام کردند. این یک برنامه جدی و قابل اعتماد برای یک حکومت درآینده است. یکی از مواد برنامه، این بود که زنان باید در رهبری حکومت آینده شرکت داشته باشند و این تیری است در چشم آخوندها. و من می‌خواهم در این‌جا اعلام کنم که فاشیستها نباید علیه زنان تلاش بکنند و قاتلان نباید درباره حقوق‌بشر و صلح حرف بزنند. برای زنانی که در اشرف هستند مهم است که در اروپا انسانهایی هستند که با آنها اعلام همبستگی می‌کنند و ما می‌خواهیم بگوییم که از مبارزه آنها حمایت می‌کنیم.

الیزابت سیدنی، رئیس فدراسیون بین‌المللی زنان علیه بنیادگرایی و برای برابری

به شما که چنین اتهاماتی را به زنان مبارز اشرف می‌زنید باید گفت شرم برشما آقای باتلر و شرم بر دوستان سوئدی شما من افتخار می‌کنم که در کنار زنان اشرف قرار دارم

دوستان عزیز، من می‌خواهم شما را به‌عنوان دوستان ایران آزاد مورد خطاب قرار بدهم. با توجه به اتهامات بسیار رذیلانه‌یی که به زنان اشرف زده شده است، امروز صبح از لندن به این‌جا آمدم و بسیار افتخار می‌کنم که درکنار شما هستم. من نکته‌یی را می‌خواهم تذکر بدهم در مورد اتهامی که لارنس باتلر، سفیر سابق آمریکا در عراق به اشرفیان زده است در این زمینه که زنان اشرف مورد ششستی مغزی قرار گرفته و مورد هتک حرمت ناموسی قرار می‌گیرند. این اتهامات بسیار بی‌پایه و بی‌اساس و کذب است. زمانی که همه دنیا و بالاترین مراجع حقوقی می‌خواهند نام سازمان مجاهدین از لیست تروریستی حذف شود از کجا آقای باتلر چنین اطلاعاتی را آورده است؟ آیا ماشین تبلیغاتی رژیم است که این اطلاعات را به او می‌دهد؟ این اتهامات با این تبلیغات آن‌قدر مسخره است که آدم را به‌خنده می‌اندازد. با این اتهام زنان و مردان اشرف یعنی مردم ایران را بی‌نهایت مورد بی‌احترامی قرار داده است. زنان و مردان مقاومت در مبارزه علیه رژیم شریک و از تمام حقوق مساوی برخوردار هستند. این زنان مورد بازجویی و مصاحبه تمام مقامات آمریکایی قرار گرفته‌اند. به شما که چنین اتهاماتی را به زنان مبارز اشرف می‌زنید باید گفت شرم برشما آقای باتلر و شرم بر دوستان سوئدی شما.
من افتخار می‌کنم که در کنار زنان اشرف قرار دارم و مطمئن هستم که نماینده‌گانی هستند که این تظاهرات امروز را مورد حمایت قرار می‌دهند و به‌خصوص سازمان من حمایت خودش را از تظاهرات امروز اعلام می‌کند. من و خانم چیت‌ساز، مسئول کمیسیون زنان در شورای ملی مقاومت وظیفه معرفی این مقاومت را به دنیا داریم.

پیام بارونس گولد به تظاهرات استکلهم

به‌قویترین شکل سوءاستفاده از مطبوعات آزاد در غرب توسط ملاها و عوامل جنایتکارشان را علیه ساکنان اشرف محکوم می‌کنم

خوشحالم که می‌توانم گرمترین آرزوهایم را برای همه شما بفرستم. متأسفم که نتوانستم شخصاً با شما باشم.
امروز، من دو پیام دارم. یکی برای همه شما ایرانیان شجاع که در استکهلم جمع شده‌اید. می‌خواستم قبل از همه به شما به‌خاطر تصمیم روز سه‌شنبه کمیته سوم مجمع عمومی ملل متحد برای تصویب قطعنامه محکومیت نقض شدید حقوق‌بشر توسط رژیم ایران، تبریک بگویم. اگر تلاشهای شورای ملی مقاومت ایران و هواداران مقاومت ایران در غرب نبود، جامعه جهانی هرگز به میزان جنایت علیه بشریت که ملاها در ۲۸ سال گذشته اعمال کرده‌اند پی نمی‌برد.
قطعنامه سازمان ملل یک جیز را قبل از همه روشن می‌کند: مردم ایران توسط یک رژیم نامشروع سرکوب می‌شوند و حق مقاومت در برابر آن را دارند. مجاهدین جنبش مقاومت مشروع علیه رژیم ملاها هستند. تا امروز ۱۲۰۰۰نفر از اعضا و هوادارانشان به‌خاطر داشتن شهامت و سرداندن فریاد آزادی اعدام شده‌اند.
امروز حضور مجاهدین در شهر اشرف در عراق مانع اصلی تسلط ملاها بر عراق هستند. مجاهدین توانسته‌اند مردم و نیروهای ملی و دموکراتیک عراق را برای مقابله با ایدئولوژی بنیادگرایانه ملاها جمع کنند.
زنان در ایران قربانیان نخستین دیکتاتوری مذهبی هستند. با این‌حال زنان ایران در صف مقدم مقاومت علیه ملاها هستند. من مفتخرم که از مقاومتی حمایت می‌کنم که توسط یک زن رهبری می‌شود. خانم مریم رجوی شجاعانه علیه توطئه‌های ملاها ایستاده و جامعه بین‌المللی را به طرف مردم ایران کشانده است. زنان اشرف پشتکار و تعهد عظیمی در مسیر آزادی و دموکراسی در ایران نشان داده‌اند و به‌عنوان الگوهای نمونه برای همه زنان ایران هستند.
پیام دوم من به آنهایی در غرب است که از هیچ کاری برای استمالت از دیکتاتوری وحشی ملاها کوتاهی نمی‌کنند.
اخیرا عوامل آخوندها و آنهایی که می‌خواهند رژیم را در قدرت نگه دارند اظهارات سخیفی علیه زنان مجاهدین در اشرف کردند. به‌عنوان یک فعال حقوق زنان، به‌عنوان یک پارلمانتر انگلیسی و یک معتقد به عدالت و حقوق بشر، من به قویترین شکل سوءاستفاده از مطبوعات آزاد در غرب توسط ملاها و عوامل جنایتکارشان را برای پیش بردن طرحهای تروریستی و ناموسی علیه ساکنان شجاع اشرف، محکوم می‌کنم. من از همه آنهایی که این دروغهای عجیب را علیه اعضای مجاهدین منتشر کردند می‌خواهم بدون قید و شرط از مردم ایران و زنان اشرف به‌خاطر اشتباه بزرگشان معذرت‌خواهی کنند.
دولتهای اروپایی باید به‌جای خجالت‌زدگی به‌خاطر همراهی با ملاهای جنایتکار، از مردم ایران و مقاومت دموکراتیکشان حمایت کنند.

کشیش رزنبام — بویه برکهولت — فرانسوا دورو — گرتا تولمان — ایلانیا پاسکال — حبیبه نفیسی — کریستا کانت

کشیش رزنبام از هلند: زنان اشرف قهرمان هستند و این دروغها هیچ تأثیری ندارد

پیش از سه دهه است که مجاهدین، تمام زندگی و وقت و انرژی خود را در راه آزادی ایران گذاشته‌اند.
من این جنگندگان راه آزادی را تحسین می‌کنم. همان کسانی که عواطف، احساسات و زندگی خود را برای آرمانی والای فدا می‌کنند، برای یک جامعه دموکراتیک که هر کس بتواند در آن آزادانه و با ارزشهای انسانی زندگی کند.
خیلی روشن است که رژیم مذهبی آیت‌الله‌ها، مجاهدین خلق را دشمن اصلی خود می‌داند زیرا از جمله برنامه هسته‌یی‌شان به وسیله همین مجاهدین برای همه دنیا فاش شده است. هم‌چنین آنها بودند که مداخلات رژیم را در عراق را افشا کرده‌اند.
به‌خاطر این جنایات، نیروی قدس وابسته به سپاه‌پاسداران اخیراً به لیست تروریستی آمریکا اضافه شده است. هم‌چنین در ۲۱توامبر سازمان ملل متحد این رژیم را به خاطر نقض حقوق‌بشر محکوم کرد.
از سوی دیگر دیک مارتی، رئیس کمیسیون قضایی شورای اروپا در گزارشی که ارائه داده است اشاره کرده به این‌که سازمان مجاهدین خلق ایران یکی از اعضای شورای ملی مقاومت، که در لیست اروپایی سازمانهای تروریستی گذاشته شده، بنابه حکم دادگاه اروپا در سال۲۰۰۶، باید از این لیست خارج شود.
اخیراً روزنامه سونسکا داگ بلادت طی اتهاماتی واهی قلب اپوزیسیون ایران را هدف قرار داده شده است.
من شخصاً از اشرف بازدید کرده‌ام. من با زنان اشرف ملاقاتهای متعددی داشته‌ام. آنها قهرمان هستند. رژیم ایران همیشه تلاش کرده است که با پخش شایعات دروغین اپوزیسیون ایران را نابود سازد ولی همه ما می‌دانیم که این دروغها هیچ تأثیری نداشته است. الان زمان خارج ساختن نام مجاهدین از لیست تروریستی فرا رسیده است و راه‌حل سوم رئیس‌جمهور مقاومت ایران خانم رجوی باید مورد حمایت قرار بگیرد.

بویه برکهولت، رهبر سازمان جوانان حزب لیبرال نروژ: همبستگی خودم را با جنبش شما اعلام و از زنان قهرمان اشرف حمایت می‌کنم

دوستان عزیز
من بسیار خوشحال هستم که امروز در میان شما هستم تا همبستگی خودم را با جنبش و مبارزه شما اعلام کنم و هم‌چنین از زنان قهرمان اشرف ابراز حمایت بکنم. زنانی که مورد توهین و هتک حرمت توسط تبلیغات ملاها قرار گرفته‌اند، کسانی هستند که برای آزادی کشورشان مبارزه می‌کنند. این یک مبارزه آرمانی و انسانی است. تمام کسانی که آزادی‌طلب هستند، بایستی از این مقاومت حمایت بکنند.
من امروز تعداد زیادی از شما را می‌بینم، ایرانیانی که در این‌جا گرد آمده‌اید،تا فریاد بزنید می‌خواهید آزادی و دموکراسی را برای کشورتان به ارمغان ببرید. و من با شما ابراز همبستگی می‌کنم و از همه شما سپاسگذارم.

فرانسواز دورو، فیلسوف و استاد دانشگاه از فرانسه: دروغهایی که به مجاهدین طی سالهای گذشته بسته‌اند مانع از مبارزه این جنبش نشده است

می‌خواهم در ابتدا از مجاهدین خلق حمایت بکنم. طی سالهای گذشته دروغها و افترائاتی که به مجاهدین بسته‌اند مانع از ادامه مبارزه این جنبش نشده است. تحت رهبری خانم مریم رجوی، این مبارزه‌یی است که ما باید علیه بنیادگرایی اسلامی ادامه دهیم. رژیم آخوندها با بنیادگرایی می‌خواهد زن را از هویت خودش تهی بکند. ولی اعمال این رژیم ربطی به اسلام ندارد. باید به مجاهدین خلق اجازه بدهیم که به مبارزه خودشان ادامه بدهند و از حمایت ما برای برقراری یک ایران دموکراتیک برخوردار باشند.

یولانیا پاسکال، وکیل و رئیس «ردا ونتورا»: نباید اجازه دهیم که مطبوعات و رسانه‌های ما به ابزاری در دست ملاها برای اشاعه دروغهایشان تبدیل شود

من از اسپانیا برای ابراز همبستگی عمیق خودم با اپوزیسیون ایران به این‌جا آمده‌ام. من از اظهارات و افترائات بی‌روایی که علیه زنان اشرف گفته شده است منزجر هستم. درحالی‌که رژیم ایران اعمال سرکوبگرانه خود را علیه مردم و زنان ایران افزایش داده است نباید اجازه دهیم که مطبوعات و رسانه‌های ما تبدیل به ابزاری در دست ملاها برای اشاعه دروغهایشان شوند. نباید اجازه بدهیم که تبلیغات سوء رژیم این‌جا را فرابگیرد. این ناشی از سیاست مماشات با رژیم ایران است که باید پایان بپذیرد. سیاست استمالت سیاست خطرناکی است که ما تجربه آن‌را با آلمان هیتلری داشتیم و منجر به جنگ جهانی دوم شد.
وزارت خارجه سوئد باید سریعا فاصله خودش را با این اظهارات بی‌پایه ابراز کند و حمایت خود را از زنان و رزمندگان اشرف اعلام نماید.

حبیبه نفیسی، رئیس انجمن زنان تونسی در فرانسه: در این‌جا حضور یافته‌ام برای ابراز همبستگی با خواهرانم در اشرف

سلام علیکم.
به نام انجمن زنان تونسی در فرانسه که از ده سال پیش در کنار شما قرار دارم، در این‌جا برای ابراز همبستگی با خواهران خودم در اشرف حضور یافته‌ام. به آنها می‌گویم که نباید از مبارزه خودتان دست بردارید، مبارزه‌یی که سهمگین است ولی بخش اعظم سختی آن اکنون سپری شده و دوران نوینی را آغاز می‌کنیم. مبارزه برای این‌که زنان از آزادی برخوردار باشند، برای این‌که با رفتار ناعادلانه و تجاوز در کشورشان روبه‌رو نشوند. ما باید مبارزه بکنیم برای مقابله با رشد نیروهای بنیادگرای اسلامی در کشورهای اسلامی و من کلام خودم را با قطعه شعری از شاعر تونسی به پایان می‌برم.
وقتی خلقی اراده حیات می‌کند
بر تقدیر است که بپذیرد

کریستا کانت، از انجمن زنان ایرانی و آلمانی در برلین: تبلیغات اخیر از جانب رژیم ایران و برای تخریب چهره‌های درخشان زنان اشرف است

خانمها و آقایان .دوستان عزیز. سلام مخصوص برای دوستان عزیزم در اشرف. به همه زنان و مردانی که در اشرف هستند، درود می‌فرستم. زیرا می‌دانم که مردان در اشرف یار خواهرانشان هستند و تبلیغاتی که اخیراً صورت گرفته از جانب رژیم آخوندها برای تخریب چهره درخشان آنها است. اما رژیم ایران قادر به این کار نخواهد بود و قطعاً دروغهای آنها تأثیری نخواهد داشت. وقتی زنان مجاهد خلق در اشرف هستند، انتخاب کرده‌اند برای آزادی مردمشان در ایران مبارزه بکنند، به این خاطر برای رهایی کشورشان در اشرف مانده‌اند. و حالا در خود ایران هم می‌بینیم که زنان برای آزادی به خیابان می‌ریزند و فریاد آزادی سر می‌دهند.
کسی نیست که در سازمان مجاهدین خلاف اراده و تمایل خودش بماند. هر کس که آن‌جاست برای مبارزه جهت برقراری یک کشور آباد وآزاد است. برای دموکراسی و برای مبارزه علیه بنیادگرایی اسلامی. به همین دلیل است که این‌جا آمده‌ام تا حمایت خودم را از شما اعلام بکنم و برای تمامی شما آرزوی موفقیت دارم.
پیروز باشید.

دکتر گرتا تولمان، سخنگوی کمیته آلمانی برای ایران آزاد و سردبیر مجله فرهنگی در آلمان:

ما به این جا آمده‌ایم تا حمایت خودمان را همراه با همه ایرانیهایی که از شما حمایت می‌کنند اعلام کنیم. از شما بسیار متشکریم و از شما می‌خواهیم به تبلیغاتی که از جانب آخوندها هدایت می‌شود، توجه نکنید. آنها می‌خواهند بنیادگرایی را در جهان گسترش دهند. متأسفانه رسانه‌های عمومی گاهی تبلیغات غلطی می‌کنند. شما به این تبلیغات توجه نکنید بلکه به ندای ما گوش کنید که می‌گوییم همه شما را خیلی دوست داریم و از شما حمایت می‌کنیم و می‌خواهیم که شما هم‌چنان با هم و با شجاعت به راهتان ادامه دهید.

تظاهرات و راهپیمایی هزاران ایرانی در دفاع از زنان قهرمان اشرف در استکهلم

پرویز خزایی

ناهید همت‌آبادی

رضا اولیا

فلور صدودی

محمدرضا روحانی

محمدرضا روحانی، مسئول کمیسیون قضایی شورای ملی مقاومت: این جسارتها این توهینها در امر تحقق حاکمیت ملی ما اثری نخواهد داشت

زین آتش نهفته که در سینه من است
خروشید شعله‌یی است که در آسمان گرفت
پس از ۳۰سال سرکوب، حضور شما نمایندگان واقعی و بیانگران واقعی دردهای ملت ایران در این سرما در این سر دنیا نشاندهنده بیداری یک ملت است.

۱۴۰سال پیش میرزا یوسف مستشارالدوله اعلامیه حقوق شهروندی فرانسه را به زبان فارسی ترجمه کرد. این دولتمرد و حقوقدان بزرگ را تنبیه کردند. کتابی را که به نام قانون نوشته بود بر سرش کوبیدند. خانه‌اش را ویران و غارت کردند. کورش کردند، به او گرسنگی دادند، به زندان و تبعید بردند و این دانشمند و دیپلومات حقوقدان در گرسنگی و فقر مرد. ما فرزندان آنها هستیم هر «قلم‌کشی» قلم‌کش بر وزن چاقوکش بر وزن چماق‌کش با پولهای «طیب و طاهر» نمی‌تواند به جنبش ما صدمه‌یی بزند.

اجازه بدهید جمله‌یی را که مادر دکتر مصدق به مصدق گفت برایتان بخوانم. به مصدق توهین کرده بودند، مصدق از غصه تب کرد. مادرش برای احوالپرسی آمد و به او گفت: هر کس در سیاست وارد می‌شود باید خود را برای همه گونه افترا و ناسزا حاضر کند وهر ناگواری پیش آمد تحمل کند چون می‌دانم که تو غیر از خیرمردم نظری نداری باید بدانی وزن اشخاص در جامعه به قدر شدائدی است که در راه مردم تحمل می‌کنند.

مصدق می‌گوید این بیانات آن هم از زبان مادری که مرا بسیار دوست می‌داشت وغیر از خیر جامعه نظری نداشت آنقدر در من تأثیر نمود که آنرا برنامه زندگی خود قرار دادم و از آن به بعد هر قدر فحش و ناسزا شنیدم خود را برای خدمت به مملکت آماده ومجهزتر دیدم.

عملی که این قلم‌کش در این جا کرد شدیدتر و کثیف‌تر از همدستش شریعتمداری در تهران است ما به این اعتبار در این‌جا جمع شده‌ایم که بگوییم این جسارتها این توهینها به هیچ عنوان بر آن چه که مسعود به‌واقع داشت. ممکن است به جان ما، این که به نام ماست به حیثیت ما، لطمه بزنند. حقوقدانان بسیاری امروز این‌جا صحبت کردند. حقوقدانان بسیاری در ایران ازجمله مصدق، پاکنژاد، دکتر کاظم رجوی جان و آزادی خود را در راه آزادی مردم ایران از دست دادند. من اجازه می‌خواهم از این‌جا به حقوقدانان ایران به همکاران خودم در ایران پیام بدهم، بنام صلح نمی‌توان حقوق‌بشر را با ولایت مطلقه فقیه صیغه کرد. به نام آزادی نمی‌توان به پناهندگان جسارت کرد، ما برای خرید تی‌شرتهای مناسب نیامده‌ایم. ما سه میلیون نفریم. سه میلیون پناهنده ومهاجر وجود دارد چرا توهین می‌کنید؟

پدران ما را کشتند. وقتی ناصرالدین شاه به دست یک پناهنده میرزا رضا کرمانی مجازات شد پناهندگان دیگری را، پدران ما را، خلیفه عثمانی تحویل داد، سرشان را بریدند. سر میرزا آقاخان کرمانی را بریدند زیر درخت نسترن در خانه محمدعلی میرزا در تبریز. سرش را به آقجای به رود سرخ انداختند. چرا به پناهندگان توهین می‌کنید؟ پناهندگان ایران در صد سال گذشته یک لحظه یک آن از کندن ریشه ارتجاع دست نکشیدند. من به همکارانم در ایران به حقوقدانان در ایران به آنانی که پایه‌گذار جمعیت حقوقدانان بودند توصیه می‌کنم این اشخاص را به مردم معرفی کنید. اینها نماینده مردم ایران نیستند اینها هیچ نماینده‌گی غیر از حمایت از ولایت‌مطلقه‌فقیه ندارند. ما نمی‌توانیم با ولایت مطلقه فقیه صلح کنیم. ایهاالناس، در ایران اجرای حکومت قانون یعنی سنگسار، چرا به ما توهین می‌کنید. این خبرنگار سوئدی و آن حقوقدان«ایرانی» به چه جرئتی به ملت ایران توهین می‌کنند. ما چه گناهی کردیم غیر از این که می‌خواهیم در قرن بیست‌ویکم یک ملت بزرگ را، یک جهان را از قید ننگ ولایت مطلقه فقیه نجات بدهیم.

ای مرگ بر ولایت شیخ جان‌ستیز ایران‌ستیز بلکه همانا جهان‌ستیز. امروز اینها در لبنان و فلسطین و افغانستان و عراقند و در حاشیه همین شهرهای خودتان مشغول ترور هستند.

با منجنیق و بیوزی و با دار تن‌شکن با تهمت و شکنجه و زندان روان‌ستیز، با جهل و با خرافه و با سفله‌پروری فرهنگ‌کش، دروغگرا، آرمان ستیز.

این قلم‌کشهای کثیفی که با پولهای، طیب و طاهر، به ما فحش می‌دهند به وسیله مردم ایران از طریق حقوقی و قانونی به‌موقع تنبیه خواهند شد.

پیروز باشید، زنده باد اشرف.

ناهید همت‌آبادی: ما همگی برای دفاع از شرف وحرمت فرزندان آگاه و دلیر و پاکباز خود در اشرف و اعاده حیثیت تام‌وتمام تک‌تک آنان ایستاده‌ایم

دوستان گرامی، ماقاره‌پیمایان و قایقرانان دریای پرتلاطم مقاومت این‌بار در سرزمین سرد سوئد و در میهن آسترید لیندگرن با مردم میهمان‌نواز آن کنارهم گردآمده‌ایم تا خشم و اعتراض خود و افکارعمومی مردم مترقی سوئد را از بی‌حرمتی درحق قلم وکلام، بی‌پرنسیبی حساب‌شده یک خبرنگار کلاش ونهمتهای رذیلانه یک نماینده خودفروش دونبش در حق پاکبازترین فرزندان مردم ایران وفرزندان نسبی خود در شهر اشرف آگاه نماییم که بی‌اعتنا به سنت میهماندوستی وترقیخواهی مردم سوئد، ارزشهای والای مبارزاتی فرزندان ما و پایداری قهرمانانه آنان در شهر اشرف را وقیحانه مخدوش کرده و الیته بدین‌وسیله ننگ مضاعف برای خود خریده‌اند. ما مادران و پدران، خواهران و برادران و فرزندان مجاهدین مستقر در اشرف امروز در استکهلم گرد آمده‌ایم تا بر سر انواع مزدوران و قلم‌به‌مزدان و تهمت‌زنندگان باجیره ومواجب با بدون آن در هر لباس و پوش و با هر ادا و ژست اعم از ژورنالیست و فمینیست یا هر بچه‌نخودی حزبی فریاد بزنیم شاید شریفهم شدند که ما همگی اگر برای دفاع از شرف وحرمت فرزندان آگاه و دلیر و پاکبازخود در اشرف و اعاده حیثیت تام‌وتمام تک‌تک آنان امروز و در این لحظه در این سرزمین ایستاده‌ایم، فردا در هر جای دیگر جهان که ضرورت ایجاب کند نیز مصرانه خواهیم ایستاد تا یاوه‌گویان دهان‌دریده سیاسی، مواجب‌بگیران جیره‌خوار و متجاوزین به شرف وآبروی انسانها را طبق قوانین همین کشور مترقی و یا هرکشور دیگره‌پای میزمحاکمه بکشانیم وبه پوزش وتوبه وادارایم تا افکارعمومی را ازمیزان قلم‌فروشی کسانی مانند آن ژورنالیست خودفروخته زن و آن آدم فرومایه مثلاًنماینده حزب و تحریک‌کنندگان آنها باخبر سازیم که نه فقط این دویا سه نفر بلکه هر جاسوس وپاسدار خارج کشوری امثال آنها هم اگرهنوز خیال می‌کنند در کشوری مانند سوئد باسوءاستفاده از آزادی بیان وقلم می‌توانند حرمت انسانهای دیگر را آن‌هم در آن سر دنیا بزنیم شاید شریفهم شدند که ما همگی اگر برای دفاع از شرف وحرمت فرزندان آگاه و دلیر و پاکبازخود در اشرف و اعاده حیثیت تام‌وتمام تک‌تک آنان امروز و در این لحظه در این سرزمین ایستاده‌ایم، فردا در هر جای دیگر جهان که ضرورت ایجاب کند نیز مصرانه خواهیم ایستاد تا یاوه‌گویان دهان‌دریده سیاسی، مواجب‌بگیران جیره‌خوار و متجاوزین به شرف وآبروی انسانها را طبق قوانین همین کشور مترقی و یا هرکشور دیگره‌پای میزمحاکمه بکشانیم وبه پوزش وتوبه وادارایم تا افکارعمومی را ازمیزان قلم‌فروشی کسانی مانند آن ژورنالیست خودفروخته زن و آن آدم فرومایه مثلاًنماینده حزب و تحریک‌کنندگان آنها باخبر سازیم که نه فقط این دویا سه نفر بلکه هر جاسوس وپاسدار خارج کشوری امثال آنها هم اگرهنوز خیال می‌کنند در

رضا اولیا: زنان مجاهد در اشرف، طی سالهای اخیر، کارنامه درخشانی از قهرمانی وایستادگی را دارا هستند وبه همین جهت دلیل کینه وحشیانه رژیم نسبت به آنها روشن است

هموطنان عزیز،
مردم آزاده اسکاندیناوی، سلام برشما
من امروز مصر بودم که در این تظاهرات اعتراضی شرکت کنم واین را قبل ازهرچیز یک وظیفه اخلاقی، انسانی ومبارزاتی خودم می‌دانستم. چرا که برایم بسیار سنگین بود زنان شریفی را که سالهاست پرچم افتخارآمیز وخونبار این مقاومت را به‌دوش می‌کشند این چنین مورد هتک حرمت قرارگیرند. زنان مجاهد در اشرف، طی سالهای اخیر، کارنامه درخشانی از قهرمانی وایستادگی را دارا هستند وبه همین جهت برای من دلیل کینه وحشیانه رژیم نسبت به آنها روشن است. هم‌چنین من این روزنامه سوئدی را متهم می‌کنم که به مردان مجاهد اشرف هم بدترین وکثیف‌ترین توهین را کرده است!

من کاملاً متوجه هستم که رژیم درمانده آخوندی پس از دریافت دوضربات متعدد از این مقاومت، در زمینه اتمی، در زمینه دخالتهایش در عراق ودر زمینه حقوق‌بشر، همه مزدوران وعوامل‌اش را در کشورهای اروپایی به حرکت درآورده است تا حمایتش کنند ولی این درجه از پستی ورذالت که این روزنامه علیه این مقاومت به خرج داده است خارج از تصور من است. این کمال بیشرمی است که اعمال وقیحانه پاسداران جنایتکار آخوندها را به یک مقاومت نسبت بدهند.

هدف این خانم نویسنده‌از این کار چیست؟ آیا هدف از این اتهام کثیف به قهرمانان مقیم اشرف، مشروع‌کردن توطئه‌های رژیم علیه آنهاست.

آیا این اتهام تکمیل‌کننده جنایات پاسداران وآخوندها در زندانها نیست؟

مردم آزادیخواه سوئد،
کاملاً روشن است که این خانم نویسنده آگاهانه دارد از یک رژیم وحشی و از یک هیتلر کوتوله حمایت می‌کند. این درجه سقوط در نویسندگان یک روزنامه اروپایی که باعث شود برای خدمت به یک دیکتاتوری عقب‌مانده وجنایتکار، به اشاعه فرهنگ تخریب و هتک‌حرمت وشیطان‌سازی نوع آخوندی متوسل شود بسیار خطرناک است ونشان از این دارد که دلارهای نفتی رژیم چقدر او را در بکارگیری لایهایش توانا ساخته است. این برای دموکراسی خطرناک است. برای سوئد خطرناک است، برای بشریت خطرناک است.

من به این روزنامه وبه این نویسنده حامی آخوندهای جنایتکار اخطار می‌کنم که به سوءاستفاده از فضای مطبوعاتی غرب پایان دهند. ما آزادیخواهان عضو مقاومت ایران جلوی آنها خواهیم ایستاد واجازه نمی‌دهیم که در قرن بیست ویکم برای یک دیکتاتوری وحشی راه باز کنند.

ما اجازه نمی‌دهیم که فضای مطبوعات اروپا، مانند فضای فرهنگ لمپنی وسرکوبگری حاکم بر رسانه‌های داخل ایران شود.

باسلام به یاران پایدارمقاومت وباصدهزاردرود وسلام ازسوی همگی مابه دلاوران اشرفی.

فلور صدودی: نه شما و نه هیچ‌کس دیگر نمی‌توانید خدشه‌یی به این مقاومت وارد کنید

با درود به هموطنانم که در سرمای پاییزی با دلهایی گرم و مملو از عشق به آزادی وعشق به مقاومت برحقمان و در دفاع از ۱۰۰۰شیرزن ارتش آزادیبخش که سمبلهای مقاومت و پایداری و شرف مردم ایران هستند در این جا جمع شده‌اند.

ما آمده‌ایم تا فریاد برآریم که بیش از ربع قرن است که علیه دیکتاتوری مرتجع آخوندی مبارزه می‌کنیم.

ما آمده‌ایم که بگوییم که لحظه‌یی آرام نداریم تا به هدفمان که همانا آزادی مردم ایران از بند آخوندهاست برسیم.

هر چند رهبر گرانقدر این مقاومت در سالهای اولین حکومت آخوندی فرمودند که این رژیم با ولایت‌مطلقه‌اش ضدانسان و ضد آزادی است امروز مردم دنیا بعد از ۲۸سال به این رسیده‌اند. اما این مهم آسان به‌دست نیامد با شهادت هزاران فرزند برومند ایران زمین و با زحمات بسیار این مقاومت و فرزندان دلیر ایران.

از دید من بعضی مشاغل مسئولیت بیشتری را پذیرا می‌شوند از جمله هنرمندان، ورزشکاران و روزنامه‌نگاران و مسئولینی بس دشوار به عهده دارند که چارچوبش صداقت است. از این‌رو از خانم روزنامه‌نگار سوئدی که علیه زنان شریف ارتش آزادیبخش به هتک‌حرمت پرداخته می‌پرسم که مسئولیت روزنامه‌نگاریتان را چه می‌کنید؟ شما به‌عنوان یک خبرنگار می‌دانید که چندی قبل یک دانشجوی پزشکی را این رژیم به قتل رسانده است. از قتل خبرنگار دیگری در ایران مطلع هستید. می‌دانید دانشجویان در زندان شکنجه می‌شوند؟ می‌دانید کارگران چند روز قبل در ده شهر ایران به‌اعتراض قیام کرده‌اند؟ می‌دانید که آنها ماهیاست که حقوقی دریافت نکردند و به قوانین کارگری اعتراض دارند در حالی که نفت ایران بشکه‌یی ۱۰۰ دلار به فروش می‌رسد اما پول آن صرف دخالت در کشورهای همسایه می‌شود. صرف کشتار و شکنجه در عراق می‌شود. صرف آشوب در لبنان می‌شود و مهمتر این که صرف مزدورانی می‌شود که در مقابل مقاومت شریف مردم ایران می‌ایستند و می‌خواهند به خیال باطل خود این مقاومت را از صحنه خارج کنند.

اما بدانید به‌رغم همه توطئه‌ها این مقاومت روزبه‌روزسرفرازتر از گذشته به راه خود ادامه می‌دهد.

این رژیم بارها به بمباران ارتش آزادیبخش اقدام کرده است. اما امروز همان رزمنده‌های ارتش پرتوانتر حماسه‌ها آفریده‌اند و سمبل آزادیخواهان دنیا شده‌اند. شما بدانید که زنان و مردان شهر اشرف منتظر انجام‌وظیفه خود هستند، امروز همه کسانی که از پارلمانهای مختلف دنیا به دیدار آنها می‌روند آنها را سمبل شرف و پاکی و انسانیت و شجاعت و سمبل مقاومت مردم ایران می‌دانند.

اما سؤال این است که شما در ازای چه چیزی به این خفت تن دادید. شما بدانید که نه شما و نه هیچ‌کس دیگر نمی‌توانید خدشه‌یی به این مقاومت وارد کنید این مقاومت سروی است ایستاده و همیشه سبز با این هزاران‌هزار هوادارانش. شما بدانید بیشترین بار این مقاومت به دوش زنان شریف و مقاوم مجاهد است آن هم در مقابل رژیم زن ستیز ایران.

آخرین کلام این است که فرزندان ما در شهر اشرف هم‌چون خورشیدی درخشان می‌درخشند و تلاؤلو این نور خیره‌کننده چشم سران رژیم را کور کرده است.

پرویز خزایی، نماینده شورای ملی مقاومت در کشورهای نوردیک:

با درود فراوان به شما من فقط چند جمله می‌گویم. در شروع از همه شما تشکر می‌کنم و سپاس که در این همبستگی بین‌المللی روز جهانی علیه خشونت علیه زنان است برای دفاع از حقوق حقه ملت ایران و به دلیل توهین یک روزنامه جمع شدید و به کمک این مقاومت شتافتید. آن چیزی که در سوئد اتفاق افتاد یک سابقه تاریخی دارد. چون این کشور میزبان بسیاری از سازمانهای مقاومت بود، فلاندیها، نروژیها، دانمارکیها و کشورهای دیگر اروپا، در آن‌جا هم اکثریت مردم سوئد کمک می‌کردند اما، تعداد معدودی به دلیل سمپاتی به هیتلر و به فاشیسم هیتلری و مسوولینی مقالاتی علیه جنبش میلورک مثلاً در نروژ یا فیلسفورد دانمارک می‌نوشتند. واین ما را به یاد یک تاریخی می‌اندازد که حافظه‌ان این جا زنده می‌شود.

پیام بانوی هنر ایران خانم مرضیه به مجاهدان اشرف درباره اتهامهای مزدوران و پشتیبانان حکومت آخوندی علیه مجاهدین

ارتشیان آزادیبخش ملی! قهرمانان، دلاوران، سلام!
سلام به تک‌تک شما عزیزان که امروز غم سنگین دوری شما را در دلم احساس می‌کنم.
دنیا بداند که پاکتر از مجاهد خلق به خود نخواهد دید، «حقیقت» را نمی‌توان درتاریکی نگاه داشت و « راستی » ازنظرپنهان نمی‌ماند.
بگذارید قلبهای ساخته شده ازسنگ وآهن هرچه می‌خواهند بگویند واین را بدانید بزرگترین گناه در بارگاه الهی تهمت است که بخشودنی نیست.
رزمندگان ارتش را چه باک؟!
بگذارید گرمای حقیقت‌تان یخهای تنگین دروغ را آب کند.
درستی مجاهدین، واقعیست، وبردامن پاکش نشنیند گرد.
مرضیه- آذر۱۳۸۶

قطعنامه تظاهرات ایرانیان در استکهلم

هاله پورکرامتی

هموطنان عزیز، ایرانیان مقیم سوئد، شهروندان و شخصیتهای دموکرات سوئدی، مدافعان آزادی و حقوق‌بشر و حقوق زنان
همزمان با روز جهانی امحاء خشونت علیه زنان گردآمده‌ایم، تا همبستگی و حمایت همه‌جانبه خود را از شیرزنان و کوهمردان شهر شرف، دژ پایداری و مقاومت در شهر اشرف ، اعلام کنیم، آمده‌ایم تا نسبت به افترای کثیف و هتک حرمت ضدانسانی آبادی و پشتیبانان رژیم آخوندی در سوئد، اعتراض و ابراز انزجار کنیم.

سرکوب، اپوزیسیون و هرزه‌درایی علیه ارزشهای مبارزه مردم ایران با فاشیسم دینی، که در وجود مجاهدان شهر اشرف متبلور می‌شود، از سوی یک مدافع رژیم آخوندی در روزنامه‌یی که مدتهاست به تریبونی در خدمت دیکتاتوری حاکم بر ایران تبدیل شده است، در شرایطی صورت می‌گیرد که دانشجویان و کارگران و زنان در داخل ایران فریاد مرگ بر دیکتاتور سرداده‌اند. این رژیم بیش از هر زمان دیگر در برابر اعتراضات فزاینده اجتماعی، آسیب‌پذیر شده و به همین خاطر برای نابودی و ضربه‌زدن به شهر اشرف و سازمان مجاهدین خلق ایران به مانیه جدی‌ترین تهدید موجودیت خود، نقشه می‌کشد.

ملل متحد برای پنجاه وچهارمین بار نقض حقوق‌بشر در ایران را محکوم کرد. وزارت دفاع، سپاه پاسداران، نیروی تروریستی قدس، بانکهای اصلی و شماری از مقامات این رژیم وارد لیست سیاه ایالات متحده شده‌اند، برخی از مقامات رژیم از سوی اتریش مشمول هشدار قرمز گردیدند. جامعه جهانی دست‌اندرکار تصویب قطعنامه جدیدی برای تشدید تحریمها است.

ما ایرانیان مقیم سوئد و دیگر کشورهای اسکاندیناوی، همصدا با مردم و مقاومت ایران اعلام می‌کنیم:

۱ـ مردم و پناهندگان و مخالفان ایرانی در خارج کشور و نیروهای دموکرات در کشورهای اسکاندیناوی هتک‌حرمت وقیحانه علیه زنان اشرف را در روزنامه سونسکادآگ‌بلادت توسط بیته هامارگن محکوم می‌کنند. این نه تنها «لطمه به حیثیت» ۱۰۰۰زن آزاده در شهر اشرف، بلکه اهانت به حیثیت انسانی همه زنان آزاده و مبارز در ایران است و نفرت و انزجار همه وجدانهای انسانی و مدافعان حقوق‌بشر و حقوق زنان را برمی‌انگیزد.

۲ـ هتک حرمت زنان مجاهد در شهر اشرف، نقض آشکار قانون بین‌المللی انساندوستانه و نقض کنوانسیونهای ژنو است. بر اساس ماده سوم مشترک در کنوانسیونهای ژنو و ماده۳۷ کنوانسیون چهارم، تحقیر و تخفیف و هتک‌حرمت و لطمه‌زدن به حیثیت به‌ویژه در مورد زنان ممنوع است. ما خواستار محکوم‌کردن این قانون‌شکنی از سوی آرگانهای ذیربط بین‌المللی هستیم.

۳ـ کسانی که در کشورهای اسکاندیناوی در هر موقعیتی و تحت هر عنوانی جنایات رژیم آخوندی را توجیه می‌کنند، یا رابطه و گفتگو با آن را تبلیغ می‌کنند و یا به سفارت رژیم رفت‌وآمد می‌کنند، باید از سوی عموم ایرانیان آزاده و شریف افشا و طرد شوند. هم‌چنان‌که رهبر مقاومت اعلام کرده است، دفاع از فاشیسم مذهبی خط قرمز پیکار برای آزادی است.

۴ـ تکرار یاوه‌های تخفیفار پاسداران و شکنجه‌گران فاشیسم مذهبی در سوئد و اتهام‌زنی علیه زنان پیشتاز مقاومت ایران، یک لکه ننگ برای جنبش برابری و برای جامعه فرهنگی و خبرنگاری و روشنفکری است.

ما همه نویسندگان ، خبرنگاران و روشنفکران سوئدی را به محکوم‌کردن همنوایی با فاشیسم مذهبی فرامی‌خوانیم. بحث بر سر انتقاد و مخالفت با طرحها و برنامه‌ها و نظرات سازمان مجاهدین خلق ایران یا شورای ملی مقاومت ایران نیست. اصالت، حقانیت و صحت خطوط و مواضع مقاومت ایران طی سه دهه مبارزه بی‌امان برای دموکراسی و حاکمیت مردم به اثبات رسیده است. بحث بر سر خط قرمز عبورناپذیر بین فاشیسم و آزادی است.

۵ـ با رزم‌آوران آزادی شهر اشرف تجدید عهد و اعلام همبستگی می‌کنیم، و حمایت همه‌جانبه مادی و معنوی و سیاسی از این قهرمانان را وظیفه عموم ایرانیان آزاده و شریفی می‌دانیم که خواستار آزادی و دموکراسی و حاکمیت مردمی در میهن اسیرمان هستند.

زنده باد آزادی ـ مرگ بر رژیم ضدبشری آخوندی
درود بر رزم آوران اشرف ـ سلام بر هزار زن قهرمان

پیام انجمنهای زنان ایرانی مقیم سوئد

هموطنان عزیز
فعالان حقوق زنان و شهروندان سوئدی
در آستانه ۲۵نوامبر، روز جهانی نفی هرگونه خشونت علیه زنان در این جا جمع شده‌ایم تا حمایت خود را از ۱۰۰۰زن قهرمان مستقر در اشرف، شهر آزادگی و شرف اعلام کنیم و از هتک حرمت بیشترمانه‌یی که علیه این زنان قهرمان صورت گرفته ابراز انزجار کنیم. البته این هتک حرمت و افترا در واقع فقط علیه این شیرزنان نیست، بلکه نسبت به همه اشرفیان و همه ایرانیان حامی این مقاومت می‌باشد. آن چه ما را بسیار متعجب ساخت، چیزی که هم تعجب آور و هم بسیار تأسف‌بار است، این است که اتهام از سوی یک خبرنگار زن بیان شده است که اولاً به صفت یک زن خودش می‌باید بیش از هر کس دیگر حرمت زنان دیگر را که مشخص است از آنان هیچ شناختی ندارد، نگه می‌داشت. ثانیاً به صفت یک خبرنگار حتی حداقلهای (پرنسیپهایی) یک ژورنالیست را رعایت نکرده است. یعنی افترا و تهمت یک‌جانبه بدون این که حق هیچ دفاعی به متهم داده باشد.

برای ما زنان ایرانی، هواداران مقاومت ایران، جای سؤال و ابهام بسیار است. در شرایطی که جوانان ایرانی هر روز فریاد آزادی، آزادی و مرگ بر دیکتاتور سر می‌دهند، و در حالی‌که زنان ایرانی زیر شدیدترین سرکوب اجتماعی با عناوین آخوند ساخته طرح عفاف هستند، چرا این خانم خبرنگار جای ظالم و مظلوم را عوض کرده و به جای محکوم کردن رژیم زن‌ستیز به هتک حرمت زنان قهرمانی که با تمام قوا علیه این رژیم شوریده‌اند و مقاومت می‌کنند، پرداخته است. به راستی ظالم کیست و مظلوم کیست. به راستی مگر گناه این زنان مجاهد چیست؟ مگر غیر از این است که در شکنجه‌گاهها و سیاهچالها انواع و اقسام شکنجه‌ها را تحمل کرده‌اند؟ وهزار هزار توسط دژخیمان این رژیم اعدام شده‌اند. مگر غیر از این است که در راه آزادی مردم کشورشان از دست فاشیسم مذهبی حاکم برایران، از همه چیز، حتی از خانواده و بچه‌های خود گذشته‌اند و هر سختی را به جان خریده‌اند.

مگر در چهار سال گذشته در بحبوحه بمباراتهای جنگ عراق که مجاهدین بارها اعلام بی‌طرفی کرده بودند ۵۰ مجاهد خلق که بسیاری از آنها را زنان مجاهد تشکیل می‌دادند، شهید نشدند. مگر این زنان مجاهد نبودند که همپای برادران خودشان در چهار سال گذشته با پایداری پرشکوهشان بدرغم همه مشکلات و معضلاتی که رژیم آخوندی توسط مزدوران خودش بر آنها وارد کرده توانسته‌اند همه توطئه‌های رژیم را به خصوص علیه گسترش بنیادگرایی درهم‌بشکنند؟

برای ما زنان ایرانی مقیم سوئد این که رژیم زن‌ستیز آخوندی و دم و دنبالچه‌هایش نهایت کین‌توزی و عمق ضدیت خود را با زنان مجاهد نشان دهند چیز عجیبی نیست.

عجیب این است که می‌بینیم یک زن خبرنگار در کشوری که به اصطلاح آزادی مطبوعات در آن حاکم است، چیزی را که خود آخوندها و مزدورانش جرئت نزدیک شدن به آن را نداشته‌اند به راحتی در روزنامه نوشته

و چیزی جز تشخیاح همان یاوه‌های رذیلانه آخوندهاست نیست.

هموطنان عزیز
ما انجمن زنان ایرانی مقیم یوتوبوری و استکهلم یک بار دیگراین اتهام و هتک حرمت کثیف علیه زنان قهرمان و پیشتاز جنبش زنان را که یک اهانت زشت به جنبش برابری و قشر روشنفکر و روزنامه‌نگار می‌باشد، قویاً محکوم می‌کنیم و از این خوش خدمتی به آخوندهای زن‌ستیز و بی‌حرمتی به زنان یک مقاومت اصیل ابراز انزجار می‌کنیم.

مرگ بر رژیم زن ستیز آخوندی درود بر هزار زن قهرمان اشرف

خانواده‌های مجاهدان اشرف، اهانت روزنامه سونسکادآگ بلادت به زنان قهرمان اشرف را محکوم کردند

بقیه در صفحه۷

نقش و کارکرد سپاه پاسداران بازوی اصلی رژیم در سرکوب و صدور تروریسم

مصاحبه با برادر مجاهد مسعود خدابنده

نباید فراموش کرد که طی سالها این مقاومت ایران بود که نقش سپاه را در تسلیحات کشتار جمعی رژیم آخوندی افشا می‌کرد. این مقاومت ایران بود که وجود نیروی سری قدس در سپاه پاسداران رژیم آخوندی را افشا کرد و با روشنگریهایی که دامنه‌اش تا افشای چارتهای سازماندهی و اسامی سرکردگان و مأموران قسمتهای مختلف این نیرو گسترده بود، نقش نیروی قدس سپاه پاسداران در فعالیتهای تروریستی برون‌مرزی رژیم آخوندی را در معرض اطلاع افکار عمومی قرار داد

● روند به‌اصطلاح «پاسداریزه»کردن دستگاههای مختلف رژیم از دستگاههای اجرایی تا قانونگذاری و قضاییه از کجا آغاز شد؟

این روند پاسداریزه‌کردن قبل از انتخابات ریاست‌جمهوری رژیم، یعنی از نمایش انتخاباتی مجلس هفتم رژیم، شروع شد. در آستانه انتخابات مجلس هفتم، سپاه پاسداران، به‌دستور خامنه‌ای، جهت تسلط برقوای سه‌گانه، خیز برداشت. در گام نخست صدها تن از فرماندهان سپاه پاسداران برای نمایندگی مجلس ثبت نام کردند. سپاه پاسداران و نیروهای نظامی و امنیتی رژیم در جریان یک تقلب گسترده و سازماندهی‌شده، آرای ساختگی به اسامی فرماندهان سپاه به‌صندوقهای رأی ریختند، به‌طوری‌که بیش از صد نفر از فرماندهان سپاه با حفظ سمت، به‌نمایندگی مجلس انتخاب شدند.

گام بعدی انتخابات ریاست‌جمهوری بود. پس از رد صلاحیت گسترده کاندیدهایی که از جناحهای درونی رژیم بودند تعداد انگشت‌شماری از عناصر گوش به‌فرمان ولی‌فقیه به‌عنوان کاندیدای ریاست‌جمهوری معرفی شدند. خامنه‌ای پیشاپیش پاسدار احمدی‌نژاد را به‌عنوان مناسبترین فرد برای ریاست‌جمهوری رژیم درنظر گرفته بود، لذا سپاه پاسداران و عناصر اطلاعاتی و امنیتی رژیم، به‌صورت گسترده‌تر از انتخابات مجلس هفتم، در رأی‌سازی و تقلبات گسترده، احمدی‌نژاد را به ریاست‌جمهوری رژیم آخوندی رساندند. پس از روی کارآمدن احمدی‌نژاد وی دولت پادگانی تشکیل داد و کلیه مسئولان، مدیران کل، استانداران و عناصر کلیدی در قوه اجرایی را از فرماندهان سپاه انتخاب کرد. قوه قضاییه نیز به‌دستور خامنه‌ای از صورت قبلی خارج شد. دستگاه قضایی رژیم که تا آن موقع به‌عنوان یک ارگان سرکوبگر و امنیتی محسوب می‌شد، با واردکردن عناصر سپاه و بسیج به‌عنوان شوراهای حل اختلاف، به یک دستگاه نظامی-قضایی در کنار و در پیوند با سپاه پاسداران تبدیل شد. این کار برای کنترل و سلطه بر محلات و شهرها بود. هدف رژیم از این کار مقابله با خیزشهای مردمی می‌باشد.

بر اساس آمار موجود، بیش از صد نفر از نمایندگان مجلس ۲۰نفر مشاور و وزیر و نفرات هیأت دولت احمدی‌نژاد، اکثر قریب به اتفاق استانداران کشور، بیش از ۴۰صفیر، اکثریت اعضای شورای عالی امنیت و... از فرماندهان سپاه پاسداران هستند.

اکثریت وزرا و معاونان، نفرات کلیدی شورای عالی امنیت، معاونان وزارت کشور، شورای امنیت، استانداران، فرمانداران، اعضای تأمین امنیت استانها و شهرستانها و صدها ارگان و نهاد امنیتی-نظامی و اقتصادی را سران سپاه به‌دست گرفتند و با به‌کارگیری همزمان این اهرمها، سرکوب و اختناق و کشتار بیسابقه‌ای را در ایران حاکم کردند و رسماً و علناً سپاه پاسداران طرف حساب اصلی امنیت داخلی و حفاظت از حیات نگین نظام ولایت‌فقیه و دستگاه سرکوب و خفقان رژیم گردید و مخفیانه و بدون هیچ‌گونه ریل قانونی به فعالیتهای جاسوسی، تعقیب، دستگیری و شکنجه مخالفان پرداخت و آنرا گسترش داد.

● علت اجماع جهانی علیه سپاه پاسداران چیست؟

بعد از لیست‌گذاری سپاه توسط آمریکا، اجماع جهانی علیه پرونده اتمی رژیم آخوندی شتاب بیشتری گرفته است. آیا عملکرد جنایتکارانه و تروریستی سپاه پاسداران به‌عنوان بازوی نظامی فاشیسم مذهبی به خودی خود باعث چنین اجماع جهانی علیه رژیم گردیده است؟ واقعیت این است که نباید فراموش کرد طی سالها این مقاومت ایران بود که نقش سپاه را در ساخت و تکثیر سلاحهای کشتار جمعی رژیم آخوندی افشا می‌کرد. این مقاومت ایران بود که وجود نیروی سری قدس در سپاه پاسداران را افشا کرد و با روشنگریهایی که دامنه‌اش تا افشای چارتهای سازماندهی و اسامی سرکردگان و مأموران قسمتهای مختلف این نیرو گسترده بود، نقش نیروی قدس را در فعالیتهای تروریستی برون‌مرزی رژیم آخوندی در معرض اطلاع افکار عمومی قرار می‌داد.

تا جایی که به اقدامات برون‌مرزی نیروی قدس در خاک عراق برمی‌گردد، باز این مقاومت ایران بود که از سالها قبل، نقش این ارگان رژیم را در جنایتهایی همچون حملات موشکی بقرارگاههای ارتش آزادیبخش و عملیات تروریستی علیه این ارتش افشا کرده بود.

از سال۱۳۸۲ به‌بعد نیز، مقاومت ایران، با برگزاری کنفرانسهای مطبوعاتی متعدد، از جنایتهایی که رژیم آخوندی ازجمله از طریق نیروی قدس در عراق انجام می‌دهد، پرده برداشت.

- در هجدهم مهرماه سال۸٤ حسین عابدینی، عضو کمیسیون خارجه شورای ملی مقاومت، با ارائه اسناد و مدارک مؤثق، جزئیات تازه‌ای از دخالتهای رژیم ایران در عراق را از طریق نیروی قدس و اعزام مزدوران رژیم از قرارگاه این نیرو در شلمچه به بصره و العماره، فاش کرد.

- روز یازدهم آبان ماه سال۸٤ آقای محمد محدثین، مسئول کمیسیون خارجه شورای ملی مقاومت ایران، در یک کنفرانس مطبوعاتی در پاریس با برشمردن ارگانهای صدور تروریسم و بنیادگرایی، به‌تشریح ساختار و عملکردهای نیروی تروریستی قدس پرداخت.

- روز جمعه ۱۵دیماه۸۵، در یک کنفرانس مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی در ساختمان ملی مطبوعات در واشینگتن، مقاومت ایران اطلاعات جدیدی را درباره تلاش رژیم آخوندی برای تحمیل حاکمیت خود بر عراق، با به‌خدمت‌گرفتن تمامی امکانات دولتی و بسیج نیروی برون مرزی قدس سپاه پاسداران و صرف میلیاردها دلار، فاش کرد.

- روز جمعه، ششم بهمن ماه۸۵، شورای ملی مقاومت ایران طی سه کنفرانس مطبوعاتی بزرگ و همزمان در پاریس، لندن و برلین، سند به‌کلی سری سپاه پاسداران شامل اسامی و مشخصات ۳۲هزار تن از حقوق‌بگیران رژیم آخوندی در عراق و اطلاعات نکاندهندهی درمورد شبکه نیروی قدس سپاه پاسداران برای ارسال سلاح و مهمات به عراق را افشا کرد.

- در دوم فروردین سال۸٦، در یک کنفرانس بزرگ مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی در نزدیکی مقر ملل متحد در نیویورک، مقاومت ایران کمپهای آموزش فعالیتهای تروریستی نیروی قدس برای جنایت و ترور در عراق را فاش کرد.

- روز اول شهریور۸٦، مقاومت ایران در یک کنفرانس بزرگ مطبوعاتی در واشینگتن، شرکتهای وابسته به سپاه پاسداران رژیم آخوندی را که با استفاده از پوششهای تجاری به خرید وسایل ضروری جهت برنامه تسلیحات اتمی رژیم مشغول هستند و تحریمهای ملل متحد را نقض می‌کنند، فاش کرد.

-روز جمعه ٤آبان۸٦، مقاومت ایران طی دو کنفرانس مطبوعاتی در ایتالیا و بلژیک، ضمن افشای نقش سپاه پاسداران در صدور تروریسم و پروژه‌های اتمی و موشکی رژیم، به نقش اقتصادی سپاه و تصاحب اقتصاد ایران توسط پاسداران اشاره کردند.

● آیا رژیم و نیروی قدس آن، بعد از این لیست‌گذاری هیچ قصدی برای عقب‌نشینی از عراق دارند یا خیر؟

واقعیت این است که هیچ علامتی مبنی بر کاهش مداخلات رژیم در عراق مشاهده نشده و رژیم ولایت‌فقیه نمی‌تواند اقدام به این کار بکند. آن‌چه درحال‌حاضر، بعد از لیست‌گذاری سپاه به‌چشم می‌خورد، این است که گویی سران رژیم و سپاه پاسداران تصمیم گرفته‌اند که نه‌تنها تغییری در سیاست دیپلوماسی پنهان یا معارضین و حمایت آشکار از شبه‌نظامیان و استمرار خط نامنی ندهند و از شدت آن کم نکنند، بلکه به‌عکس، بر ابعاد مداخلات خودشان در عراق بیفزایند.

رژیم آخوندی بعد از بررسی و ارزیابیهای گسترده در ماههای اول بعد از سقوط دولت سابق عراق در سال۲۰۰۳، استراتژی و جنگ خود برای جلوگیری از سقوط و در امان‌ماندن از آهنگ جدیدی که در خاورمیانه آغاز شده بود را اتخاذ نمود. بنابراین، خط ایجاد بی‌ثباتی و ناامنی در عراق، به‌عنوان استراتژی مرحله‌یی رژیم آخوندی در این کشور تعیین شد. این خط بر دخالت گسترده تروریستی و گسترش شبه‌نظامیان و نفوذ در ارگانهای دولتی متکی بود. تا امروز این خط به‌مثابه تنها استراتژی رژیم آخوندی در عراق ادامه داشته است. برای تحقق این اهداف، نیروی قدس سپاه، حمایت و پشتیبانی و تسلیح گسترده دهها گروه وابسته و غیروابسته به‌خود را شروع کرد و بیش از ۱۰۰شبکه تروریستی جداگانه بزرگ و کوچک وابسته به خود را سازمان داد. همزمان فعالیتهای گسترده بنیادگرایانه و ایجاد مؤسسات پوششی تحت نام مؤسسات خیریه در دستور کار سپاه قرار گرفت. در حال حاضر بیش از ۲۵۰مؤسسه پوششی وابسته به ارگانهای رژیم ایران و بیش از ۱۰۰مرکز و مجمع بنیادگرا تحت نامهای مختلف در عراق فعالیت می‌کنند.

● خط رژیم در مداخلات تروریستی در عراق چیست؟

نیروی قدس سپاه پاسداران، با ایجاد شبکه‌های تروریستی وابسته و نیز ایجاد شبکه‌های مستقل تروریستی در عراق، خط خود را پیش می‌برد. شبکه‌های وابسته در سپاه بدر (تحت نام جهاز مرکزی) و دیگر گروههای وابسته ایجاد شده است. علاوه بر این، نیروی قدس، بجز حمایت از شبکه‌های تروریستی گروههای شبه‌نظامی شیعه و شبکه‌های تروریستی سنی، خود نیز به‌طور مستقل اقدام به تشکیل شبکه‌های تروریستی کرده است. فرماندهان و اعضای این شبکه‌ها در ارتباط مستقیم با فرماندهان نیروی قدس قرار دارند. براساس اطلاعات، فرماندهان صحنه این شبکه‌ها عموماً فرماندهان سابقه‌دار سپاه بدر می‌باشند که بعد از برگشت به عراق، در ارتباط با نیروی قدس در جهت خطی که نیروی قدس به آنها داده است، شبکه‌های تروریستی تشکیل داده‌اند و طرحهای مختلف تروریستی را اجرا می‌کنند. این شبکه‌ها برای این‌که فعالیتهای خود را توجیه و ادامه‌دار کنند در مناطق شیعه‌نشین در پوشش نیروهای شبه‌نظامی گروهها فعالیت می‌کنند و در همین لباس نیز به‌طور گسترده نفرات گروههای شیعه وابسته به رژیم را جذب خود می‌کنند. عملیات تروریستی این شبکه‌ها در استانهای سنی‌نشین نیز در پوشش گروههای مسلح اهل تسنن وابسته به ایران و... صورت می‌گیرد. آن‌چه فعالیت این شبکه‌های تروریستی و اقداماتشان آنها را از سایر فعالیتها تفکیک می‌کند، این است که به‌هیچ‌وجه عملیات تروریستی صورت گرفته را بر عهده نمی‌گیرند و آن‌را اعلام نمی‌کنند، با به‌نام گروههای دیگر در رسانه‌ها آن‌را درز می‌دهند. دوم این که عملیات و اقدامات تروریستی آنها روی سوژه‌ها و اهداف مورد نظر رژیم آخوندی متمرکز است و از همین رو عمده عملیات مهم و جدی علیه سنیها توسط این شبکه‌ها به اجرا درمی‌آید. خط کنونی فعالیتهای تروریستی شبکه‌های وابسته به نیروی قدس، عملیات علیه اهداف ائتلاف و ترور شخصیتهای مخالف دولت مالکی می‌باشد. در همین جهت نیز نقل و انتقال تجهیزات و تسلیحات در دستور کار شبکه‌های تروریستی رژیم قرار گرفته است. اولویت فعالیت آنها، نقل و انتقال بمبهای کارجادویی EFP به عراق می‌باشد.

● زمینه‌سازی پیشبرد بنیادگرایی در عراق چگونه و از چه طریق انجام شد؟

فعالیتهای بنیادگرایانه رژیم ایران با استفاده از امکانات گسترده نهادهای بنیادگرای وابسته به خامنه‌ای مثل مجمع جهانی اهل‌بیت، مجمع تقریب مذاهب، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، مرکز جهانی علوم اسلامی قم و مؤسسات پوششی و خیریه وابسته، شامل ۲۵۰مؤسسه فعال در عراق صورت می‌گیرد. این مؤسسات هم زمینه فعالیتهای بنیادگرایانه را فراهم می‌کنند و هم زمینه‌ساز جدی فعالیتهای تروریستی سپاه در عراق می‌باشند. رژیم ولایت‌فقیه از زمان سقوط دولت ساق، با اشراف به مناسبات و فرهنگ جامعه عراق، سعی در به‌دست گرفتن شهرهای مذهبی و مساجد و حسینیه‌ها از طریق اعزام گسترده آخوند به این کشور گرفت. همزمان آخوند محمد مهدی آصفی را، به‌عنوان نماینده خامنه‌ای، به نجف اعزام و در این شهر مستقر نمود. سپس تشکیلات مجمع جهانی اهل بیت در عراق را در شهرهای نجف و بغداد و... ایجاد کرد و به‌تدریج با توزیع پولهای هنگفت تحت عنوان شهریه طلاب، بازسازی عتبات و... نفوذ خودش را گسترش داد. کلیه این ارگانها و سیستمها طی این سالها گسترش یافته و مؤسسات پوششی مختلف مانند انجمنهای مذهبی دارالقرآن، مؤسسه محراب و... در شهرهای عراق ایجاد کرده‌اند. این خطی است که در حال حاضر نیز عوامل رژیم با تمام قوا در عراق دنبال می‌کنند.

● نفوذ در دولت عراق و کسب حاکمیت سیاسی توسط رژیم ایران چگونه و طی چه پروسه‌یی انجام شد؟

همزمان با اتخاذ استراتژی جنگ در عراق، خط نفوذ گسترده در ارگانهای دولتی و پارلمان، به‌وسیله عوامل مزدبگیر عراقی وابسته به نیروی قدس، در رأس اولویتهای رژیم آخوندی در عراق قرار گرفت و به مجلس اعلا، سپاه بدر، حزب‌الله و سایر احزاب وابسته ابلاغ شد. ابتدا ۳۳هزار نفر از وابستگان به رژیم از مناطق مرزی به عراق اعزام شدند و سپس طبق یک طرح مشخص شروع به نفوذ در کلیه مؤسسات عراقی کردند. هدف این بود که با نفوذ و در کنترل گرفتن ارگانهای تصمیم‌گیرنده و قدرت، امکان هرگونه مقابله با دخالت رژیم در عراق را سلب نماید و با دست باز دخالتهایش را در راستای ایجاد ناامنی و بی‌ثباتی پیش ببرد. نفوذ اصلی عوامل رژیم در ارگانهای دولتی و پارلمان عراق، در دوره نخست‌وزیری جعفری و سپس مالکی صورت گرفت.

ابتدا در سال ۱۳۸٤، در دوران نخست‌وزیری جعفری، دو ارگان اصلی عراق شامل وزارت کشور و وزارت دفاع، به دستور رژیم آخوندی، مورد نفوذ گسترده مزدوران حقوق‌بگیر رژیم قرار گرفت. علاوه بر نفوذ در وزارت کشور و وزارت دفاع، در دوره حکومت ابراهیم جعفری، هزاران نفر از عناصروابسته به‌مجلس اعلا، بدر، جنبش حزب‌الله، جنبش ۱۵شعبان، سیدالشهدا و سازمان ثارالله، تحت عنوان ادغام نیروهای شبه‌نظامی به وزارتخانه‌ها و ارگانهای دولتی نفوذ داده شدند و عناصر قبلی را تحت عنوان پاکسازی از حزب بعث و مقابله با فساد اداری اخراج یا تصفیه کردند.

سپس در سال۸۵، در دولت عراق در دوران مالکی و در واقع استمرار نفوذ در ارگانهای دولتی و حضور عناصر ارشد شبکه‌های ترور وابسته به نیروی قدس در مجلس و پارلمان عراق مانند ابو مهدی مهندس و داغر موسوی تحت عنوان نماینده و همچنین پیشبرد خط فدرالیسم برای ایجاد استقلال در مناطق جنوب می‌باشد. در این دوره رژیم همچنین توانست در دادگاه عالی جنایی عراق نیز نفرات خودش را وارد کرده و یا برخی نفرات آن‌را جذب کند، نتیجه این‌که بعد از روی کارآمدن دولت مالکی این روند نه‌تنها متوقف نشد، بلکه به‌دلیل ماهیت مالکی و میزان وابستگی او به رژیم آخوندی و سوابقی که در کار با گروههای تروریستی در زمان اقامتش در ایران وجود داشت، روند نفوذ رژیم در ارگانهای دولتی عراق بیش از پیش افزایش یافت.

درحال حاضر به‌دلیل حضور گسترده عناصر وابسته به رژیم ایران در اکثر وزارتخانه‌های دولت مالکی و استانداریها، طرحها و تصمیمات دولتی و همکاریهای مشترک نیروهای ائتلاف با ارگانهای دولتی و مقامات محلی عراق، غالباً حتی قبل از اجرا، به تهران و ستاد نیروی قدس و دفتر خامنه‌ای ارسال شده است. موید این وضعیت انبوه گزارشاتی است که جریان‌وار از وضعیت پادگانهای نیروهای ائتلاف و میزان نیرو و سلاح و تجهیزات به اطلاعات نیروی قدس ارسال می‌شود. این اطلاعات وقتی به‌دست گروهها و شبکه‌های تروریستی وابسته به رژیم ایران می‌رسد به آنها توانایی ویژه برای طراحی عملیات تروریستی و گرفتن تلفات بیشتر می‌دهد.

بعد از انتخابات که توأم با تقلب گسترده و فشار و تهدید و دخالت‌دادن مراجع بود، ترکیب شورای استانها کاملا به‌نفع عوامل رژیم تغییر نمود. از این رو در استانهای جنوبی، سمتهای اصلی مانند استانداری، رئیس شورای استان، رئیس پلیس و شهردارها به‌طور کامل زیر کنترل عوامل رژیم قرار گرفت. به‌عنوان مثال، استاندار، شهردار و رئیس شورای شهر و فرمانده پلیس بغداد از فرماندهان و مسئولان بدر هستند و هم اکنون از نیروی قدس حقوق دریافت می‌کنند. همه این نفرات، نه براثر انتخابات بلکه با ترور و توطئه و فشار عوامل رژیم جایگزین نفرات اصلی مسئول در این مناصب شده‌اند. بدین ترتیب عوامل رژیم توانستند بخش قابل‌توجهی از پستهای مهم در دولت عراق و نمایندگان پارلمان عراق را اشغال کنند.

بدین ترتیب عمکرد این دولت به مثابه ابزار اصلی سیاسی و تروریستی رژیم در عراق از طرف رژیم ایران به‌خدمت گرفته شد. قابل‌توجه است که هم اکنون عوامل وابسته به سپاه پاسداران رژیم در کلیه نهادهای عراقی نقش و حضور دارند. ازجمله در میان بخش قابل‌توجه نمایندگان پارلمان عراق از لیست ائتلاف که وابسته به رژیم هستند، ۲۵نفر سرتیپ پاسدار بوده و حقوق‌بگیر رژیم طی ۲۰سال گذشته بوده و تمامی آموزشهای تروریستی، اطلاعاتی و بنیادگرایی سپاه را طی کرده‌اند. هزاران نفر نیز در نخست‌وزیری، وزارتخانه‌های مختلف به‌خصوص وزارتخانه‌هایی مثل کشور، امنیت، دفاع، اقتصاد، مالی و بهداشت نفوذ کردند و مناصب جدی از سطوح اجرایی تا مدیریت ارگانهای دولتی عراق و نیز مسئولان بالای نهادهای امنیتی و اطلاعاتی و پلیس و ارتش را به اشغال خودشان در آوردند.

بدین ترتیب رژیم آخوندی که نفوذ و هژمونی خود را از نظر سیاسی از طریق دولت مالکی در عراق اعمال می‌کند، این دولت را مطلوب خود می‌داند و تغییر و سقوط آن‌را برای خود و عواملش در عراق مرگ سرخ کرده است. در همین راستا رژیم فعالیت و اقدامات اصلی خود در عراق را تنظیم و به پیش می‌برد، تا به هر نحوی مانع سقوط دولت مالکی شده و آن‌را حفظ نماید. قابل‌توجه است که در مرداد ماه۱۳۸٦، مالکی در سفرش به ایران از مقامات رژیم خواسته است تا از دولت او به‌نحوی پشتیبانی کنند که سافط نشود. براساس گزارش دفتر خامنه‌ای، مالکی در ملاقات با خامنه‌ای و احمدی‌نژاد، مخالفتهایی که توسط احزاب عراقی و آمریکاییها با دولت او در عراق می‌شود را مطرح نموده و به‌طور متقابل حمایت کامل رژیم آخوندی را از سیاستهایش در عراق گرفته است و خامنه‌ای به او قول داده است به کمک تشکیلاتی که در عراق دارد برای تثبیت موقعیت و حفظ دولت او تلاش کند.

بخشی از نفرات سرتیپ پاسدار شاغل در ارگانهای اصلی رژیم

	دولت		شورایعالی امنیت ملی		مجلس	
ردیف	نام و نام خانوادگی	سمت کنونی	نام و نام خانوادگی	سمت کنونی	نام و نام خانوادگی	سمت کنونی
۱	محمود احمدی نژاد	رئیس جمهور	علی لاریجانی	دبیر شورای عالی امنیت	عماد افروغ	نماینده تهران
۲	پرویز داوودی	معاون اول	غلامعلی رشید	معاونت دفاعی در شورای عالی امنیت	حسین فدائی	نماینده تهران
۳	محمد باقر ذوالقدر	معاون امنیتی وزارت کشور	سیدحلی مقرد	معاون سیاسی سیاست خارجی شورای عالی امنیت	سعید ابوطالب	نماینده تهران
۴	مصطفی محمدنجار	وزیر دفاع	علی آقا محمدی	مشاور دبیر شورا و سخنگوی سابق	علیرضا زاکانی	نماینده تهران
۵	سید پرویزفتاح	وزیر نیرو	سید علی حسین تاش	معاون بررسی راهبردی	احمد توکلی	نماینده تهران
۶	سیدمحمد جهرمی	وزیر کار وامور اجتماعی	محمد علی جعفری	معاون امنیت داخلی شورای عالی امنیت	پرویز سروری	نماینده تهران
۷	حسین صفار هرندی	وزیر فرهنگ وارشاد			مهدی کوچک زاده	نماینده تهران
۸	علیرضا طهماسبی	وزیر صنایع ومعادن	**رادیو تلویزیون**		آخوند علی بنایی قمی	نماینده قم
۹	مسعود میرکاظمی	وزیر بازرگانی	عزت الله ضرغامی	مسئول صدا وسیما رژیم	عوض حیدرپور	نماینده شهرضا
۱۰	دانش جعفری	وزیر اقتصاد ودارایی	مجید رجبی معمار	مدیر جدید شبکه تهران درسازمان صدا وسیما	محمد خوش چهره	نماینده تهران
۱۱	محمد سلیمانی	وزیر ارتباطات وفناوری	رحیم معظمی	مدیر شبکه تلویزیونی العالم	حسینعلی قاسمزاده	نماینده بابل
۱۲	محمد ناظمی اردکانی	وزیر تعاون و امور اجتماعی			محمد دهقانی	نماینده چناران
۱۳	مهدی چمران	مشاور در امور شوراها	**استانداری ها**		محمد نبی رودکی	نماینده فارس
۱۴	حیدر مصلحی	مشاور درامورروحانیون	عبدالصمد رلوفی نژاد	استاندار کرمان	اسماعیل جبارزاده	نماینده آذربایجان شرقی
۱۵	علی اکبر اشعری	مشاور فرهنگی رئیس جمهور	امیر حیاتی مقدم	استاندار خوزستان	سلیمان جعفرزاده	نماینده آذربایجان غربی
۱۶	حسین دهقان	مسئول بنیاد شهید	علی عبداللهی علی آبادی	استاندار گیلان	محمد حسن جمشیدی اردشیری	نماینده بهشهر
۱۷	محمد رضا نقدی	رئیس ستاد مبارزه با قاچاق	محمد علی شاهری	استاندار گلستان	سلمان خدادادی	نماینده ملکان
۱۸	علی سعیدلو	معاون در امور اجرایی	عباس محتاج	استاندارقم	محمد رضا فاکر	نماینده مشهد
۱۹	وفا غفاریان	معاون وزیر ارتباطات	علی محمد آزاد	استاندار ایلام	حسن کامران دستجردی	نماینده اصفهان
۲۰	احمد وحیدی	جانشین وزیر دفاع	کامران دانشجو	استاندار تهران	غلامرضا کرمی	نماینده کرمان
۲۱	فنا حسین مالکی	رئیس ستاد مبارزه با موادمخدر	عبدالله روشن	معاون سیاسی امنیتی استاندار تهران	مصطفی محمدی	نماینده کرمانشاه
۲۲	علیرضا ملکیان	معاونت حقوقی وزارت ارشاد	حمید تنها	مدیر کل حراست شهرداری تهران	غلامرضا میرزایی	نماینده چهار محال
۲۳	حسن علی اکبری	رئیس سازمان جوانان در کابینه	علیرضا نوین	شهردار تبریز	سید عباس پاک نژاد	نماینده یزد

یک ژنرال سابق و یک تحلیلگر سیاست خارجی در آمریکا خواهان خروج نام مجاهدین از لیست تروریستی آمریکا شدند

باید به تلاش شکست‌خورده برای نزدیکی به رژیم ایران که باعث شد دولت بیل کلینتون نام مجاهدین خلق ایران را به ناحق در لیست سازمانهای تروریستی قرار دهد، پایان داد و این نامگذاری را لغو نمود

The Washington Times

ژنرال پال والی، از فرماندهان سابق نیروی هوایی آمریکا و فرد گدربیچ، تحلیلگر سیاست خارجی و امنیت ملی آمریکا، طی مقاله‌یی در روزنامه واشینگتن‌تایمز، ضمن تشریح وضعیت سپاه پاسداران رژیم ایران، خواستار خارج‌کردن نام مجاهدین از لیست تروریستی و حمایت از مقاومت مردم ایران برای تغییر رژیم آخوندی شدند. در بخشهایی از این مقاله از نظرتان می‌گذرد:

اخیراً آمریکا، سپاه پاسداران را به‌عنوان یک گروه تروریستی نامگذاری کرده است. بسیاری از آمریکاییان نگران هستند که این امر کافی نیست. آنها حق دارند، زیرا سپاه پاسداران و رژیم ایران ۲۸ سال است که درگیر یک کارزار یکطرفه «مرگ بر آمریکا» بوده‌اند. خمینی در سال۱۹۷۹، سپاه پاسداران را مقدمتاً برای حفاظت از رژیمش در برابر مخالفان داخلی و خارجی، و همچنین صدور تروریسم و بنیادگرایی رحمانه و نفوذ در کشورهای همسایه، به‌وجود آورد. سپاه پاسداران از طریق نیروی بدنام قدس به صدور انقلاب می‌پردازد. این نیرو تروریسم را در مناطقی مانند عراق، لبنان، کرانه غربی و نوار غزه دامن می‌زند...

نیروی قدس، از دست‌نشاندگان حزب‌اللهی خود برای بمبگذاری در سفارتخانه‌های آمریکا، پادگان تفنگداران دریایی در لبنان، و مناطق مسکونی در عربستان استفاده کرده است. این نیرو همچنین آدمربایی و قتل نیروهای آمریکایی را هماهنگ و هدایت نموده است. آنها در حال حاضر برای شبه‌نظامیان شیعی در عراق و طالبان در افغانستان بمبهای کارجادویی کشنده، که موجب قتل و مجروح‌کردن نیروهای آمریکایی می‌شود، تأمین می‌کنند.

سپاه پاسداران، علاوه بر این‌که از یک دستگاه قدرتمند امنیتی برخوردار است، دارای یک نفوذ عظیم سیاسی و اقتصادی نیز می‌باشد. اعضای سابق و کنونی آن، ۱٤پست از ۲۱پست کابینه و ۸۰ کرسی از ۲۹۰کرسی مجلس را در اشغال خود دارند. اعضای کنونی و سابق سپاه پاسداران شامل احمدی‌نژاد رئیس‌جمهور، کاظمی قمی سفیر رژیم در عراق و علی لاریجانی، دبیرسابق شورای عالی امنیت ملی می‌باشند...

نویسندگان مقاله واشینگتن تایمز به قطع روابط تجاری فراخوانده و تصریح کردند برای رسیدن به صلح و ثبات فراگیر در خاورمیانه باید از مجاهدین و مقاومت ایران حمایت کرد.

نویسندگان مقاله واشینگتن تایمز تأکید کردند در صورت خودداری رژیم ایران از این اقدامات، با عواقب جدی ازجمله ضربات هوایی به اهداف هسته‌یی و کارخانه‌های ساخت بمبهای کارجادویی و مراکز فرماندهی سپاه و نیروی قدس روبه‌رو خواهد شد.

ژنرال پال والی، از فرماندهان سابق نیروی هوایی آمریکا و فرد گدربیچ، تحلیلگر سیاست خارجی و امنیت ملی آمریکا همچنین تأکید کردند باید به مردم و مقاومت ایران اطمینان داد که در پی تغییر رژیم حاکم هستیم(واشینگتن تایمز ۷آذر۸٦).

آنها تأکید کردند باید به تلاش شکست خورده برای نزدیکی به رژیم ایران که باعث شد دولت بیل کلینتون نام مجاهدین خلق ایران را به ناحق در لیست سازمانهای تروریستی قرار دهد، پایان داد و این نامگذاری را لغو نمود. آنان جزع بوش را به این اقدامات فراخواندند:

- از رژیم ایران بخواهد سریعاً گسترش برنامه هسته‌یی شیعی در عراق از جمله سپاه بدر بردارد و کمک به گروههای تروریستی در لبنان و فلسطین را متوقف نماید.

شکل گیری و تاریخچه سپاه پاسداران (٤)

گزارشی از سازمان کار اقتصادی سپاه پاسداران

پیشینه‌یی از فعالیت اقتصادی سپاه:

ـ قدیمی‌ترین ارگان اقتصادی سپاه «بنیاد تعاون سپاه پاسداران» است که در ابتدای سال۱۳٦۷، قبل از پایان جنگ ایران و عراق تشکیل شد.

ـ در جریان جنگ، مهندسی سپاه به‌طور گسترده‌یی رشد کرد و تیپهای متعدد مهندسی تشکیل شد. با پذیرش آتش‌بس در سال۱۳٦۷ سپاه پاسداران با مشکل سازماندهی این نیروها مواجه شد و برای حل این معضل در سال۱۳٦۸ به‌دستور خامنه‌ای قرارگاه سازندگی خاتم با درصدی از نیروها برای فعالیتهای اقتصادی سپاه تأسیس شد.

ـ ستاد فرماندهی کل قوا، علاوه بر بنیاد تعاون سپاه، در دهه۱۳۷۰، بنیادهای تعاون بسیج (یکی از نیروهای پنجگانه سپاه)، بنیاد تعاون نیروهای انتظامی، بنیاد تعاون ارتش و بنیاد تعاون وزارت دفاع را تأسیس کرد.

ـ فرمان خامنه‌ای در عفو مالیات: خامنه‌ای برای تقویت سپاه پاسداران در اقتصاد کشور، در سال ۱۳۷۲ فرمان عفو از پرداختن مالیات بنیاد تعاون سپاه و بسیج (معاف‌بودن از پرداخت مالیات) را صادر کرد. متن فرمان خامنه‌ای:

فرمان رهبری

به شماره ۷۵۹۵/٤۸۸٦/۳۰/٤

نظر به این‌که اساسنامه بنیاد تعاون بسیج به تصویب مقام معظم رهبری رسیده و به موجب ماده۱۲ آن، مجموعه بنیاد در ردیف اشخاص مذکور در ماده ۱۳۳ قانون مالیاتهای مستقیم استفاده‌ها ۱۳٦٦ و اصلاحیه بعدی آن می‌باشد، لذا با اتخاذ ملاک از رأی شماره ۱۳۷۰۲-۳۰/٤ مورخ ۱۳۷۲/۱/٥ هیأت عمومی شورای عالی مالیاتی که قبلاً در خصوص بنیاد تعاون سپاه صادر گردیده است، مفاد بخشنامه شماره ۱۰٦٦٦/۱٥۷۱٦- ۳۰/٤ مورخ ۷٤/۳/۲۷ در مورد بنیاد تعاون بسیج نیز جاری خواهد بود.

علی اکبرعرب مازار

معاون درآمدهای مالیاتی

ـ بر پایه قانونی که در سال۱۳۷۳ از تصویب مجلس گذشت، اجازه تشکیل «شرکتهای عمرانی و خدمات فنی» به نیروهای مسلح داده شد. که اساساً سپاه پاسداران آنرا در دست گرفت. بدین ترتیب موقعیت اجرایی و اقتصادی سپاه در ساختار حکومتی باز هم تقویت گردید و پروژهای میلیاردی در زمینه سدسازی، راه‌سازی و احداث تونل برای انواع و اقسام پروژه‌های مخفی رژیم... به‌شرکتهای وابسته به قرارگاه سازندگی خاتم و بنیاد تعاون سپاه واگذار شد.

سازمان کار اقتصادی سپاه پاسداران

ـ محور فعالیتهای گسترده اقتصادی سپاه، قرارگاه سازندگی خاتم و بنیاد تعاون سپاه پاسداران است. قرارگاه سازندگی خاتم و شرکتهای تابعه آن عمدتاً در کارهای سازندگی از پل‌سازی، تونل‌سازی و استخراج نفت فعال هستند و بنیاد تعاون سپاه در تجارت و بازرگانی سرمایه‌گذاری کرده‌اند.

ـ سپاه پاسداران با دو ارگان بنیاد تعاون سپاه و قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیا و با رانتهای حکومتی، به تدریج نقش منحصربه‌فردی در اقتصاد ایران به‌دست آورد و اقتصاد ایران را در کلیه زمینه‌ها در انحصار خود گرفت. در ابتدا فعالیتهای اقتصادی سپاه پاسداران شامل پروژه‌هایی مانند ساخت سدهای کرخه و گوند، ساخت بندر پتروشیمی پارس و عملویه، راهسازی و کشیدن خطوط نفت و گاز می‌شد و به‌تدریج دامنه آن به‌فعالیت درتمامی زمینه‌های اقتصاد داخلی و بین‌المللی گسترش پیدا کرد، به‌نحوی‌که بر اساس برخی از برآوردهای موجود، سپاه پاسداران بعداز شرکت ملی نفت و مؤسسه آستان قدس رضوی، سومین قدرت متمرکز اقتصادی درکل کشور محسوب می‌شود.

قرارگاه سازندگی خاتم الانبیاء

ـ سپاه پاسداران در سال۱۳٦۸ به‌دستور خامنه‌ای قرارگاه سازندگی خاتم الانبیا را تشکیل داد. این قرارگاه همان قرارگاه سازندگی خاتم در دوران جنگ ایران و عراق بود. پرسنل یگانهای مهندسی سپاه و بخشی از تجهیزات مهندسی و ویگانهای دیگر سپاه در قالب این قرارگاه و مؤسسات تابعه آن سازماندهی شدند.

ـ درحال‌حاضر قرارگاه خاتم‌الانبیا بیش از چهل هزار نفر از اعضای سپاه پاسداران را به‌کار گرفته است و علاوه برآن ۱٥هزار نیروی تشکیلات بسیج سپاه پاسداران در بخش خدمات مهندسی بسیج نیز در قرارگاه خاتم‌الانبیا سازماندهی شده‌اند.

ـ قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیا در قالب صدها مؤسسه و شرکت مختلف داخلی و بین‌المللی فعالیت می‌کند که نام عمومی آنها را «فریعی خاتم‌الانبیا» گذاشته‌اند. این فعالیتها شامل:

ـ پیمانکاری خطوط انتقال نفت و گاز، راه‌سازی، سدسازی، بندرسازی، ساختمان‌سازی و...

ـ قاچاق نفت عراق

ـ داشتن اسکله‌های غیرقانونی و بنادر اختصاصی برای واردات و صادرات

ـ تأمین نیازهای فنی پروژه‌های اتمی و موشکی

فرماندهی قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء

ـ فرماندهی قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیا از بدو تأسیس تاکنون به علت اهمیت آن با فرمانده کل سپاه پاسداران بوده است. در حال حاضر با سرلشکر پاسدار محمدعلی جعفری است.

ـ فرمانده سپاه پاسداران یک جانشین در قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیا گذاشته است. که از سال ۱۳۸٤ تاکنون سرتیپ پاسدار عبدالرضا عابدزاده معروف به سردار عابد، جانشین فرمانده سپاه پاسداران در قرارگاه سازندگی خاتم است.

بیوگرافی کوتاهی از سرتیپ پاسدار عابدزاده

نام: عبدالرضا عابدزاده (معروف به عابد)

درجه: سرتیپ پاسدار

متولد: ۱۳۳۱ خوزستان

تحصیلات: فارغ‌التحصیل دوره اکتشاف نفت در خارج از کشور (مهندس نفت)

از سال۱۳٥۲ بورسیه تحصیلی گرفت و در خارج کشور مشغول به تحصیل بود. بعد از پیروزی انقلاب از خارج کشور بازگشته و عضو شورای جهاد سازندگی شده و برای تشکیل شورای جهاد به کردستان رفت. در سال۱۳٥۹ به عضویت رسمی سپاه در آمد. در دوران جنگ فرمانده یگان (فرمانده گردان) بود و در قالب گردانهای مشترک ژاندارمری، ارتش و سپاه، در زمینه پاکسازی در جبهه‌های غرب، شمال غرب و جنوب شرکت داشت.

بعداز جنگ مسئول دو مجموعه مهندسی شد. و در قرارگاه کربلا ساخت اتوبان تهران- ساوه را به‌عنوان اولین کارش شروع کرد. بعداز قرارگاه کربلا به قرارگاه خاتم انتقال یافته و در سال۱۳۸٤ جانشین رحیم صفوی در قرارگاه خاتم الانبیا شد.

نظارت بر قرارگاه سازندگی خاتم

ـ سپاه پاسداران در زمینه فعالیتهای اقتصادی، گزارشی به‌دولت و مجلس رژیم نمی‌دهد و به‌طور مستقیم زیر نظر خامنه‌ای اداره می‌شود. هیچ گزارش مالی درباره فعالیتهای اقتصادی سپاه منتشر نمی‌شود و بودجه آن نیز محرمانه است.

ـ یک مؤسسه به نام «حسان» تحت نظر خامنه‌ای بر اموال و حسابهای سپاه نظارت دارد و سالی یکبار اجلاسی تحت نام «مجمع قربهای خاتم الانبیا» برگزار شده و سود و زیان آنها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

آدرس دفتر قرارگاه خاتم الانبیا

تهران ـ خیابان شریعتی ـ خیابان مهمل جنب ستاد کل نیروهای مسلح

استفاده قرارگاه خاتم الانبیاء از شرکتهای طرف قرارداد برای پوششهای قاچاق

ـ در آخرین روزهای سال۸۳، کنسرسیوم قرارگاه خاتم‌الانبیا، به‌عنوان برنده مناقصه فاز دوم بندر شهیدرجایی اعلام شد. این مناقصه برای ساخت ۲۰٥۰ متر اسکله با عمق ۱۰متر برای پهلوگیری کشتیهای نسل هفتم با ظرفیت جابه‌جایی ۱۲هزار TEU یا ۱٤٥ تا ۱٥۰هزار تن کالا و احداث ترمینالهای لازم برگزار شده و ظرفیت این بندر را به ٥/۷میلیون TEU می‌رساند. در این مناقصه کنسرسیومی به مدیریت قرارگاه خاتم‌الانبیا، متشکل از شرکتهای «تروی» ایتالیا برای ساخت اسکله، «رویال هاسکونیگ» برای ارائه مشاوره مهندسی، «رویال بوسکالیس» هلند برای لایروبی و شرکت «ZPMC» از چین، برای تأمین تجهیزات، برنده شده است. بر اساس نتایج مناقصه مقرر شده است که این کنسرسیوم با سرمایه‌گذاری ۱۰میلیون دلاری به‌صورت فاینانس خارجی، فاز دوم این بندر را تکمیل کند. طاهری‌مطلق، مدت اجرای پروژه را ۳۳ماه و زمان بهره‌برداری از فاز دوم بندر رجایی را پایان سال۸٦ خواند. شرکت تسکو یکی از پیمانکارهای شرکت ایتالیایی تروی است که مناقصه قرارگاه خاتم الانبیا را بردند و فاز دوم را هم شروع کردند.

ـ بعداز قرارداد خاتم‌الانبیا با شرکت تروی ایتالیا و تسکو، یکی از مشاوران این قرارگاه بعد از یک ارزیابی به مسئولان بازرگانی مهندسی خاتم گزارش می‌کند که: «مسئولان شرکتها و پیمانکاران پروژه بندر رجایی که همگی ایتالیایی هستند، نفرات بسیار خوبی برای انتقال اجناس ممنوعه به ایران می‌باشند. مسئولان شرکتها و پیمانکاران ایتالیایی نفرات بسیار امین و نزدیک هستند و می‌توان از پوشش این شرکتها برای انتقال اقلام ممنوعه به ایران استفاده کرد. زیرا آنها با روحیات و نوع کارهای جمهوری اسلامی آشنا هستند». وی هم‌چنین در گزارش مشابه دیگری در مورد استفاده شرکت تسکو تأکید کرده است. در طی سالیان اخیر قرارگاه خاتم‌الانبیا از پوش دو شرکت «تروی» ایتالیایی و «تسکو» برای واردات اجناس غیرقانونی خود استفاده کرده است.

فعالیتهای مؤسسه حرا وابسته به قرارگاه سازندگی خاتم

ـ مؤسسه حرا دست‌اندرکار فعالیتهای تونل‌سازی است که تونلهای متعدد مخفی برای پروژه‌های موشکی و هسته‌یی رژیم ساخته است. تاکنون مقاومت ایران در افشاگریهای متعدد ساختن تونلهای مخفی توسط مؤسسه حرا برای فعالیتهای اتمی را افشا کرده است ازجمله:

ـ تونل هرمز در شمال تهران

ـ از شهریور۲۰۰٤ مؤسسه حرا شروع به‌ایجاد یک تونل در کنار سایت اصفهان کرد.

ـ مؤسسه حرا از مؤسسات مهندسی سپاه و تحت امر قرارگاه مهندسی خاتم می‌باشد. مدیرعامل این مؤسسه سرتیپ پاسدار احتشام است.

ـ برخی از پروژه‌های مؤسسه حرا به کلی سری و حساس و امنیتی بوده است، ازجمله این پروژه‌های مخفی عبارتند از:

ـ پروژه مجمع قطران (آب سنگین اراک) در روستای خنداب.

ـ پروژه تونل‌سازی در مرکز سوخت هسته‌یی اصفهان را در دست دارد. مؤسسه حرا کارگاهی در داخل مرکز سوخت هسته‌یی اصفهان به نام کارگاه صدف دایر کرده و مهندسان این مؤسسه داخل تونل اصفهان مشغول به کار هستند.

معرفی مؤسسه راه ساحل یکی از مؤسسات قرارگاه سازندگی خاتم

در شهریور۸٦ مؤسسه راه ساحل در هجدهمین مجمع سراسری فرماندهان و مسئولان سپاه در طرح معرفی ردههای اسوه و الگوسازی آنها به‌عنوان مؤسسه برتر قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء از سوی ستاد مشترک سپاه معرفی و مورد تقدیر قرار گرفت، در این رابطه توضیحات مختصری از مؤسسه داده می‌شود:

ـ مدیرعامل مؤسسه راه ساحل پاسدار مهندس «اسماعیل حذیر کردار» است که از سال۱۳٥۸ عضو سپاه بود. وی در جبهه جنگ، در مهندسی وزارت سپاه و مهندسی نیروی دریایی سپاه تا سال۱۳۷۹ بوده و از ۷۹ تاکنون در مؤسسه راه ساحل مشغول به‌کار است وی از ۸۳ مدیرعامل این مؤسسه بوده است. اسماعیل حذیر کردار در مورد مؤسسه نوح گفته است:

ـ مؤسسه راه ساحل یکی از مؤسسات تابعه قرارگاه سازندگی نوح وابسته به قرارگاه سازندگی خاتم الانبیا است. این مؤسسه یکسال پس از شکل‌گیری قرارگاه نوح در سال۷۳ راه اندازی شده است.

ـ مؤسسه راه ساحل با توجه به نیاز کشور در زمینه‌های سدسازی، راهسازی، احداث سازه‌های دریایی از قبیل بنادر و اسکله، احداث خطوط انتقال نفت و گاز، احداث خطوط انتقال قیر نوری، احداث تونل، عملیات خاکی وسیع، تسطیح و محوطه‌سازی، عملیات زهکشی و احداث ابنیه بزرگ، بالغ بر هفتاد پروژه مختلف را برای کارفرماهای مختلف ازجمله وزارت نفت، وزارت راه، شرکت مخابرات و وزارت نیرو انجام داده است و هم اکنون نیز بالغ بر شش هزارمیلیارد ریال پروژه در دست اجرا دارد که بیش از ۲٥۰۰میلیارد ریال از آن به صورت EPC(طراحی- تهیه مصالح-اجرا) انجام می‌شود.

ـ در حال حاضر بیش از دو هزار نفر نیروی انسانی مستقیم و تمام وقت در ستاد و کارگاههای این مؤسسه مشغول به‌کار هستند که حدود ٤۲درصد از آنها دارای تحصیلات دیپلم به بالا بوده و ۲۰درصد نیز دارای تحصیلات عالی و تخصصی می‌باشند و در رده‌های مختلف مدیریتی، فنی، اجرایی، پشتیبانی و کارشناسی انجام وظیفه می‌نمایند.

ـ ازجمله پروژه‌های مهم مؤسسه راه ساحل می‌توان به پروژه‌های ساخت مخازن LNG و LPG جهت ذخیره‌سازی گاز مایع، پروژه ساخت اسکله‌ها و تأسیسات دریایی بندر، صادرات گاز مایع، پروژه عملیات سویل و ساختمانی و لوله‌کشی زیرزمینی الفین ٥ و ۱۱، پروژه ساخت انبارهای مکانیزه و تسهیلات صدور گگرگود بنادر خدماتی پارس، احداث قطعه اول پروژه بزرگراه ارتباطی پالایشگاه پارسیان، طراحی و احداث موج‌شکنهای بندر خدماتی پارس، پروژه احداث دو پست اسکله بندر خدماتی پارس، پروژه احداث قطعه ششم بزرگراه چهارخطه جمه- طاهری- عملویه، حفاری شمعهای درجای بندر رجایی، عملیات حفاری و کابل‌کشی فیبر نوری مسیر (تهران: اهواز)، (جاسک: میناب)، (بوشهر: برازجان) نام برد.

نمونه‌یی از فعالیتهای قرارگاه سازندگی خاتم

ـ محسن رضایی در مورد فعالیتهای قرارگاه سازندگی خاتم (تا سال۱۳۷٦ که فرماندهی آنرا داشت) می‌گوید: «قرارگاه سازندگی خاتم الانبیا پدیده ارزشمندی بود که در سپاه تأسیس شد و پروژه‌های بزرگ و ملی، نظیر سد کرخه گرفته تا راهسازی و احداث اتوبان و لوله‌کشیهای بزرگ هم‌چون پروژه گاز همدان - سنندج... را به انجام رساند و تا زمانی که اینجانب مسئولیت سپاه را به‌عهده داشتم، بیش از پنج هزار میلیارد ریال پروژه در دوره سازندگی به انجام رسید».

ـ رحیم صفوی فرمانده وقت سپاه که فرماندهی قرارگاه خاتم را نیز به‌عهد داشت در سال ۸٦ اعلام کرد:

ـ «قرارگاه سازندگی خاتم در ۱۷سال گذشته بیش از ۱٥۰۰پروژه بزرگ را به‌اتمام رسانده است.

ـ این قرارگاه در دو سال اخیر در صنایع نفت و گاز هم حضور یافته است».

ـ قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیا با به‌گزارش سپاه به کمیسیون بودجه مجلس، ۸۱۲شرکت ثبت شده در داخل و خارج ایران دارد و در سال۱۳۸٥، ۲۲٥پروژه در دست اجرا داشته است

ـ در یکسال گذشته حدود صد پروژه بزرگ (علاوه بر ۲۲٥پروژه) از سوی دولت محمود احمدی‌نژاد به این قرارگاه واگذار شده است.

ـ در دولت احمدی‌نژاد، قرارگاه سازندگی خاتم بدون مناقصه، پروژه خطلوله انتقال گاز عملویه به سیستان و مرز پاکستان را بدون مناقصه گرفت. پروژه‌یی که ارزش تقریبی آن تا مرز پاکستان به ۲,۲میلیارد دلار می‌رسد. درحالی‌که مطابق قانون، واگذاری قراردادهای بالاتر از ده میلیون دلار باید با رعایت تشریفات مناقصه باشد.

ـ پروژه‌های بزرگ دیگری که در دوره احمدی‌نژاد به قرارگاه خاتم‌الانبیا واگذار شد عبارت بودند از توسعه بخشی از میدان پارس جنوبی با ارزش اعلام شده دو و نیم میلیارد دلار و توسعه اسکله چابهار و چند پروژه دیگر در حوزه نفت و گاز و بخشهای دیگر که ارزش کل آنها هفت میلیارد دلار بود و اعلام گردید که قرارگاه با شرکت در مناقصه و طی تشریفات قانونی، و ارائه قیمتهای پایین‌تر، برنده مناقصه شده است.

ـ ماهنامه اقتصاد ایران مرداد۸٥ نوشت: «قرارگاه سازندگی خاتم تاکنون ۱۲۲۰ طرح و پروژه عمرانی و سازندگی را با موفقیت به‌انجام رسانده و در حال حاضر نیز ٤٤۷طرح دیگر را در دست اجرا دارد. مسئولان این قرارگاه گزارش کرده‌اند که در طرحهای اجرا شده و در حال اجرا تنها از ۳۰درصد توان مهندسی و تجهیزاتی سپاه استفاده شده و ۷۰درصد دیگر در بخش دفاعی به‌کار گرفته شده است.

چند خبر از قراردادهای اخیر خاتم

۷تیر ماه ۸٥ چند نماینده عضو فراکسیون اقلیت مجلس طی تذکری کتبی به محمود احمدی‌نژاد در خصوص علت واگذاری قرارداد دومیلیارد دلاری توسعه فازهای۱٥ و ۱٦ پارس جنوبی، به سپاه پاسداران تذکر کتبی دادند.

۸مرداد۸٥: «وزارت نفت جمهوری اسلامی شرکت اوروتنال اویل، با همه تجهیزات و سرمایه را به سپاه پاسداران واگذار کرده است. منابع داخلی ایران با اعلام این خبر افزودند. قرارگاه خاتم الانبیا وابسته به سپاه پاسداران که فعالانه در امور اقتصادی واردشده شرکت حفاری اوروتنال در کیش را از وزارت نفت تحویل می‌گیرد. ارزش داراییهای این شرکت ۸۰میلیون دلار اعلام شده است».

٦اردیبهشت۸٦: طاهری معاون وزیر راه و ترابری گفت: قرارگاه خاتم الانبیا در مناقصه طرح توسعه جامع چابهار (اسکله شهید بهشتی) را در مرحله نخست آن برنده شد.: این قرارگاه با مبلغ ٤۱میلیون دلار در مدت سه سال، اجرای این پروژه را بر عهده گرفته است.

ادامه دارد

خانواده‌های مجاهدان اشرف اهانت روزنامه سونسکا داگ بلادت به زنان قهرمان اشرف را محکوم کردند

هموطنان عزیز:

در شرایطی که رژیم آخوندی حاکم بر ایران در چنبره‌یی از بحرانهای داخلی و بین‌المللی قرار گرفته است، در شرایطی که دانشجویان، کارگران، معلمان و سایر طبقات و اقشار اجتماعی در حرکتهای اعتراضی خود، شعار مرگ‌بر دیکتاتور- مرگ بر احمدی‌نژاد سر می‌دهند، در شرایطی که به دلیل پافشاری ملاها برای دستیابی به بمب اتمی و صدور تروریسم در عراق و لبنان و فلسطین، سپاه پاسداران، وزارت دفاع و نیروی قدس و ۹ارگان دیگر رژیم در لیست گروههای حامی تروریسم و اشاعه‌دهنده سلاحهای کشتارجمعی قرار گرفته و در آستانه صدور قطعنامه سوم علیه رژیم خمینی در شورای امنیت قرار داریم، ما از دیدن مقاله‌یی در روزنامه سونسکاداگ‌بلادت در تاریخ ۱۲نوامبر که توسط فردی نوشته شده است که در محافل سیاسی سوئد به‌عنوان یک مدافع سرسخت رژیم آخوندی و در میان جامعه ایرانیان منفور است، به‌شدت شوکه شدیم. این خبرنگار بی‌اعتبار که نوشته‌هایش در روزنامه‌های رژیم ایران به‌وفور ترجمه و پخش می‌شود، بیشرمانه و وقیحانه به دختران و پسران و هزار زن قهرمان مجاهد در شهراشرف اهانت نموده است.

حرکتی کثیف و آخوندپسند که فقط خشم و نفرت و انزجار ما را از رژیم زخم‌خورده و پایه‌گور آخوندی و قلمزنان و حامیان خارجی آن صدبرابر می‌کند.

این هتک حرمت وقیحانه نسبت به فرزندان پاک و از جان گذشته ما که سالها به‌خاطر آزادی مردم قهرمان ایران ازهمه چیز خود ازجمله خانه و خانواده و فرزند خود گذشته‌اند، نشاندهنده فازسرنگونی این رژیم است که از فرط استیصال سرش را به سنگ می‌کوبد و به این گونه اهانتهای رذیلانه متوسل می‌شود.

این اهانت کثیف نه تنها نقض کنوانسیون چهارم ژنو محسوب می‌شود، بلکه اهانتی است به حیثیت همه زنان آزاده و مبارز میهنمان، که اعتراض همه وجدانهای انسانی و مدافعان حقوق بشر را برمی‌انگیزد.

ما از همه ایرانیان آزاده و وطن پرست و از همه شخصیتهای مدافع حقوق بشر درخواست می‌کنیم که در برابر این بی‌شرافتی سیاسی ساکت ننشینند و برای دفاع از حیثیت و شرافت و حقوق فرزندان و خانواده‌های ما به‌پاخاسته و به یاری ما بشتابند. اجازه ندهند که فاشیسم مذهبی حاکم بر ایران با هتک حرمت زنان آزاده و قهرمان مجاهدمان، ایدئولوژی کثیف و زن‌ستیز خود را به مطیوعات آزاد اروپا گسترش بدهد.

از روزنامه سونسکاداگ‌بلادت و گوینده و نویسنده این هتک حرمت شرم‌آور بخواهید که آن را پس بگیرند و از زنان قهرمان مجاهد خلق عذرخواهی کنند.

بقیه از صفحه٥

همسایگان اور سور اواز با قرائت پیامی اهانت روزنامه سونسکا داگ بلادت علیه زنان شهر اشراف را محکوم کردند

همبستگی زنان شریف عراقی با تظاهرات ایرانیان آزاده در سوئد برای دفاع از ۱۰۰۰زن مجاهد خلق در اشرف

از پیام دکتر فائزه العبیدی مسئول تشکیلات زنان جنبش وفاق ملی عراق:

نشر اهانت در یک روزنامه سوئدی علیه زنان مجاهدی که در اشرف هستند شرف و کرامت همه ما زنان عراقی و آزاده را مورد تعدی قرار داده

گستاخی وزارت اطلاعات ایران به درجه‌یی رسیده است که با نشر اهانت در یک روزنامه سوئدی علیه زنان مجاهدی که در اشرف هستند شرف و کرامت همه ما زنان عراقی و آزاده را مورد تعدی قرار داده است. این نوع اتهامات رذیلانه از کسانی که در ارتکاب جنایت در ایران و در عراق هیچ حد و مرزی را نمی‌شناسند جای هیچ تعجبی ندارد. تا آن‌جا که به زنان برمی‌گردد مایه افتخار و مدالی برسینه ماست که مورد این گونه دشمنیها از سوی رذلترین عناصر ضدزن در تاریخ قراربگیریم. اما شگفتی از این است که یک رسانه خبری سوئدی دست به نشر چنین اباطیلی زده است.

اسما عدنان الدلیمی، نماینده پارلمان عراق از جبهه توافق:

نشر چنین اکاذیب شرم‌آور و ضدانسانی تنها می‌تواند تراوشات ذهن مرتجعین فاشیسم مذهبی و زن‌ستیزی باشد که اکنون بر ایران حاکم هستند

من از شنیدن اباطیلی که قطعاً توسط سرویسهای اطلاعاتی رژیم حاکم بر ایران علیه زنان اشرف مطرح‌شده عمیقاً شوکه شدم من افتخار دیدار از اشرف مقاوم و زنان فداکار مستقر در آن را داشته و با اخلاق و منش والا و ستایش‌انگیز آنان آشنا هستم. نشر چنین اکاذیب شرم‌آور و ضدانسانی تنها می‌تواند تراوشات ذهن مرتجعین فاشیسم مذهبی و زن‌ستیزی باشد که اکنون بر ایران حاکم هستند.

سهاد محمد، مسئول انجمن «صدای زنان»

امروز در این جا جمع شده‌ایم تا یکی دیگر از توطئه‌های وزارت اطلاعات رژیم آخوندی را محکوم کنیم. خوشبختم که به اطلاع شما برسانم که همزمان تظاهرات بزرگی در سوئد برگزار می‌شود که به‌طور مستقیم از طریق ماهواره با این تظاهرات همراهی خواهیم کرد.

زهرا محمد مجید، خبرنگار و گوینده تلویزیون

ما به جهان اعلام می‌کنیم که زنان مجاهد خلق معنای حقیقی جهاد را در معنای اسلامی و قرآنی آن سمبلیزه می‌کنند. ما این مزخرفات و دروغها را علیه زنان مجاهد خلق محکوم می‌کنیم و از محاکم بین‌المللی قویاً خواستاریم که این اتهامات واهانتها را مورد حسابرسی قراردهند.

رنا محمد جاسم، مسئول انجمن زنان آزاده در خالص

ما زنان عراقی شریف با سربلندی و افتخار به دفاع از خواهران مجاهدمان در برابر کینه‌جویی وحقد مزدوران رژیم ایران درنشریه سونسکا داگ بلادت می‌پردازیم

به همه کینه‌توزان و دنائت‌پیشه‌گانی که علیه شریفترین زنان جهان یعنی زنان مجاهد مستقر در اشرف اهانت کرده‌اند ازسوی زنان عراقی می‌گوییم که اعتماد ما به کسانی که آنان را سمبل فدا و صبر و بخشش یافته‌ایم هرروز بیشتر می‌شود. ما زنان عراقی شریف با سربلندی و افتخار به دفاع از خواهران مجاهدمان در برابر کینه‌جویی وحقد مزدوران رژیم ایران درنشریه سونسکا داگ بلادت می‌پردازیم و اتهامات و دروغپردازیهای این مزد وران را محکوم می‌کنیم.

ورود فیصل عباس، دانشجوی دانشگاه بعقوبه

به‌نام انجمن زنان آزاده درخالص! اهانت به هزار زن مجاهد در اشرف را که توسط یک مزدور رژیم در روزنامه سونسکا داگ‌بلادت منتشر شده، محکوم می‌کنیم.

ما زنان عراقی صدای خود را به‌همراه صدای مردم شریف عراق به همه جهان می‌رسانیم که زنان مجاهد، زنان شریف،آزاده وشجاع هستند. همانهایی که از آزادی یا تمام قوا دفاع می‌کنند. ما از تظاهرات ایرانیان درسوئد دردفاع از زنان اشرف حمایت می‌کنیم و با آنها همراه هستیم.

ذکری داوود جمعه، رئیس انجمن زنان آزادهٔ دیالی

ما زنان عراق از هزارزن مجاهد در شهر اشرف حمایت می‌کنیم. آنچه ما درطول چهار سال گذشته از این زنان دیده و فراگرفته‌ایم پایداری، مبارزه و وفای به‌عهد در راه آرمان آزادی میهن می‌باشد.

ما تمامی زنان دنیا را به پیروی از چنین زنان مجاهدی فرامی‌خوانیم واین حقیقتی است که دنیا آنرا باید بداند.

پیام زنان عضو شورای استان صلاح‌الدین و شهر تکریت به زنان مجاهد خلق در اشرف

سلام علیکم بما صبرتم فنعم عقب الدار

ما زنان عراقی این اتهامات و دروغپردازیها علیه ۱۰۰۰زن مجاهد در اشرف را محکوم می‌کنیم و با تظاهرکنندگان در دفاع از ۱۰۰۰زن مجاهد اعلام همبستگی می‌کنیم.

صدق‌الله العظیم

بیانیه پایانی گردهمایی گروهی از زنان عراقی برای دفاع از ۱۰۰۰زن مجاهد خلق در اشرف

این بیانیه در گردهمایی جمعی از زنان عراقی در اشرف که در همبستگی با زنان مجاهد خلق و علیه اهانتهای رذیلانه در روزنامه سونسکا داگ بلادت جمع شده بودند قرائت گردید.

خفه و خاموش باد بلندگوی تباهی و ظلمت رژیم ایران و مزدوران و جیره‌خواران آن و نابود باد قلمی که از این زنان مجاهد به بدی نوشت

سخن گفتن از زنان مجاهد اشرف چقدر دشوار است! هنگامی که خبر اهانت در حق خواهران صبور و متین و پاکدامن مجاهد را از بلندگوهای مسموم رژیم ملایان حاکم بر ایران در نشریه«سونسکا داگ بلادت» شنیدم، از قلبها و قلمهایمان خون و درد و اندوه بسیارجاری شد. ما این عمل غیراخلاقی و غیرقانونی و خالی از هرگونه اعتبار و درستی را محکوم می‌کنیم. به‌این دلیل که سالیان تلخ و شیرین گذشته را در کنار این زنان مجاهد خلق گذرانده و با آنها در معاشرت و ارتباط مستمر بوده‌ایم.

خانواده‌های عراقی، دختران و زنان خود را در آغوش زنان مجاهد در شهر اشرف به امانت می‌گذارند، زیرا آنان نمونه زیبایی از منش و شرافت و فضیلت هستند که به زیسمان اسلام حقیقی جنگ زده‌اند. دینی که در آن هیچ باطل و ناحقی وجود ندارد.

واژه ها و کلمات در مقابل عظمت و کرامت و منش و بزرگواری و شرافت و صداقت و طهارت زنان اشرف شرمسار و خجل هستند.

ما شناختیم که زنان مجاهد شهر اشرف، از قلب و جان، به روح و جوهره اسلام آویخته‌اند و مانند یک گرز واحد ، برای سرنگونی رژیم ملایان و ولایت فقیه، جهاد می‌کنند.

پس خفه و خاموش باد بلندگوی تباهی و ظلمت رژیم ایران و مزدوران و جیره‌خواران آن و نابود باد قلمی که از این زنان مجاهد به بدی نوشت.

همانا که زنان اشرف، شریف‌ترین کسانی بودند که در گذر طولانی زمان دیدیم و حس کردیم. شریف‌ترینها در پاکی و طهارت و شکوه و عظمت و شرافت.

به رغم هر آن چه که به منظور پوشاندن جایگاه والای آنها گفته شد و گفته می‌شود، مانند کوهی بلند هستند که هیچ طوفانی آنان را از پای در نیاورد و پایدار و استوار ایستادند.

زنان مجاهد نشان و تاجی بر سر ما زنان عراقی هستند. ما به آنها می‌بالیم و افتخار می‌کنیم و برای ایستادگی و صبر و کسب قوت و عزم و اراده در مقابل دشمنان، به آنها تکیه می‌کنیم.

فاتن عبدالقادر عضو شورای استان صلاح‌الدین

شاحه دحام، عضو شورای شهر تکریت

زحل العزاوی، عضو شورای شهر تکریت

عواطف صالح مظلوم، فعال حقوق‌بشر

امیه تاجی جباره، رئیس شورای زن عراقی

نساء احمد الرفاعی، فرزند رئیس هیأت علمای مسلمین صلاح‌الدین

نزیهه مهدی صالح، رئیس سازمان مادر نمونه و کودک

فشار «تحریم»، چگونه روی رژیم ایران متمرکز می‌شود؟

تحریم رو به‌گسترش بانکی ـ مالی ایران، دادوستد کالا و نقل و انتقال پول بین ایران و خارج را با مشکلات رو به‌گسترش مواجه کرده است. وقتی بانکهای ایرانی نمی‌توانند طرف حساب بانکهای خارجی شوند و بانکهای خارجی از دادوستد با بانکهای ایرانی خودداری می‌کنند، معامله و نقل و انتقال پول بین ایران و خارج به مسیر انحرافی می‌افتد و «حواله پول» و مبلغ معامله از طریق شبکه دلالان خارجی و داخلی باب می‌شود. این شکل از معامله اولاً به علت آن‌که تحت پوشش بیمه دولتی و تضمین بانکی نیست، غالباً به‌صورت نقدی انجام می‌گیرد. ثانیاً تضمین تحویل کالا در رأس تاریخ مشخص منتفی می‌شود و مدت مبادله کالا طولانی و نامشخص می‌گردد. ثالثاً هزینه وساطت دلالان و مؤسسات دلالی به قیمت کالا بار می‌شود. بدین‌ترتیب اگر واردات مایحتاج عمومی و یا کالاهای واسطه تولید در داخل کشور به این صورت انجام گیرد، ضمن آن‌که هزینه ناشی از مشکلات فوق‌الذکر به مصرف‌کننده تحمیل می‌شود تحویل و وصول به‌موقع کالای مورد معامله نیز تضمینی نخواهد داشت

یزدان حاج‌حمزه

فعالیتهای اتمی آشکار و پنهان رژیم ایران در شرایطی ادامه دارد که نتیجه گفت‌وشنود و نشست و برخاست جداگانه دو نماینده گروه ۵+۱ قدرت موسوم به ۵+۱ معلوم شده است. از یکسو، مولانا، نماینده سیاسی این گروه، پس از «ساعت ملاکاه‌ری» که برای قیولاندن خواست شورای امنیت با نماینده رسمی رژیم ایران در لندن داشت، نتیجه ملاکاه‌ری خود را ناامیدکننده و منفی اعلام کرده است. و از سوی دیگر البرادعی، رئیس آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، در آخرین اجلاس شورای حکام این آژانس، به‌طور رسمی، به این شورا گزارش داده که «آژانس تا به‌حال نتوانسته بعضی از جنبه‌های مهم برنامه هسته‌یی ایران را بررسی کند». او، به‌عنوان سخنگوی ارگان بین‌المللی که مأموریت مراقبت فنی بر فعالیتهای اتمی کشورهای جهان را برعهده دارد، در ادامه گزارش خود به شورای حکام دو مورد از این «جنبه‌های مهم» فعالیتهای اتمی رژیم ایران را، که هنوز امکان بررسی آنها فراهم نشده، به زیر سؤال برده است:

۱ـ «هدف نهایی و ماهیت فعالیتهای غنی‌سازی با دستگاههای سانتریفوژ؟»

۲ـ «اقداماتهای تحقیقاتی که [رژیم] ایران به‌عمل آورده و فعالیتهای دیگر [این رژیم] که نمی‌تواند کاربرد نظامی داشته باشد؟» (نیویورک‌تایمز ۲۷آذر۶۷ ـ ۲۳نوامبر۲۰۰۷). این اظهارنظرهای رسمی که مدت دو ماه جهان منتظر آن بود، بر نگرانی جامعه جهانی درمورد خطر ادامه این فعالیتها می‌افزاید و قدرتهای جهانی را، خواه و ناخواه، به‌سمت تشدید «تحریم» همه‌جانبه رژیم ایران در سطح شورای امنیت و یا تشدید تحریم چندجانبه این رژیم توسط آمریکا، اروپا و ژاپن، سوق می‌دهد.

پاسداران حاکم بر ایران به‌طور رسمی اعلام کرده‌اند «به هرقیمت» در مقابل خواست جهان مبنی بر تعلیق فعالیتهای اتمی ایران [خواستی که در آخرین قطعنامه «شورای حکام آژانس» و سه قطعنامه شورای امنیت مطرح شده] می‌ایستند و به غنی‌سازی اورانیوم و فعالیتهای اتمی دیگری که «می‌تواند کاربرد نظامی داشته باشد» ادامه می‌دهند. شواهد متعدد گویای آنند که رئیس دولت پاسداران، با ادعای این‌که «تحریم اثر ندارد» می‌خواهد به قیمت سیرپاکردن مردم ایران، از تنگنای تحریم عبورکند و به هدف شوم خود برسد. عوارض درگیری ضدمردمی پاسداران نظام ولایت‌فقیه با طرف خارجی به‌جایی رسیده که داد و ستد داخل و خارج را مختل کرده و از این طریق تحریم به‌طور مستقیم به زندگی روزمره مردم نیز راه بازکرده است. سؤال مقدر و تعیین کننده‌یی که در این شرایط برای ایرانیها مطرح است اینست که مردم ایران با تحریم چه می‌توانند بکنند. ضمن مروری بر چگونگی مختل‌شدن داد وستد داخل و خارج، به بررسی این مسأله ملی می‌پردازیم:

سیاست محوری قدرتهای غربی در تحریم رژیم ایران، جلوگیری از دادوستد پول بین بانکهای ایرانی و بانکهای خارجی است. این قدرتها به این نتیجه رسیده‌اند که اگر جلو معامله بین بانکهای ایرانی و خارجی گرفته نشود، رژیم ایران می‌تواند از مجرای بانکها، و تحت پوشش معامله شرکتهای دولتی و غیردولتی ایرانی با شرکتهای خارجی، به‌تدارک لوازم تکثیر سلاح کشتار جمعی و حمایت مالی از تروریسم بین‌المللی ادامه دهد. این سیاست محوری به دو صورت به‌پیش برده می‌شود: اول آن‌که بانکهای ایرانی فعال در عرصه بین‌المللی ممنوع‌المعامله شوند. دوم آن‌که بانکهای بین‌المللی طرف معامله با ایران را زیر فشار قرار دهند تا روابط مالی خود با ایران را به‌طور کامل متوقف کنند. درمورد اول تا به‌حال بانک سپه به‌طور همه‌جانبه توسط شورای امنیت ممنوع‌المعامله شده و بانک ملی، بانک ملت و بانک صادرات توسط آمریکا ممنوع‌المعامله شده‌اند و در معرض تحریم اروپاییها نیز قرارگرفته‌اند. درمورد دوم بنا بر آخرین گزارش رویتر (۱۶آذر ـ ۲۷نوامبر۲۰۰۷) طی سال گذشته میلادی حاکی از آنست که بانکهای سوئیسی «سی. پی.یو»، «کردیت سوئیس» و بانک انگلیسی «اچ. اس.بی» روابط گسترده خود را با ایران قطع کردند و به‌دنبال این بانکها طی سال۲۰۰۷، دو بانک آلمانی طرف معامله ایران شامل «دویچه بانک» و «کومرز بانک» و بانک فرانسوی «ب.ان.پ پاریبا» معاملات خود با ایران را به‌طور کامل متوقف کردند و «درسدنر بانک» سومین بانک آلمانی نیز اقدام مشابهی به‌عمل آورده است. به گزارش وزارت خزانه‌داری آمریکا، در مجموع، تا به‌حال حدود ۴۰بانک بین‌المللی با روابط خود با ایران را قطع کرده‌اند و یا آن‌را کاهش داده‌اند.

تحریم رو به‌گسترش بانکی ـ مالی ایران، دادوستد کالا و نقل و انتقال پول بین ایران و خارج را با مشکلات رو به‌گسترش مواجه کرده است. وقتی بانکهای ایرانی نمی‌توانند طرف حساب بانکهای خارجی شوند و بانکهای خارجی از دادوستد با بانکهای ایرانی خودداری می‌کنند، معامله و نقل و انتقال پول بین ایران و خارج به مسیر انحرافی می‌افتد و «حواله پول» و مبلغ معامله از طریق شبکه دلالان خارجی و داخلی باب می‌شود. این شکل از معامله اولاً به علت آن‌که تحت پوشش بیمه دولتی و تضمین بانکی نیست، غالباً به‌صورت نقدی انجام می‌گیرد. ثانیاً تضمین تحویل کالا در رأس تاریخ مشخص منتفی می‌شود و مدت مبادله کالا طولانی و نامشخص می‌گردد. ثالثاً هزینه وساطت دلالان و مؤسسات دلالی به قیمت کالا بار می‌شود. بدین‌ترتیب اگر واردات مایحتاج عمومی و یا کالاهای واسطه تولید در داخل کشور به این صورت انجام گیرد، ضمن آن‌که هزینه ناشی از مشکلات فوق‌الذکر به مصرف‌کننده تحمیل می‌شود تحویل و وصول به‌موقع کالای مورد معامله نیز تضمینی نخواهد داشت.

شرط برخورد مسئولانه با مسأله تحریم

مشکل اقتصادی ـ اجتماعی تحریم به‌صورتی ملموس در ایران بارز شده و درحال افزایش است. تحریم، واکنش غیرنظامی شورای امنیت و قدرتهای خارجی به‌فعالیتهای خطرناک دولت پاسداران است و توقف این فعالیتها را هدف قرار داده است. بدون توقف این فعالیتها، تحریم متوقف نمی‌شود و گسترش می‌یابد. بی‌توجهی به این واقعیت ملموس، بی‌توجهی به مشکلاتی است که رژیم با سرسختی خود به مردم تحمیل می‌کند. آنها که همصدا با مقامات رژیم ولایت‌فقیه، خارجی را سرزنش می‌کنند که برای جلوگیری از پیشرفت تکنولوژی و علم در ایران به سیاست تحریم روی آورده! در واقع با مسبب و باعث و بانی تحریم هم صف شده‌اند تا این مسأله را با برحق‌نگهداری. در این شرایط سخت و پیچیده با شعار و کلی‌گویی سیاسی نیز نمی‌توان عوارض اجتماعی تحریم را محدود و برطرف کرد. سیاست‌بازانی که وارد این معرکه شده‌اند و ضمن سرزنش خارجی به رژیم توصیه یا التماس می‌کنند که کمی کوتاه بیایید! در واقع توهم‌پراکنی می‌کنند و می‌خواهند با منحرف کردن اذهان و دادن آدرس عوضی مانع آن شوند که مردم اعتراض و فشار خود را متوجه دولت پاسداران که باعث و بانی مشکل است نمایند. این مسأله ملی راه‌حلی جز دست برداشتن رژیم از فعالیتهای خطراکشش ندارد و برخورد مسئولانه با آن ایجاب می‌کند که:

۱ـ ایرانیها به‌صورت تمام‌عیار اعتراض و فشار خود را متوجه هیأت حاکمه ایران که مسئول مشکلات ناشی از تحریم هستند، کنند و از این حاکمیت بخواهند با قبول و اجرای قطعنامه‌های شورای امنیت و توقف فعالیتهای خطرناک اتمی خودش به این مسأله پایان دهد.

۲ـ مادامی که رژیم ایران به سرسختی خود و رویارویی با شورای امنیت ادامه می‌دهد، به اعتراض و فشار اکتفا نکنند و راه‌حل قابل‌اجرایی را که می‌تواند معیشت مردم و بخش تولید کشور را از تحریم معاف کند و آن‌را روی رژیم ایران متمرکز نماید، باهم‌جا درآورند.

تمرکز فشار تحریم روی حکومت

تمرکز فشار تحریم روی هیأت حاکمه ایران، با توجه به نکات زیر امکان‌پذیر است:

۱ـ موضع اعلام‌شده طرف خارجی: تحریم عام و بی‌قید و شرط بانکی ایران ناشی از بی‌اعتمادی طرف خارجی به رژیم حاکم بر ایران است

سخنگویان اقتصادی طرف خارجی در تشریح بی‌اعتمادی خود به هیأت حاکمه ایران، می‌گویند مادامی که کار واردات و داد و ستد پول در دست رژیم ایران است، هیچ تضمینی وجود ندارد که وقتی شرکتهای خارجی با شرکتهای دولتی یا غیردولتی ایرانی معامله می‌کنند سپاه پاسداران پشت این معامله نباشد و از آن بنفع پیشبرد فعالیتهای خطرناکش بهره‌برداری نکند. به‌این حساب برای آن‌که راه گریز پاسداران حاکم برایران را ببندند کل دادوستد بانکی با ایران را موضوع تحریم خود قرارداده‌اند و به تبع آن معامله مایحتاج مردم نیز مختل شده است. طرف خارجی در واکنش به رفتار رژیم یاغی و خطرناک ایران، جنگ سردی را با او آغازکرده که چشم‌اندازّ مشخصی برای پایان آن متصور نیست. با این وجود به کرات اعلام کرده هدفش واردآوردن فشار روی این رژیم خطرناک است و نه مردم ایران. طرف خارجی رژیم این تجربه را درمورد کشور همسایه پیش رو دارد که در اعمال تحریم باید حساب مردم را از حکومت جدا کند و به‌خصوص درمورد ایران، به‌موقع فشار تحریم را روی حکومت متمرکز نماید. بنابراین، زمینه جداسازی حساب مردم ازحساب حکومت ازجانب عامل خارجی و شورای امنیت سازمان ملل موجود است.

۲ـ مسؤلیت حکومت در تأمین مایحتاج مردم

با پیشروی تحریم معاملات بانکی، وقتی واردات مایحتاج عمومی و کارخانجات ایران کمباب و گران می‌شود و فشار بیشتری به مردم ایران تحمیل می‌شود، خواه و ناخواه زمینه رویارویی مردم تحت فشار با دولت پاسداران فراهم می‌شود و این دولت دیگر نمی‌تواند به بهانه تولید سوخت هسته‌یی، محرومیت مردم از دسترسی به مایحتاج خود را توجیه کند. در این شرایط مردم ایران می‌توانند در تمرکز فشار تحریم روی رژیم ایران و جداسازی حساب خود از حساب حکومت نقش تعیین‌کننده را ایفا کنند. در این شرایط ایرانیان، به‌طورخاص از داخل کشور، می‌توانند رژیم را برسر این دو راهی قرار دهند که یا به‌خواست شورای امنیت تسلیم شود و به غائله تحریم خاتمه دهد و یا وقتی از عهده تدارک مایحتاج عمومی برنمی‌آید، کار واردات و تولید و توزیع این مایحتاج را به سازمان ملل متحد واگذار نماید.

۳ـ وظیفه سازمان ملل

سازمان ملل متحد سابقه و تجربه واردات مورد نیاز برخی از کشورها را دارد و وقتی مردم ایران خواهان پادرمیانی این سازمان می‌شوند نمی‌تواند نسبت به اجرای این خواسته حیاتی بی‌تفاوت بماند. ازسوی دیگر اگر فشار مردم از داخل کشور بالا رود، رژیم ایران نیز نمی‌تواند درمقابل این خواسته حیاتی مقاومت کند. وقتی سازمان ملل متحد به‌جای رژیم ایران واردات مورد نیاز مردم را به‌عهده بگیرد و طرف حساب شرکتهای خارجی شود می‌تواند از طریق حسابهای بانکی ویژه بهای واردات مایحتاج عمومی را از محل پول نفت صادراتی ایران پرداخت نماید. بدین‌ترتیب با پادرمیانی این سازمان جهانی می‌توان واردات مورد نیاز مردم و بخش تولید داخلی را از شمول تحریم بانکی معاف کرد و تحریم بانکی را روی حاکمیت ایران متمرکزنمود.

حاصل کلام آن‌که در جریان درگیری خارجی با رژیم ایران، حل مشکل مردم امکانپذیر و مشروط به آنست که فشار ایرانیانی که به واقع در پی حل این مشکل هستند، منحرف نشود و روی رژیم ایران متمرکز گردد، تا این رژیم یا به خواست شورای امنیت تسلیم شود و یا واردات مایحتاج عمومی را به‌سازمان ملل واگذارکند.

توافق ۱+۵ بر سر تصویب قطعنامه جدید تحریم رژیم در شورای امنیت

روز شنبه ۱۰آذر۸۶، پنج عضو دائمی شورای امنیت و آلمان طی اجلاسی در پاریس توافق کردند که مواد یک قطعنامه جدید تحریمها علیه رژیم ایران را مورد بررسی قرار دهند. آنها تصمیم گرفتند بر روی متن مشترکی کار کنند و سپس این متن در پایتخت این کشورها به گردش درآید. یک دیپلومات فرانسوی درباره جلسه پاریس گفت: یک فرستاده اتحادیه اروپا به نیابت از سولانا، گزارشی منفی از گفتگو با جلیلی ارائه داد و گفت: «این دیدار، یک فاجعه بود» و افزود سعید جلیلی مذاکره‌کننده هسته‌یی جدید رژیم ایران به سولانا گفته است، تعهداتی که سلف وی، یعنی لاریجانی داده بود را قبول ندارد و آن تعهدات دیگر روی میز قرار ندارند و باید مجدداً از صفر شروع کرد. این دیپلومات فرانسوی گفت سولانا بعد از دیدار با جلیلی، از خود می‌پرسیده که آینده این مذاکرات چه خواهد بود؟

گفتگوی کرها

تلویزیون فرانسه۲۴ در روز ۹آذر۸۶، طی گزارشی از دیدار سولانا ـ جلیلی این دیدار را «گفتگوی کرها» توصیف کرد و گفت: دیدار سولانا و جلیلی، آخرین فرصت پیش از افزایش فشارهای واشینگتن بر روی شرکایش برای تصویب قطعنامه جدید تحریمها علیه رژیم ایران محسوب می‌شد.

تلویزیون یورونیوز نیز گزارش داد: گفتگوها بر سر برنامه هسته‌یی رژیم ایران، همچنان در بن‌بست قرار دارند. خاویر سولانا، سرخورددگی خود را از دیدار با جلیلی ابراز کرد و گفت: «باید اذعان کنم که بعد از ۵ ساعت مذاکره، من انتظار بیشتری داشتم و لذا سرخورده هستم».

به گزارش خبرگزاری فرانسه در روز ۹آذر، جلیلی دبیر شورای عالی امنیت رژیم در پاسخ به سخنان سولانا که گفته بود مذاکاتمید و سرخورده‌ایم اعلام کرد که ما مسئول این وضعیت سولانا نیستیم.

تلویزیون الجزیره نیز در روز ۹آذر گزارش داد: موضع رژیم ایران، از زمان شروع گفتگو با تروئیکای اروپایی، هیچ تغییری نکرده است. رژیم ایران به‌هیچ عنوان نمی‌خواهد از برنامه هسته‌یی خود دست بکشد، کما این‌که نمی‌خواهد به بازدیدهای غافلگیرانه از سوی بازرسان بین‌المللی تن دهد.

الحره افزود: به عقیده ناظرین، کشورهای غربی در اوهام به‌سر می‌برند که فکر می‌کنند رژیم ایران، دست از برنامه هسته‌یی خود دست خواهد کشید و این چیزی است که جلیلی بر روی آن تأکید کرد و گفت که کشورش از غنی‌سازی اورانیوم دست نخواهد کشید اما به‌نظر می‌رسد که کشورهای غربی تمامی طرحهای ممکن در رابطه با برنامه هسته‌یی رژیم ایران را کهنه کرده‌اند و هیچ راهی در برابر کشورهای غربی جز اعمال مجازاتهای بیشتر علیه رژیم ایران باقی نمانده است.

گاردین: ایران، احتمالاً تا ۱۸ماه دیگر به‌بمب، دست خواهد یافت

روزنامه گاردین چاپ انگلستان طی مقاله‌یی با عنوان «ایران، احتمالاً تا ۱۸ماه دیگر به بمب، دست خواهد یافت»، به بررسی تلاشهای رژیم ایران برای دستیابی به بمب اتمی پرداخت. در این مقاله که توسط نورمن دومبی، پرفسور علوم نظری از دانشگاه ساسکس تهیه شده آمده است: یکسال پیش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گزارش کرد، رژیم ایران ۳۲۸دستگاه سانتریفوژ نصب کرده و قصد دارد در مجموع، ۲۹۵۰ سانتریفوژ نصب کند. من در ماه ژانویه این رژیم برای این‌که بتواند برای تولید سلاح آماده شده و از پیمان منع گسترش سلاح هسته‌یی و بازرسیهای آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز عقب بکشد، به زمان نیاز خواهد داشت. پس برآورد رئیس آژانس ـ محمدالبرادعی در ماه اکتبر که این کشور به سه تا هشت سال زمان برای موفقیتش نیاز خواهد داشت، معقول به‌نظر می‌رسد. اما او اکنون، بعد از آخرین گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، نمی‌تواند چنین برآوردی را ارائه دهد.

گاردین افزود: با وجود ۲۹۵۲سانتریفوژ در حال کار، رژیم ایران قادر خواهد بود دستکم هر ماه ۵۰کیلو اورانیوم غنی شده با درصد پایین تولید کند. از این رو، در هر سال ۷۰۰کیلو اورانیوم غنی شده با درصد پایین خواهد داشت، مگر این که سانتریفوژهایش متوقف شوند. تبدیل اورانیوم ۴درصد غنی شده به اورانیوم به‌شدت غنی شده، به هیچ‌وجه دشوارتر از تبدیل اورانیوم طبیعی به اورانیوم ۴درصد غنی شده نیست. تنها چند ماه زمان اضافه نیاز است تا بتوان ۷۰۰کیلوگرم از اورانیوم غنی شده در درصد پایین را به ۳۰کیلو اورانیوم غنی شده با درصد بالا تبدیل کرد. این میزان، برای تولید سلاح، کافی خواهد بود و هنگامی که بازرسان آن‌جا را ترک نمایند، طی مدت چند ماه می‌تواند یک سلاح ساخته شود(گاردین اول آذر۸۶).

پاسدار احمدی‌نژاد: تعلیق غنی‌سازی اورانیوم غیرقابل‌قبول است

پاسدار احمدی نژاد بار دیگر اعلام کرد: «تعلیق غنی‌سازی اورانیوم غیر قابل قبول است». وی در مصاحبه با روزنامه ژاپنی یومیوری افزود: «تعلیق امکانپذیر نیست و صدور قطعنامه هم موجب توقف فعالیتهای ایران نخواهد شد» (جمهوری اسلامی ۱۰آذر۸۶).

پاسدار جعفری سرکرده جنایتکار سپاه پاسداران:
گردانهای عاشورا برای مأموریتهای خاص داخلی سازماندهی شده‌اند

پاسدار جعفری، سرکرده جنایتکار سپاه پاسداران، در دیدار با مذوران بسیجی، با بهزبان آوردن عباراتی چون «تغییر و تحول در جامعه» و «تغییرات زیاد در دنیا» به انزوای فزاینده داخلی و بین‌المللی رژیم ولایت‌فقیه و سرعت بسیار تحولات اذعان کرد و با وحشتزدگی گفت:

«گردانهای عاشورا سازماندهی شدند برای مأموریتهای خاصی که خاص نیروی مقاومت بسیج هست، مأموریتهای داخلی، مأموریتهای امنیتی... به هرحال ما شرایط جامعه‌مان در حال تغییر و تحول است. به سرعت دارد خیلی چیزها تغییر می‌کند و به هر حال کسی نمی‌ایستد منتظر ما که ما باهاش همراه بشویم و هم دنیا دارد تغییرات زیادی توی ابعاد مختلف رو حیات مردم دارد تغییر می‌کند انتظارات مردم دارد تغییر می‌کند به هر حال این تغییرات بسیار سریع است و ما باید خودمان را حتماً تطبیق بدهیم با این تغییراتی که وجود دارد»(تلویزیون رژیم ۸آذر۸۶).

روز ۱۰آذر، رژیم آخوندی اعلام کرد از هفته آینده مرحله دیگری از طرح سرکوبگرانه موسوم به ارتقای امنیت اجتماعی را اجرا می‌کند. این مرحله نیز به‌بهانه آخوندساخته مبارزه با بدحجابی صورت می‌گیرد.

پاسدار احمدرضا رادان، سرکرده انتظامی رژیم در استان تهران دراین باره گفت: «از یکشنبه هفته آینده، برخورد جدی پلیس در مورد بدپوششی پاییزی و زمستانی آغاز می‌شود»(سایت آفتاب ۱۰آذر۸۶).

تظاهرات ۵۰۰تن از دانشجویان دانشکده کشاورزی دانشگاه همدان در اعتراض به‌اقدامات سرکوبگرانه رژیم

روز ۱۱آذر، بیش از ۵۰۰تن از دانشجویان دانشکده کشاورزی و مهندسی دانشگاه همدان در اعتراض به اقدامات سرکوبگرانه نیروهای حراست دانشگاه، تجمع کردند. دانشجویان تجمع‌کننده در حالی که سرود یار دبستانی می‌خواندند علیه سرکوب و اختناق در دانشگاهها شعار می‌دادند.

کنفرانس آناپلیس انزوای مطلق رژیم آخوندی
یک دیپلومات عرب: هدف واقعی آناپلیس بیرون کشیدن کارت فلسطین از دست رژیم ایران می‌باشد

کنفرانس صلح خاورمیانه در آناپولیس آمریکا و صدور بیانیه آن برای ایجاد یک کشور مستقل فلسطینی، توسط محافل سیاسی و مطبوعاتی تحولی مهم در روند صلح و گامی در راستای متزوی کردن هرچه بیشتر رژیم آخوندی و عوامل آن در منطقه ارزیابی شد.

نیکلاس برنز، معاون سیاسی وزیر امور خارجه آمریکا، در مصاحبه با شبکه جهانی تلویزیون بی.بی.سی از راه ندادن رژیم آخوندی به این کنفرانس دفاع کرد و گفت: رژیم ایران اعتقادی به صلح در خاورمیانه ندارد. این رژیم باید منزوی شود.

دیوید ماکوفسکی، مدیر پروژه صلح خاورمیانه در واشینگتن، تأکید کرد این کنفرانس برای مقابله با سیاستهای رژیم ایران بوده است. «اعضای این اجلاس از هرگونه حرکتی که مانع هژمونی‌طلبی ایران در منطقه گردد نگران هستند.

یک دیپلومات عرب گفت: «هدف واقعی آناپلیس بیرون کشیدن کارت فلسطین از دست رژیم ایران می‌باشد».

روزنامه کریستین ساینس مانیتور نوشت: «این گردهمایی ۲۴ساعته واقعه‌یی است که بی‌ربط با سیاستهای سلطه‌جویانه رژیم ایران در خاورمیانه نیست. جرج بوش با این کنفرانس در صدد مهارکردن رژیم ایران برآمد. حضور عربستان سعودی در این کنفرانس سیری برای مقابله با چالش رژیم ایران است.

علاوه بر این، برگزاری این کنفرانس از چند جنبه شکستی برای رژیم بود. از طرفی دولت سوریه که متحد اصلی رژیم است به‌رغم مخالفتهای رژیم در این کنفرانس شرکت کرد. در تحولی دیگر گروههای دست‌نشانده رژیم در منطقه مانند حماس، حزب‌الله، جهاد اسلامی و... دعوت رژیم برای برگزاری کنفرانسی همزمان در تهران را رد کردند و این کنفرانس برگزار نشد.

پس از پایان این کنفرانس، روزنامه نیویورک تایمز نوشت: اگرچه هدف کنفرانس تشکیل یک دولت مستقل فلسطینی بود، اما در پشت پرده، مقابله با تهدیدهای رژیم ایران مطرح بود. نگرانیهای عمیقی بر فضای آناپولیس در رابطه با رژیم ایران و سیاستهای سلطه‌جویانه آن سایه افکنده بود. رژیمی که دارای برنامه اتمی است و همراه با دست‌نشاندگانی در جنوب لبنان، عراق و سرزمینهای فلسطینی، باعث نگرانی کشورهای عربی شده است. در نتیجه کنفرانس آناپلیس، اجماع و ائتلافی از کشورهای منطقه، کشورهای عربی و غربی علیه رژیم ایران بود. به‌خصوص که سوریه هم به این جمع پیوست و رژیم کاملاً منزوی شد.

وحشت سردمداران رژیم از تحریم انتخابات نمایشی توسط مردم

براساس یک گزارش محرمانه از درون رژیم آخوندی، سردمداران رژیم از تحریم نمایش انتخابات آتی مجلس ارتجاع توسط مردم ایران به‌شدت ابراز وحشت می‌کنند. این نمایش قرار است در اسفندماه آینده برگزار شود.

در یک بولتن داخلی رژیم آمده است: مهم، حضور مردم در اماکن اخذ رأی است، حتی انداختن اوراق باطله یا سفید در صندوقها هم برای ما مهم است. چرا که هر چه حضور جمعیت کمتر باشد، به‌مثابه انزوای سیاسی نظام تلقی می‌شود. لذا بایستی به هر قیمت، شرکت در انتخابات را به‌عنوان نماد اصلی مشارکت سیاسی مردم و همراهی با نظام پیگیری نمود. در صورت عدم‌مشارکت و حضور آحاد ملت، این مسأله می‌تواند مثلاً آسیب رسیدن به امنیت ملی کشور باشد... در این بولتن داخلی دستورالعملهایی برای جلب مردم به‌پای صندوقهای رأی صادر شده است ازجمله:

ـ با توجه به مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم، تلاش شود در این زمینه، با دادن امتیازات مادی، نظر مساعد مردم نسبت به‌انتخابات جلب شود. با استفاده از تبلیغات گسترده، بر توجه افکار عمومی نسبت به این مسأله تأثیرگذاشت شود. به‌طور خاص، با توجه به ویژگی مناطق مرزی و محروم، تلاش شود با ارائه امتیازاتی، آنها را برای مشارکت در انتخابات تشویق نمود. هم‌چنین برای رد صلاحیت کاندیداها، توجیهات قانونی و مستند تنظیم شود تا مردم‌نسبت‌به‌انتخابات، کمتر دلسرد شوند.

در این دستورالعمل هم‌چنین آمده است: ضروری است کنترل رسانه‌های جمعی با حساسیت بیشتری اعمال شود. در قسمت دیگری از این دستورالعمل گفته شده است انبوری انتظامی باید برای برخورد با نارضایتیها و اعتراضات احتمالی، آمادگی داشته باشد».

مراسم بزرگداشت شیخ فائز لفته علیوی، در مزار مروارید در شهر اشرف برگزار شد

مراسم بزرگداشت شیخ فائز لفته علیوی، با حضور بیش از هزار تن از همسایگان شهر اشرف و شیوخ و شخصیتهای سیاسی و اجتماعی از استانهای مختلف عراق، در مزار مروارید در اشرف برگزار شد. خانم مریم رجوی، رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت ایران طی پیامی به‌این مراسم، تأکید کرد: «نام و یاد شیخ فائز لفته علیوی در شمار برجسته‌ترین میهن‌پرستان شهید عراقی و صدیقترین یاران مجاهدین و مقاومت ایران فراموش‌ناشدنی است.(متن کامل این پیام در شماره پیشین نشریه مجاهد درج شده است).

خانم صدیقه حسینی، مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران، در این مراسم سخنانی ایراد کرد. خانم حسینی گفت: درست است که شهادت این بزرگواران و به‌خصوص شیخ فائز برای ما و همه یاران آنها سنگین است، اما دشمن خدا و خلق، یعنی رژیم سفاک آخوندهای حاکم بر ایران باید بداند که این شهادتها عزم و پایداری و وحدت صفوف یاران این شهیدان را صد چندان خواهد کرد و تاریخ عراق، اسامی تک تک شهدای بزرگواری را که در سختترین و پیچیده‌ترین شرایط به وظیفه ملی و انسانی خود قیام کردند از یاد نخواهد برد.

پس از سخنرانی مسئول اول سازمان مجاهدین، آقای عباس داوری به‌ایراد سخنرانی پرداخت. وی در سخنانش گفت:

رژیم حاکم بر ایران و ایادی آن و مزدوران نیروی قدس در عراق، با تشکیل جوخه‌های مرگ، با به‌قتل رساندن هزاران نفر از مردم بی‌گناه عراق و ایجاد رعب و وحشت در بین مردم، سعی می‌کردند که به‌طور کامل حاکمیت و سلطه خود را به‌عراق تحمیل کنند.

اما این رژیم باید بداند که خون هزاران عراقی بیگناه ازجمله خون شیخ فائز که به‌دست عوامل رژیم آخوندی برزمین ریخته شد، هرگز هدر نخواهد رفت و سرانجام گریبان این رژیم ددمنش را خواهد گرفت.

پس از سخنان آقای داوری، نامه ام نوار، همسر شیخ شهید فائز لفته علیوی توسط فرزندش قرائت شد. ام نوار در نامه خود نوشته است:

شکر خداوند به‌خاطر این که شهید ما در راه خدا و وطنش جان خود را فدا کرد. از خواهران وبرادران مجاهد تشکر می‌کنیم که درکنار ما ایستادند و در کنار عشیره ما هستند و از خداوند می‌خواهیم که آنان را پیروز کند. خداوند یارشان کند. آنان متحد تمامی عراقیان شریف هستند. سلام و درود خداوند بر شما باد.

با خالصانه‌ترین آرزوها برای پیروزی همه خواهران و برادران مجاهد خلق

ام نوار

لیث علی کریم، از بستگان شهیدان عشیره العبیدی، سخنانی ایراد کرد و گفت:

یاد شهدای عشیره عبید را گرامی می‌داریم. آنها در مقابل تروریسم ایستادند و در نهایت شهید شدند.

برادران و خواهران عزیز

ما به همت این مردان بزرگ، جنایتکاران را از منطقه خودمان بیرون کردیم. این قهرمانان کاری کردند که ازگانهای رسمی نتوانستند بکنند. آنها به‌نمونه‌ها و الگوهایی برای پیشبرد مسئولیت در شرایط سخت تبدیل شدند.

ما متعهد می‌شویم که در مسیر این مبارزه، ادامه‌دهندگان راه آنان باشیم.

من به اسم عشیره غوالبه، از مجاهدین به‌خاطر برپایی این مراسم تشکر می‌کنم. این نشانی از انسانیت و خیرخواهی آنهاست.

آن‌گاه بیانیه شورای شیوخ دجمه توسط شیخ حمیر مزبان صبار، رئیس شورای شیوخ این منطقه قرائت شد. در این بیانیه آمده است:

جنایتکاران وابسته به رژیم ایران یکی دیگر از اهداف پلیدشان را در منطقه دجمه عملی ساختند. ما این عمل کثیف را قویاً محکوم و اعلام می‌کنیم: این جنایت ایمان ما را به اهدافمان برای مقابله و ایستادگی در برابر هرگونه دخالت رژیم ایران چندین برابر کرده است. ما دست رژیم آخوندی و ایادی آن را از عراق کوتاه خواهیم کرد.

در این مراسم محمد الموسوی، سخنگوی جبهه ملی عراق و شیخ آزاد داوودی، شیخ عشیره داوودی نیز طی سخنانی این جنایت وحشیانه را محکوم و تأکید کردند که چنین جنایاتی عزم مردم عراق را برای پایداری تا خلع ید کامل از رژیم آخوندی و ایادی آن هرچه محکمتر خواهد کرد.

اسامی پیام‌دهندگان به مراسم بزرگداشت شیخ شهید فائز لفته علیوی

شماری از سازمانهای غیردولتی، انجمنها و شوراهای شیوخ عشایرکه از نزدیک شاهد تلاش و مبارزه میهن‌پرستانه شیخ شهید فائز لفته علیوی بودند، با ارسال پیامهایی بر عزم مردم عراق برای ایستادن در برابر دخالتهای جنایتکارانه رژیم ایران تأکید کردند.

پیام‌دهندگان عبارت بودند از: جبهه گفتگوی ملی عراق، شورای شیوخ عشایر ملی عراق از منصوریه، عظیم، دیالی، اسفیط، دجمه، زرگانیه، مندلی، تحویله، گوتی، چیاله، خان بنی سعد، مهیب و نای. شورای رهبران عشایر و قبائل ملی عراق، شورای شیوخ عشایر کنعان، کانون ملی مستقل شیوخ عراق ـ ذیقار، انجمن دوستی و همبستگی کارمندان عراق با مردم ایران، انجمن اصناف آزاده و دموکرات عراق، انجمن ضد بنیادگرایی، اتحادیه کشاورزان خالص، انجمن جوانان آزاد، انجمن دوستی و همبستگی معلمین و مدرسین، انجمن روشنفکران و حقوقدانان مستقل در عراق، شورای ملی شیوخ عشایر عراق و تجمع عشایر مستقل ملی و دموکراتیک عراق.

قرائت نامه ام نوار، همسر شیخ شهید فائز لفته علیوی توسط فرزندش

جانشین فرماندهی نیروی چندملیتی در عراق و قائم‌مقام وزارت خارجه آمریکا بر ادامه فعالیتهای تروریستی رژیم در عراق تأکید کردند

جانشین فرمانده نیروهای چندملیتی در عراق: نمی‌توان کاهش عملیات را به تغییر رویکرد رژیم ایران در عراق و کاهش فعالیتهای آن نسبت داد چرا که کمکهای این رژیم به شبه‌نظامیان هم‌چنان ادامه دارد

ژنرال ریموند اودیرنو، جانشین فرماندهی نیروی چندملیتی در عراق، تصریح کرد که کمکهای تسلیحاتی رژیم ایران به شبه‌نظامیان عراقی هم‌چنان ادامه دارد. وی در مصاحبه باتلویزیون سی.ان.ان، تأکید کرد اگرچه در این ماه تعداد بمبهای کنارجاده‌یی درعراق کاهش یافته است اما ما هم‌چنان در حال کشف تعدادی مخفیگاه سلاح، راکت و خمپاره هستیم که از ایران وارد عراق می‌شود.

جانشین فرمانده نیروهای چندملیتی در عراق تصریح کرد نمی‌توان کاهش عملیات را به تغییر رویکرد رژیم ایران در عراق و کاهش فعالیتهای آن نسبت داد چرا که کمکهای این رژیم به شبه‌نظامیان هم‌چنان ادامه دارد. اودیرنو تأکید کرد تصمیمی برای آزاد کردن پاسداران دستگیر شده رژیم ایران در عراق وجود ندارد. وی گفت: تعدادی از پاسداران در زندانهای ما هستند که تعدادشان ۱۰یا ۱۵نفر است.

جان نگروپونته، قائم‌مقام وزارت خارجه آمریکا نیز طی یک کنفرانس مطبوعاتی در بغداد گفت اگرچه عملیات نظامی با تجهیزات مرگبار اخیراً کاهش یافته است اما نمی‌توان آن را ناشی از تصمیم رژیم ایران برای کاهش دخالت در عراق دانست. ما همین اواخر کسانی را دستگیر کرده‌ایم که در ایران آموزش دیده‌اند و این مسأله اوضاع را حساس می‌کند(تلویزیون سی.ان.ان و خبرگزاری فرانسه ۱۱آذر۸۶).

دکتر ندیم الجابری، دبیرکل حزب فضیلت عراق بازگشت حزب فضیلت به ائتلاف وابسته به رژیم ایران را تکذیب کرد و آن را خودکشی سیاسی نامید

سازمان مجاهدین خلق به‌صورت قانونی به عراق آمده و هیچ دخالتی در امور داخلی عراق از سوی آنها برای ما اثبات نشده است

دکتر ندیم الجابری، دبیرکل حزب فضیلت عراق طی مصاحبه‌یی که در شماره ۷آذر روزنامه عراقی الزمان منتشر شد، اخبار مربوط به احتمال بازگشت حزب فضیلت به ائتلاف وابسته به رژیم ایران را تکذیب کرد و بازگشت به آن را خودکشی سیاسی نامید. وی هم چنین نقطه‌نظرهای حزب فضیلت در مورد بحران سیاسی کنونی در عراق و نقش پارلمان و دولت این کشور را تشریح کرد. دکتر الجابری درباره خروج حزب فضیلت از فراکسیون پارلمانی ائتلاف وابسته به رژیم ایران و تلاش برای برپایی یک جبهه نجات ملی از احزاب ملی‌گرای عراق، گفت: «این شرف و افتخار ماست که این سیاست جدید را به اجرا در آوردیم. ما هنگام خروجمان از لیست ائتلاف گفتیم: این گام یک تاکتیک حاشیه‌یی نیست بلکه یک ضرورت ملی و شروعی برای تشکیل هم‌پیمانی سیاسی برمبنای تفاهمات ملی است... ما تلاش می‌کنیم با کسانی که طرف مذاکره ما هستند موانع موجود بر سر راه را برطرف نماییم و هدف، همانا تأسیس جبهه نجات ملی برای نجات عراق از بحرانهای موجود و تصحیح روند سیاسی است».

دکتر الجابری با تأکید بر مشروعیت فراخوان به انحلال پارلمان عراق و برپایی یک جبهه نجات ملی برای پاسخ به این بحرانها، گفت: «به‌طور خاص دعوت به انحلال پارلمان چیزی نیست جز تمایلات مشروعی که از عمق بحرانی که عراق درآن به‌سر می‌برد ناشی می‌شود... فراخوان به تعطیل پارلمان یک اعتراض ضمنی نسبت به عملکرد دولت هم هست. زیرا انحلال پارلمان طبق ماده ٦١ قانون اساسی به معنی برکناری دولت و به این معنی است که دولت به تعهداتی که در برنامه‌اش آمده عمل نکرده است».

دبیرکل حزب فضیلت عراق در مصاحبه با روزنامه عراقی الزمان همچنین بر ضرورت «تشکیل یک پارلمان جدید بر اساس انتخابات زودرس، تحت نظارت سازمان ملل متحد و جامعه عرب برای تضمین بی‌طرفی و سالم‌بودن آن» به‌عنوان راه‌حل انگشت گذاشت.

دکتر ندیم الجابری، در پاسخ به این سؤال الزمان که «موضعگیریها در مورد سازمان مجاهدین خلق بین مخالفان و موافقان سیاست [رژیم] ایران تقسیم شده و موضع حزب فضیلت را کجا قرار دهیم؟»، گفت: «ما بر اساس منافع ملی خودمان صحبت می‌کنیم، در نتیجه این مواضع به کسی غیر از خودمان ربطی ندارد و اثری از دخالتهای منطقه‌یی در شکل‌گیری این مواضع وجود ندارد. شاید طرفهای مشخصی با حکومت ایران رابطه داشته باشند که آنها را به‌سمت مواضع مشابه مواضع رژیم ایران در مورد سازمان مجاهدین خلق سوق می‌دهد. ولی ما معتقدیم که بر اساس منافع ملی‌مان، بایستی در نظر بگیریم که سازمان مجاهدین خلق به‌صورت قانونی به عراق آمده و هیچ دخالتی در امور داخلی عراق از سوی آنها برای ما اثبات نشده است».

آسوشیتدپرس: علت قتل جمعی خانواده یک روزنامه‌نگار عراقی مخالفتهای وی با رژیم ایران بوده است

خبرگزاری آسوشیتدپرس در روز ٥آذر اعلام کرد علت قتل جمعی خانواده یک روزنامه‌نگار عراقی بنام ضیاء الکواز، مخالفتهای وی با رژیم ایران بوده است.

به گفته این منبع ۱۱تن از اعضای خانواده این روزنامه‌نگار عراقی به‌ضرب گلوله کشته شدند. افراد نقابدار در مقابل چشم پلیس عراق و نیروهای امنیتی آن، این افراد را که اغلب آنان کودک بودند به‌قتل رساندند.

ضیاء الکواز در گفتگوی ویژه‌یی با تلویزیون العربیه، دولت عراق را متهم کرد که در قتل یازده نفر از خانواده‌اش به‌دست عناصر مسلح ناشناس در بغداد دست داشته است.

وی که رئیس هیأت تحریریه شبکه خبری اخبار عراق است فاش کرد سرلشکر عبدالکریم خلف، سخنگوی وزارت کشور عراق، با وی تلفنی تماس برقرار کرده و از او خواسته است در مورد کشته‌شدن ۱۱تن از اعضای خانواده خود در منطقه شعب بغداد که روز دوشنبه(٥آذر) به وقوع پیوسته است، صحبت نکند.

ضیاء الکواز گفت: این دولت را متهم می‌کنم که نمی‌تواند یک شهروند ساده را حفاظت کند.

سرلشکر عبدالکریم خلف مرا تهدید کرد و گفت: ساکت شو، صحبت نکن، خانواده‌ات در بغداد هستند و ما می‌توانیم تو را حتی اگر در اردن باشی بیاوریم.

تلویزیون الحره نیز در روز ٦آذر، گزارش داد: ضیاء الکواز گفت که چادر عزاداری بعد از این حادثه برپا شده است و هم‌چنین این عزاداری در منطقه معلمان در شهر کوت با حضور جمعیت بسیار زیادی از اهالی منطقه از جمله استاندار کوت و نماینده‌یی از پایگاه نیروهای آمریکایی در کوت برقرار می‌باشد.

روز دوشنبه، برادر ضیاء الکواز و همسر وی و ۷ کودک آنان در داخل منزلشان در اثر تهاجم یک گروه مسلح در منطقه شعب واقع در شمال شرقی بغداد، به‌قتل رسیدند.

یک تروریست رژیم که انواع سلاحها و مهمات، به‌ویژه بمبهای کنار جاده‌یی را وارد عراق می‌کرد دستگیر شد

نیروهای چندملیتی در عراق از دستگیری یکی از عوامل تروریست رژیم آخوندی که انواع سلاحها و مهمات، به‌ویژه بمبهای کنار جاده‌یی را وارد عراق می‌کرد، خبر دادند. عملیات دستگیری این فرد روز ۹آذر و در جریان عملیاتی در منطقه ناصریه صورت گرفت.

پایگاه اینترنتی نیروهای چندملیتی در عراق ضمن اعلام این خبر افزود: فرد دستگیر شده به ایران رفت‌وآمد می‌کرد و تسلیحات و مهمات را وارد عراق می‌نمود. این تسلیحات و مهمات شامل انواع موشک اندازها و تفنگهای تهاجمی می‌شد(سایت نیروهای چندملیتی ۱۰آذر۸٦).

اهالی بصره: هر کس با دخالتهای سازمان اطلاعات رژیم ایران در بصره مخالفت کند فردای آن روز توسط شبه‌نظامیان رژیم ایران ربوده وکشته می‌شود

روزنامه الزمان طی مقاله‌یی درباره وضعیت شهر بصره عراق نوشت: اهالی بصره می‌گویند، هر کس با دخالتهای سازمان اطلاعات رژیم ایران در بصره مخالفت کند فردای آن روز توسط شبه‌نظامیان رژیم ایران که بر اکثر ارگانهای دولتی در بصره تسلط دارند ربوده وکشته می‌شود.

آنها برای تصفیه هرکسی که برایشان مشکلی ایجاد کند و یا دلشان بخواهد، راهها و روشهای خود را دارند. شبه‌نظامیان رژیم ایران، اعراب بصره و شیوخ عشایر و روزنامه‌نگاران و هر آن‌کس که از رژیم ایران و شبه‌نظامیان آن انتقاد کند را تهدید کرده و به‌قتل می‌رسانند.

به‌جرأت می‌توان گفت که رژیم ایران با سوءاستفاده از مذهب، به مثابه کلیدی برای ورود به‌کشور ما استفاده می‌کند. بصره، عشایر و جریانهای ملی آن از تمام اقشار همراه با ناصریه و سماوه، خواستار بیداری و قیام علیه مزدوران رژیم ایران و ایجاد عراقی یکپارچه و دارای قانون و نهادهای دموکراتیک هستند(الزمان ۸آذر۸٦).

مقامات وزارت بهداشت عراق یک بیمارستان دولتی را به کشتارگاه سنیها تبدیل کردند

دکتر احمدی می‌گوید من بسیاری از پزشکان را دیده‌ام که صرفاً به‌خاطر این‌که سنی بوده‌اند هدف قرارگرفته و کشته شده‌اند

تلویزیون سی.بی.اس آمریکا روز ۱۱آذر۸٦، از برگزاری دادگاهی تحت نظر نیروهای ائتلاف، برای محاکمه وزیر بهداشت سابق کابینه نوری مالکی و معاون امنیتی او، به جرم هدایت جوخه‌های مرگ، و کشتار سنیها در بیمارستانهای این کشور، خبرداد.

سرهنگ مارک مارتینز، از مشاوران قضایی ارتش آمریکا در عراق، گفت: موارد زیادی از ضرب و شتم وحشیانه سنیها در زیرزمین وزارت بهداشت عراق وجود داشته و حکیم، فرمان قتل آنها را می‌داده است.

تلویزیون سی.بی.اس پس از توضیحات این فرمانده آمریکایی در عراق، به جنایاتی که در وزارت بهداشت این کشور صورت گرفته پرداخت. این گزارش می‌گوید: تمام بیماران این کلینیک، سنی هستند. آنها می‌گویند، بسیار وحشت دارند که به بیمارستانهایی که از سوی وزارت بهداشت اداره می‌شود بروند. زیرا آن بیمارستانها، مملو از جوخه‌های مرگ شیعی هستند. این ترس، به میزانی است که حتی پزشکان سنی، می‌خواهند که هویتشان فاش نشود.

دکتر احمدی می‌گوید من بسیاری از پزشکان را دیده‌ام که صرفاً به‌خاطر این‌که سنی بوده‌اند هدف قرارگرفته و کشته شده‌اند. از این رو، من از بیمارستان استعفا دادم و به این‌جا آمدم.

گزارشگر سی.بی.اس سپس به تحت تعقیب قرارگرفتن دو مقام ارشد دولت نوری مالکی اشاره نمود و گفت:

در جریان یک تعقیب غیرقابل انتظار، دو مقام ارشد وزارت بهداشت که هر دو شیعه بودند، متهم شده‌اند که از بیمارستانها برای آدمربایی و کشتار سیستماتیک صدها سنی، استفاده کرده‌اند.

آنها متهم هستند که بیمارستانها را به «کشتارگاه» تبدیل نموده‌اند.

گزارشگر سی.بی.اس آمریکا در مصاحبه با روزنامه عراقی الزمان همچنین بر ضرورت «تشکیل یک پارلمان جدید بر اساس انتخابات زودرس، تحت نظارت سازمان ملل متحد و جامعه عرب برای تضمین بی‌طرفی و سالم‌بودن آن» به‌عنوان راه‌حل انگشت گذاشت.

دکتر ندیم الجابری، در پاسخ به این سؤال الزمان که «موضعگیریها در مورد سازمان مجاهدین خلق بین مخالفان و موافقان سیاست [رژیم] ایران تقسیم شده و موضع حزب فضیلت را کجا قرار دهیم؟»، گفت: «ما بر اساس منافع ملی خودمان صحبت می‌کنیم، در نتیجه این مواضع به کسی غیر از خودمان ربطی ندارد و اثری از دخالتهای منطقه‌یی در شکل‌گیری این مواضع وجود ندارد. شاید طرفهای مشخصی با حکومت ایران رابطه داشته باشند که آنها را به‌سمت مواضع مشابه مواضع رژیم ایران در مورد سازمان مجاهدین خلق سوق می‌دهد. ولی ما معتقدیم که بر اساس منافع ملی‌مان، بایستی در نظر بگیریم که سازمان مجاهدین خلق به‌صورت قانونی به عراق آمده و هیچ دخالتی در امور داخلی عراق از سوی آنها برای ما اثبات نشده است».

رضا هفت برادران

سحرگاه شنبه پانزدهم آذر ماه سال ۱۳۸۲، پدر خلیل‌الله رضایی، درغربت تبعید به دیار رفیق اعلا شتافت و مجاهدین و خانواده بزرگ مقاومت را در فراق خود داغدار کرد و داغ ننگ ابدی برپیشانی رژیم منفور خمینی گذاشت. چرا که از بیش ۸۴ سال زندگی پردرد و داغ و حرمان و فدای همه چیزش در راه آزادی ایران، در جلای وطن به سربرد و چشم به راه آزادی ایران به‌دست فرزندان مجاهدش بود. خلیل‌الله رضایی با پذیرفتن مرگ در تبعید، بعد از عمری مبارزه بی‌امان با دو دیکتاتوری شاه و شیخ خود نمادی از صبر و استواری و پایداری شد.

پدر خلیل‌الله رضایی در سال ۱۲۹۹ در محلات دیده به‌جهان گشود و در جوانی بعداز این‌که پدرش را از دست داد، راهی تهران شد و در بازار تهران به هواداری از مصدق معروف شد. بعداز کودتای ضدملی۲۸ مرداد علیه پیشوای نهضت ضداستعماری مردم ایران، حاج خلیل از پای ننشست و راهش را در کنار پدر طالقانی ادامه داد. او از فعالان جنبش دموکراتیک ضدیدیکتاتوری سلطنتی و از مؤسسین کانون فعالیت برای آزادی زندانیان سیاسی بود، و در همین مسیر آزادیخواهی، از چهره‌های شناخته شده و خوشنام در مبارزه علیه دیکتاتوری شاه شد.

حرمت نام رضایی‌ها با انقلاب ضدسلطنتی آن‌چنان عجین شده بود، که به محض سقوط دیکتاتوری شاه، مردم نام شهدای والاقدر رضایی‌ها را به‌صورت خود جوش بر خیابانها، میدانها، و بیمارستانهای شهر خود گذاشتند.

آخر نام رضایی‌ها در همان مقطع انقلاب ضدسلطنتی چند نسل مبارزه را تداعی می‌کرد.

پدر خلیل‌الله رضایی تا زمان انقلاب، شهیدان سرفرازی هم‌چون احمد، رضا و مهدی را تقدیم خلق کرده بود، که هر یک، بار یکی از سخت‌ترین سرفصلها از تاریخ سازمان مجاهدین خلق ایران را به دوش کشیده بودند.

احمد رضایی، اولین شهید پر افتخار سازمان مجاهدین خلق ایران نماد "نه گفتن مطلق به دشمن" است ، چراکه حتی سلام و بدنش را هم نگذاشت سالم به‌دست دشمن بیفتد. پدر رضایی که احمد قهرمان او را آقاجون صدا می‌زد خبر شهادت احمد را در حالی شنید که خود در قزلقلعه دربند بود. با فرار رضا رضایی، ساواک شاه متوجه نقش تعیین‌کننده این خانواده در بین خانواده‌های مجاهدین می‌شود، حاج خلیل را دستگیر می‌کنند و ۹ماه در شکنجه‌گاههای کمیته مشترک ساواک، در سلول انفرادی، شدیدترین فشارها را بر او اعمال می‌کنند.

سومین دستگیری پدر رضایی بعد از دستگیری مهدی قهرمان است، مهدی با فریفتن ساواک شاه، برای برپایی یک دادگاه علنی، حماسه دیگری برای انقلاب میهن می‌آفریند و گل سرخ انقلاب ایران لقب می‌گیرد. آقاجون یک ماه با مهدی هم سلول می‌شود روزی او را سوگند می‌دهد که زخم هایش را نشان دهد، و با دیدن زخمهای مهدی می‌گرید و می‌گوید تا ابد به تو افتخار می‌کنم. پدر رضایی هرگاه که خاطراتش از زمان هم سلول بودن با مهدی را تعریف می‌کرد، قطره‌ای به‌یاد لحظه دیدن شکنجه‌های مهدی می‌افتاد، بی‌اختیار می‌گریست.

مهدی هشت‌ماه بعداز شهادت احمد، حماسه دیگری را فدا خلق می‌کند. اما برای حاج خلیل این هنوز پایان راه نیست، و شهادت رضا و صدیقه نیز در راه است، اما او ازپای نمی‌نشیند.

بعد از سقوط دیکتاتوری شاه، آخوندها در برابر نام رضایی‌ها احساس حقارت می‌کردند، چرا که این نام برای مردم تداعی‌کننده فدای حداکثر در راه آزادی مردم بود، و آخوندها که فاقد این کارنامه بودند و با مغفوری می‌خواستند خودشان را صاحبان انقلاب جابزنند، سعی کردند به پدر رضایی نزدیک شوند، اما وقتی

یادیار صبور و استوار

درچهارمین سالگرد درگذشت پدر رضاییهای شهید

حضور رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت بر سر مزار پدر رضاییهای شهید در اولین سالگرد درگذشت او

قرار می‌گرفت، و کار به بمب‌اندازی کشید تا اینکه سرانجام همراه با ستاد مجاهدین خانه‌اش را هم مصادره کردند.

پدر رضایی بعد از یورش وحشیانه و معلولوار آدمکشان خمینی، ناگزیر جلای وطن کرد، اما این سردی غربت از شور مبارزه او نکاست. با برپایی جلسات در آمریکا و اروپا دمی از افشای ماهیت دژخیمان عمامه او ازتقلبات گسترده در انتخابات به منظور حذف کاندیداهای مجاهدین پرده برداشت، فهمیدند او سر سازش ندارد، از این پس هر توطئه‌یی علیه مجاهدین در خانه او را هم می‌کوبد.

اما حاج خلیل در کنار فرزندان مجاهدش سه سال دوره صبر و پایداری را با سرفرازی طی می‌کند در این مدت خانه او دائم مورد حمله و هجوم چماقداران خمینی بسر از پای ننشست. و حتی زمانی که خبر شهادت سردار موسی خیابانی و دخترش مجاهد شهید آذر رضایی را در کنار اشرف شهیدان در حماسه ۱۹ بهمن عاشوراى مجاهدین شنید، بر عزیزش افزوده شد و اجازه نداد غم غربت و سوز جگر شهادت فرزند گرد پاس بر او بپاشد.

در انقلاب ایدئولوژیک درونی مجاهدین خلیل الله رضایی این مبارز آزاده به مجاهد معبود رجوی نوشت: این کار شما یک اقدام قهرمانانه است، و با تجدید پیمان با رهبری مجاهدین خواستارپذیرش مسئولیت بیشتر در کنار فرزندانش شد، و به فاصله کوتاهی بعد از آن دو شهید دیگر از خانواده‌اش مهین رضایی و علی زرکش، نه تنها پرده دیگری از صبر و برباری و بزرگواری او را به نمایش گذاشت، بلکه عشق یکران او را به مسعود و مریم جلوه‌گر کرد.

در ۲۳اردیبهشت سال۸۲ در نامه‌یی نوشت: «مسعود و مریم عزیزم، ازشهریور ۲۰ تا امروز دلم فقط به این خوش است که شما هستید و نگذاشتید که پرچم مصدق بر زمین بماند، و راهش را ادامه دادید.

در چند سطر بعد اضافه کرد: «مسعود عزیزم می‌دانم من و شما دوباره همدیگر را نخواهیم دید، می‌دانم چقدر برای راحتی من زحمت کشیدید، و چقدر نگران حال من هستید، نگران من نباشید، من با وجدان پاک با خدایم روبه‌رو خواهم شد».

و سرانجام حاج خلیل رضایی شامگاه ۱۵ آذرماه ۱۳۸۲، با وجدان پاک به دیدار معبودش شتافت در حالی‌که صفی طولانی از فرزندان شهیدش در مقطوت اعلا به‌خاطر سرفرازی او در آزمایش صبر و بردباری و پایداریش در شدیدترین مصائب، به رویش لبخند می‌زدند و انبوهی از یارانش در شورای ملی مقاومت و فرزندان مجاهدش در فقدان او اشک می‌ریختند و با یادآوری استواریش در سهمگینترین ضربات و به‌خاطر روی گشاده‌اش در استقبال ازخطرات، و با الهام از عشق یکرانش به مسعود و مریم با او تجدید پیمان کردند●

پدر رضایی، همه مجاهدین را دوست داشت و همه را «فرزندم» خطاب می‌کرد، و به راستی پدر همه مجاهدین بود، و دلسوزانه در هر سرفصلی راه را به فرزندانش نشان می‌داد. در سالهای پایانی عمر به‌رغم بیماری و وضع وخیم جسمی‌اش که حتی قادر به راه رفتن نبود بسختی و با تکیه بر عصایش، در همه تجمعات اعتراضی ایرانیان حاضرمی‌شد. و با تمام وجود از راه و آرمان مجاهدین دفاع می‌کرد.

و بعداز قریب به ۷ دهه مبارزه فعال و دیدن خوشه‌چینان انقلاب پیش از هر کس قدر راه و آرمان مجاهدین، این گوهر بی‌بدیل و این گنجینه گرانمایه مردم ایران در راه آزادی را می‌فهمید. چرا که همه چیزش را در این راه داده بود و خوب می‌دانست این تنها راهی است که به آرزوی دیرینه‌اش یعنی آزادی ایران و شادکامی مردم ایران می‌انجامد، از همین رو در ۲۳ اردیبهشت ۸۲، وقتی شنید تظاهراتی در اعتراض به برچسب ننگین تروریستی به مجاهدین، در بروکسل برپا می‌شود به‌رغم حال وخیمش و به رغم منع پزشکان خودش را به این تظاهرات رساند و بعد طی نامه‌یی برای رهبری انقلاب علت این کارش را اینطور توضیح داد: «پای شرف و حیثیت ایران و ایرانی یعنی پای حیثیت مجاهدین یعنی پای شما درمیان بود. شما حیثیت و شرف ایران و ایرانی هستید».

به‌یاد دکتر غلامحسین ساعدی نمایشنامه نویس و قصه نویس و یار وفادار و صمیمی مقاومت انقلابی میهن

روزهای آغازین آذرماه یادآور سالگرد درگذشت دکتر غلامحسین ساعدی است. ساعدی به عنوان یک هنرمند و روشنفکر متعهد، از جمله کسانی بود که از همان آغاز با رژیم خمینی به مبارزه برخاست و در نوشته‌ها، مقاله‌ها و سخنرانیهایش همواره بر طبنت ضدفرهنگی و ضدایرانی آن پای فشرد. دکتر ساعدی عمیقاً معتقد بود که:«شرف کفتار و رژیم خمینی در این است که او به مردخواری قناعت می‌کند ولی این یک نه‌تنها به تناول زنده‌ها و مرده‌ها مشغول است که نفس زندگی را می‌خواهد نابود کند. شرف و حیثیت فرهنگ انسانی را می‌خواهد به خاک بسپارد. اما شأن و ارزش دکتر ساعدی تنها در نفی تمام‌عیار رژیم خمینی نبود. او به تمام کسانی که با این رژیم فرهنگ‌کش ارتجاعی به نبرد برخاسته‌اند از صمیم دل عشق می‌ورزید و با وجود بسیاری فشارها و تهمتها، مقاومت انقلابی میهنمان را می‌ستود و از آن حمایت می‌کرد. مسئول شورای ملی مقاومت، مسعود رجوی، در پیام تسلیتش به‌مناسبت درگذشت دکتر ساعدی گفته است:«شادروان دکتر ساعدی به‌عنوان یک نویسنده و هنرمند مبارز و متعهد، به‌رغم تمامی فشارهایی که از جوانب مختلف برای موضعگیری علیه مقاومت انقلابی بر او وارد می‌آمد، در حمایت از این مقاومت پا برجا بود. پس به‌راستی او از هنرمندان و نویسندگانی بود که به قول خودش "سلاح آنها همان کارشان است و درجرگه رزمندگان دیگر قرار می‌گیرند" ». از دکتر ساعدی که در تمام عمر خود با دو دیکتاتوری شاه و شیخ مبارزه کرد آثار و نوشته‌های ارزشمندی باقی مانده است

به‌مناسبت سالگرد درگذشت این نویسنده مترقی و مردمی مقاله‌یی از کاظم مصطفوی که در چهاردهمین سال درگذشت او نوشته شده، نقل می‌کنیم:

دکتر ساعدی و تمثیل هدهد روزبین

خبر را همان روز شنیدم. کوتاه و نکان‌دهنده بود و مثل خیلی از مرگها دوست نداشتم باورش کنم. دکتر ساعدی هم رفت. و امروز، بعداز ۱۴سال، وقتی به دوم‌آذر نزدیک می‌شویم باز هم همان احساسی را دارم که در آن شنبه سرد ۲آذر۶۴ داشتم. طی این سالیان هروقت فرصتی می‌کردم چندساعتی را از جایی می‌زدم و به پرلاشز می‌رفتم و به فاتحه‌یی مهمانش می‌کردم. بعد از این و آن می‌گریختم تا با او خلوتی داشته باشم. گاهی قدم‌زنان بر سنگریزه‌ها و گاه چندقیقه‌یی نشسته بر سنگ گوری. درست در یکی از همین لحظات صدایش را می‌شنیدم: «وقت داری بیایی این‌جا؟» هیچوقت نمی‌توانستم دربرابر این سؤال مقاومت کنم. همیشه می‌دویدم. همیشه برایم یک پیشکسوت قابل احترام بود. نمایشنامه و قصه‌نویسی که برجسته‌ترین وجه ممیزهاش مرزبندی خدشه‌ناپذیر با شاه و شیخ و اعتقاد راسخ به مبارزه مسلحانه بود. در سالهای سیاه حاکمیت ستم‌شاهی نه‌تنها از قصه‌ها و نمایشنامه‌هایش می‌آموختم، که قبل از آن، از غیرتش در مبارزه، از صداقت و پشتکارش و از جدیت و ضدابتذال بودنش آموزش می‌گرفتم. یک‌سال آخر عمرش هم که از نزدیک با او درتماس بودم، همین چیزها را بیشتر و بارتر در او یافتم. در برخورد با دکتر آدم بلافاصله متوجه می‌شد که با یک «نویسنده» طرف است و نه یک بسازبفروش که قلم و کاغذ را نردبان نام و تجارت خود کرده است و چه دره هولناکی این دوموجود همنام و اغلب مشتبه‌ساز، را از یکدیگر جدا می‌کند. این یکی، در این‌سو، بر قله‌یی تکیه زده و با وجود همه رنجها و تنهاییها، گردنفراز و هشیار، کارخود را می‌کند و دیگری، آن‌سو، چونکه می‌اندازد که شعر و قصه و نوشته‌اش را در کدام حساب واریز کند که نام و تجارت روزش بهتر بگیرد. خودش استاد تمثیل بود و می‌گفت مثل نویسنده، مثل آن طرلان افسانه‌یی اسطوره‌های آذربایجان است که با چشمی تیزبین در تهچاه تنهایی خود می‌نشیند و شکارش بلندترین پرندگان آسمان است و او مصداق کامل طرلان هومولاتیهایش بود. نه‌تنها در زمان شاه که در زمان خمینی و به‌ویژه در دوران تبعید و سالهای غربت. وقتی پای صحبتش می‌نشستی این را بهتر می‌فهمیدی. به‌خصوص آن ساعتهایی که «کوک»بود و زبان باز می‌کرد و از خاطراتش می‌گفت: «یک‌بار ساواک دستگیرم کرده بود. یک روز سربازی که شلاقم می‌زد دلش برایم سوخت و یواشکی بیخ گوشم گفت: «چکار کرده‌ای که دستگیرت کرده‌اند؟» کتابهای صمد بهرنگی را خواندم‌ای؟ دکتر ساعدی را؟» من هم جواب دادم جرمم این است که کتابهای دکتر ساعدی را نوشته‌ام» و باردیگر از نفنگ به‌دست گرفتنش در ۲۲بهمن۵۷ می‌گفت که در نیروهایی در چندخیابان رگبار زده است ...«یک روز از نقش حزب توده و اکثریت در همدستی با ارتجاع شکوه می‌کرد و با افسوس می‌گفت: «حاصل آن‌همه رنج و خون را توده‌یها و توده‌یهای بزک‌کرده به باد دادند». و روز بعد از وادادگی و بزدلی برخی همکارانش می‌نالید که چگونه در برابر خمینی سپر انداخته‌اند. اما در تمام خاطراتی که تعریف می‌کرد یک خط مشترک و رشته ناگسستنی دیده می‌شد. «نباید تسلیم شد، باید جنگید». دکتر در انتخابش تردید نداشت. او تا آخر روی همین انتخاب ایستاد و حالا ما می‌توانیم با افتخار بگوییم ساعدی نویسنده‌یی بود که با مرزبندی قاطع با آخوندها و اعتقاد کامل به‌مبارزه مسلحانه علیه آنان و سرنگونی تام و تمام زمیرشان آخرین نفسش را در غربت کشید. به‌نظر من شاهکار زندگی او هم همین بود. او فشار و سختی را نه‌تنها از دشمن، که تکلیفش مشخص است، تحمل کرد که بسیاری طعنه‌ها و تهمتها و حتی کارشکنیها و ساتسوها را از طرف مدعیان دوستی و همکاری به‌جان خرید. بامیولهای ناجوانمردانه‌یی که در مورد آخرین نمایشنامه‌اش، که

قرار بود روی صحنه برود و به‌خاطر همین کارشکنیها نرفت، یکی از آنهاست. «این دفعه دیگر تا آخر ایستاده‌ام و یک کلمه‌اش را عوض نمی‌کنم. بله، من ضدنخبگی هستم. در نمایشنامه‌ام شعار صلح دادم‌ام. حالا می‌گویند یا این را عوض کن! چون به نفع مجاهدین است. خوب بشود. برای این‌که به‌نفع مجاهدین نشود من بیایم جنگ آخوندها را تأیید کنم؟ خوب شما هم شعار صلح بدهید. تا به‌نفع شما بشود. دکتر از خاطرات و زندگیش برایم بسیار می‌گفت. اما اگر همه آنها را در یک کفه بگذارم، رنجهای دوسه‌سال آخر عمرش

مزار دکتر غلامحسین ساعدی- پاریس(پرلاشز) آذر۱۳۸۶

به مناسبت سالگرد فقدان نویسنده بزرگ ایران دکترغلامحسین ساعدی، هیأتی از سوی شورای ملی مقاومت ایران متشکل از خانم مهناز سلیمان، دبیرارشد شورا، خانم ناهید همت آبادی هنرمند عضو شورا، آقای ابوالقاسم رضایی، معاون دبیرخانه و دکترعبدالعلی معصومی نویسنده و ناپدیدان عضو شورای ملی مقاومت برسر مزار ساعدی حاضرشدند و دسته گلهایی ازسوی رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت و شورا نثار مزارش کردند.

آشپزخانه گم‌وگور شد. نوکی زدم که: «مهمان دعوت می‌کنی و بعد خودت می‌گذاری می‌روی؟» می‌دانستم چقدر روی این مسأله حساس است. ترفندم گرفت. بیرون آمد و بی‌اختیار زد زیرگریه. نشست روی زمین و زانوهایم را گرفت. «مقاله‌رو خونده‌ای؟» «خوب؟» «دیدی چی نوشته؟» نمی‌توانست ادامه بدهد. اشک می‌ریخت و با پنجه‌های بی‌جانش زانوهایم را فشار می‌داد. بدجایی گیر کرده بودم. چاره‌یی نداشتم. با اخم و تخم، برای اولین‌بار، سرش داد کشیدم: «چخبرته؟ خوب بهجنم که گفته. پدار بدتر از اون بگی». برخلاف انتظارم آرام شد. اما من دیگر ترمز برانده بودم: «حالا تو بابد خودتو به کشتن بدی که اینو نگفت و اون اینو؟ اصلایی‌خود کردی اونو خوندی مگه دکتر قدغن نکرده؟ چرا خوندی؟» سرش را مثل یکنیچه روی زانوهایم گذاشت. زانوهایم از اشک خیس شد. بعد که سر بلند کرد گفت: «می‌دونی؟ من از چیزهایی که درباره خودم نوشته بود ناراحت نشدم. از اونایی که برای مسعود نوشته دلم گرفت». این‌بار من بودم که نمی‌توانستم جلو اشکهایم را بگیرم ؟ او ادامه داد: «بدار یکل چیزی رو رک بگم. من نه بدخدا معتقدم، نه دین دارم، نه به ازدواج و این‌جور چیزها معتقدم. اما زوره میاد کسی که خودش... (مورد‌ش را گفت که فعلا از نوشتش می‌گذرم) بیاد به مجاهدین درس اخلاق بده». دربرابر این‌همه بزرگواری دکتر بعراستی نمی‌دانستم چه بگویم. یادم آمد که مسعود چقدر سفارش سلامتی او را می‌کرد. یادم آمد چند بار دکتر صالح(رجوی) را فرستاد برای معاینه او و دکتر صالح چقدر پیگیر وضعیت بیماری او بود. دندان بر جگر فشردم و پرسیدم: «حالا می‌خوای مثل ترفه ازجا بپرید؟ من؟ جوابشو بدم؟ نخیر! من از اوناش نیستم». بعد از یکی‌دو دقیقه‌یی سکوت دوباره ازجا پرید: «تو هم حق نداری چیزی بنویسی‌ها!» گفتم: «نه‌بابا کی حوصله دارم» و دکتر ادامه داد: «این نکته این مقاله‌رو بدی مسعود بخونه! اون‌طفلی نشسته اونجا هزارتا کار داره، این‌جور چیزهارو اگه بخونه حواسش پرت میشه. بازهم دکتر از من جلو افتاده بود. می‌خواستم دست و صورتش را غرق بوسه کنم. تا خواستم چیزی بگویم بلند شد رفت از میان کتابهایش یک‌نسخه نشریه «سانسورشیپ» را درآورد و برگشت. شماره‌یی بود که در آن مصاحبه‌یی از خودش چاپ شده بود. نگاهی به عکس خودش کرد و گفت: «من دارم دوتا چشمم‌رو از دست میدم، یواش‌یواش دارم کور میشم. مهم نیست. رودکی و هومر هم کور بودند، ولی یکی‌دیگه باید چشم داشته باشه. مردم ایران باید چشم داشته باشند». بعد روی نشریه با خطی خوش نوشت: «به‌نور چشم مردم ایران، مسعود رجوی» امضا کرد و داد دستم. وقتی آن را به‌مسعود رساندم، او یک‌دست چشمانی و یک‌قلم نفیس داد و سفارش کرد به‌دکتر برسانم. از مسعود شمعدانی چیدم‌یکی برایم بفرستد».

گفت برو از خود دکتر بپرس. هدیه را که به‌دکتر می‌دادم قضیه را بهش گفتم و سؤالم را تکرار کردم. سرخ سرخ شد. با نجابت نگاهم کرد و گفت: «مسعود میگه این شمعها رو روشن کن و با این قلم هرچه می‌تونی بنویس». چندی نگذشت که با خوشحالی زنگ زد و صدایم کرد. وقتی رفتم خودش آورده قصه نوشته داده توی القبا چاپ کم. توی قصه‌اش زیرآب مبارزه مسلحانه و مجاهدین را زده. باو گفتم‌ام برو این قصه را عوض کن من آن را چاپ نمی‌کنم. سرخود رفته قصه‌رو داده به چاپخانه. حالا که القبا درآومده، یک‌نفر از هندوستان برام نامه نوشته که دست درد نکنه! این بود رسمش؟ حالا من جوابشو چی بدم؟». بعد طوری خجالت می‌کشید که انگار من نامه را نوشتم. از نگاهم فرار می‌کرد و می‌رفت چندقدقیقه‌یی در آشپزخانه خودش را گم‌وگور می‌کرد. به‌شدت نگران سلامتیش بودم. اما بدیش، یا خوبیش، این بود که نمی‌شد گولش زد. گاه مجبور می‌شدم به او بگویم: «لولشان کن بابا! سلامتی خودت از همه مهمتره». ولی او خودش دکتر بود و بهتراز هرکس می‌دانست که کار از کار گذشته و رفتنی است. با وجود این می‌گفت «یک‌نفر باید خانه را تمیز کند». و خودش چقدر به این دل‌بسته بود. یک‌بار قبل از تظاهرات ۱۹بهمن۶۳ گفت «اگ عشق شما جوونا نبود تا حالا صدتا کفن پوسونده بودم». و چندروز بعد با وجود بیماری شدید، خودش را به تظاهرکنندگان رساند و با آنها راهپیمایی کرد. این حرکت جسورانه برایش سخت گران تمام شد.

۱۶ آذر روز دانشجو

روزی که دانشگاه سنگر آزادی شد

شریعت رضوی، بزرگ‌نیا، قندچی، شهدای فراموشی ناپذیر ۱۶ آذر

در را به‌روبم بازکرد. شنگول و سرحال بود. گفت چندروز دیگه قراره آقابزرگ (بزرگ علوی) بیاد این‌جا بیشم. پیرمرد خوبی است و بچه‌هارو خیلی دوست داره. می‌خواستم وقتی اومد ورش‌دارم بیارمش اور مسعودرو ببینیم. نشستیم درباره آینده صحبت کردیم. قرار بود روزی که آقابزرگ برسد. دکتر زنگ بزند و قرار نهایی را بگذاریم. آن روز رسید و از دکتر خبری نشد. تا شب صبر کردم و وقتی باز هم تلفن نکرد زنگ زدم. اخمو گرفته و تلخ بود. پرسیدم: «آقابزرگ نیومده؟». گفت: «جراء. گفتم پس‌چرا به‌من خبر ندادی؟ چیزی نگفت و من فهمیدم اتفاقی افتاده است. رفتم پیشش. نمی‌خواست حرف بزند. دقیقه‌به‌دقیقه گم‌وگور می‌شد و سیگار پشت‌سیگار روشن می‌کرد. بالاخره بزبان آمد: «گفتم که، آقابزرگ ساده است. امروز روشنفکرجماعت از کجا می‌خورد. وقتی پای شعار صلح در یک نمایشنامه در میان باشد، آنتن حضرات آن‌قدر تیز است که قرقی را توی آسمان می‌زنند. اما وقتی پای سفر به‌ایران و بزک کردن چهره رفسنجانی و پراکندن توهم مدراسیون آخوندها در میان باشد صدا از کسی درنمی‌آید. دکتر هم خوب خوب این قضیه را فهمیده بود. چوب همین را هم می‌خورد. برای همین هم آنطور ناجوانمردانه ریخته بودند سرش. از حالا بگذریم که بعد از مرگش عزیز شده است. آن‌روزها چه کسانی بودند که دکتر را آنطور به توتاب می‌انداختند و منشنجش می‌کردند؟ خود دکتر مثل امثال خودش را طرلان افسانه‌یی اسطوره‌های آذربایجان می‌دانست. من سالها بعد تمثیلی از شیخ شهاب‌الدین سهروردی خواندم که با یک تفاوت بیشتر به امثال دکتر می‌خورد. از شیخ سهروردی نقل شده هدهدی، که به تیزبینی معروف است، درمیان بومهایی، که به کوری در روز شهره‌اند، می‌افتد. هدهد شب را درمیان آنها به‌سر می‌کند و روز، وقتی که خورشید می‌دمد، عزم پرواز می‌کند. بومها برسرش می‌ریزند که این بدعت است و در این تاریکی که چشم چشم را نمی‌بیند کجا می‌خواهی بروی؟ اصرار هدهد روزبین باعث می‌شود که بومها با منقار و چنگال به‌جانش بیفتند. «دشنام می‌دادند و می‌گفتند که ای روزبین! زیرا که روز کوری نزد ایشان هنر بود. در این واقعه از این روزکورهای مصلحتی زیاد هستند. اما دکتر ما، یعنی دکتر مقاومت، دکتر مبارزه مسلحانه، دکتر مرزدار با شیخ و شاه این‌طور نبود. او نه‌تنها چشمها که تمامی جانش را در این راه گذاشت؛ و هیچ گاه، تا نفس آخر، خورشیدی را که دیده بود، انکار نکرد●

۵۴سال پیش در روز ۱۶آذر ۱۳۳۲، سه تن از پیشگامان جنبش دانشجویی آن‌زمان، شهدان: شریعت‌رضوی، قندچی و بزرگ‌نیا، توسط عمال حکومت کودتا در صحن دانشگاه تهران به‌رگبار بسته شدند و به‌شهادت رسیدند.و از آن به بعد، به‌حق روز ۱۶آذر «روز دانشجو» نام گرفت.

از آن پس۱۶آذر و آن سه‌شهید گرانقدر همواره برجسته و گرامی داشته می‌شوند و چنین بود که در سالها بعد، بسیاری از دانشجویان مبارز و آگاه، به‌مبارزه علیه دیکتاتوری سلطنتی دست زدند، و از این‌طریق راه خود را باز کرده و به‌صفوف سازمانهای انقلابی معتقد به مبارزه مسلحانه پیوستند.

برجسته‌ترین چهره‌ها و رهبران جنبش انقلابی مسلحانه در برابر دیکتاتوری شاه از دانشگاه برخاستند و در سیاهترین سالهای اختناق و سلطه ساواک، این دانشگاه بود که شعله‌های مقاومت و ایستادگی در آن برافروخته بود؛ شعله‌هایی که هر سال در روز ۱۶آذر در تظاهرات دانشجویی در دانشگاه‌های مختلف ایران زبانه می‌کشید.

از سالهای۵۵ به‌بعد نیز، وقتی که جوانه‌های جنبش مردم سربرآورد، دانشگاه جان‌پناه همه آزادیخواهان و هواداران نیروهای انقلابی بود و دانشجویان آن زمان، نگهبانان آن بودند.

اما، نقش دانشگاه به‌عنوان «سنگر آزادی» بیش از هرزمان دیگر پس‌از انقلاب ضدسلطنتی برجسته شد. چرا که دانشگاه پرتپش‌ترین کانون، جای اجتماع و تشکیل هسته‌های دانشجویانی بود که با تأثیرپذیری از نیروهای انقلابی و به‌ویژه مجاهدین، علیه جبهه ارتجاع فعال شده بودند.

به‌یاد داریم که از فردای سقوط نظام سلطنتی، از یک‌سو دانشگاه و دانشجویان هدف تاخت‌وتاز و قلم‌وقمع چماق‌به‌دستان ارتجاع قرار گرفتند و ازسوی دیگر بیشترین اجتماعات، مراسم سخنرانی و کانونهای فعالیت و تبلیغ سازمانهای انقلابی و در رأس همه مجاهدین، در دانشگاهها بود. بی‌جهت نبود که آخوندها، دانشگاهها را ستاد مجاهدین توصیف می‌کردند. مبتنیگهای تاریخی مجاهدین در دانشگاه تهران و سخنرانیهای آتشین مسعود به‌مثابه نمایشنامه «نسل انقلاب»، روزبه‌روز بر وحشت و هراس رژیم می‌افزود. چنان‌که خمینی سرانجام برگزاری جلسات و کلاسهای ایدئولوژیک «تبیین جهان» را تاب نیاورد. در این جلسات که توسط مسعود رجوی برگزار می‌شد، بیش‌از ده‌هزار نفر به‌طور مستقیم شرکت می‌کردند.

آخوندها از هنگام تکیه زدن بر اریکه قدرت، دانشگاه را خاری در چشم خود می‌دیدند که باید از آن خلاصی می‌یافتند. هم ازاین‌رو بود که،پس‌از تحکیم پایه‌های حکومت استبدادی و قدرت سرکوبگری، زمینه را برای «پاکسازی» دانشگاه فراهم کردند و در اردیبهشت سال۵۹ با یورش وحشیانه همین باشبد که همه دردهای ایران از دانشگاه شروع شده است. دانشگاه تلخیهایی داشت که به این زودیها رفع نمی‌شود... دانشگاهی که تمام گرفتاریهای ما منشأش در آن بوده، با همین فرمانها و فتواهای ضدبشری بود که رژیم آخوندی، طی ۲۵سالی که از بازگشایی دانشگاهها می‌گذرد، همه توان و نیروی خود را برای سرکوب و محدود کردن دانشگاهها به‌کار گرفت و در این راه در چارچوب «استبداد زیرپرده دین» به‌روشهای بیسابقه‌یی دست یازید که تاکنون هیچ حکومت استبدادی نخواسته یا نتوانسته به‌آنها متوسل شود. ازجمله اعدام و شکنجه هزاران تن از دانشجویان و استادان دانشگاهها و اختصاص رسمی نزدیک به نیمی از سهمیهٔ دانشگاه به مزدوران بسیجی راه به‌جایی نبرد و تلاش رژیم برای به‌ثمر رساندن شعار مسخره «وحدت روحانی و دانشجو» و «حوزه و دانشگاه» به‌شکست انجامید.

پس از آن نیز ترفندهای ولی فقیه یکشبه رژیم، خامه‌ای برای ماسالمی کردن دانشگاهها با شکست روبه‌روشد، فریاد و خروش دانشجویان، ترفند اصلاحات خاتمی شباد را نقش بر آب کرد و فریاد مرگ بر دیکتاتور دانشجویان قهرمان پلی‌تکنیک و سایر دانشگاهها، پاسدار هزارتیر را که در مقابلش تصاعدی منحوس واژگونه‌اش را به آتش کشیدند، مجبور به فرار از این ساحت و سنگر مقدس آزادی کرد.

اینک دانشجویان سراسر میهن با تظاهرات و اعتراضهای مستمر خود، قهرمانیها و فداکاریهای نسلهای پیش از خود از شهیدان ۱۶ آذر ۳۲ تا دانشجویان قهرمانی که در مقابل فاشیسم مذهبی حاکم ایستادند و صد صد به گلوله بسته شدند را گرامی می‌دارند و راه آنها را تا پیروزی نهایی مردم ایران همراه با قهرمانان آزادی مردم در شهر اشرف ادامه می دهند●

شکنجه و آمال «خلیفه خمینی»(۲)

ما خلیفه می‌خواهیم که دست ببرد و حد بزند و رجم کند - خمینی

کاظم مصطفوی

به نمونه دیگری توجه کنیم. در سلسله جلساتی که تحت نام «دادگاههای مردم ایران» در سال۱۳۷۹ تشکیل شد، تعدادی از شاهدان شکنجه در زندانهای رژیم آخوندی مشاهدات خود را بیان کردند. در دومین جلسه شاهدی به نام «ز» از لندن گفت: «یکی ازکسانی که می‌توانم نام ببرم شهید محمد کریمی بود. او به‌شدت در بند۲۰۹ مورد شکنجه قرار گرفته بود و وقتی او را به‌اتاق ما آوردند از درد شدید کمر در عذاب بود. وقتی از او پرسیدم چند تا کابل خوردی، گفت یک بارش تا حدود ۴۰۰ شمردم ولی فکر می‌کنم بیشترین تعداد، حدود ۱۰۰۰ کابل بود. یک‌بار بعد از این که او را به‌شدت شکنجه کرده بودند تصمیم گرفتند دوباره او را برای شکنجه به‌زیر زمین ببرند از آن‌جا که نمی‌توانست راه برود در حالی که به‌دستانش دست بند زده بودند او را روی پله‌ها طی دادند که در نتیجه کمرش به‌شدت آسیب دید. ولی با این حال او را روی تخت شکنجه بردند. محمد کریمی خود از کشتی‌گیران معروف بود، می‌گفت زمانی که در زیر زمین۲۰۹ به‌اتاق چند نفر دیگر به‌شکل قپانی آویزان شده بود، شاهد مردن یک نفر در زیر ضربات مشت پاسداران بودهاست که به‌خاطر این که می‌خواسته به‌توالت برود و فریاد می‌زده، او را مورد ضرب و شتم قرار داده‌بودند. محمد کریمی در سال۶۷ به‌شهادت رسید»(مجاهد۵۳۹ـ۲۳اسفند۷۹)

همین شاهد در قسمت دیگر از مشاهدات خود از نورالدین عظیمی یاد می‌کند و می‌گوید: «در سال۶۳ وقتی او را به‌اتاق ما آوردند دو تا از انگشتهای پایش در اثر ضربات کابل افتاده بود و انگشت کوچکش هم در حین ورزش از پایش کنده شده. درحالی که من می‌خواستم انگشتش را فشار بدهم تا شاید جلو خونریزی را بگیرم، او گفت فکر می‌کنم اگر آن را بکشیم راحتتر باشد تا این که بخواهیم برای بهداری و مالیخولیا تقاضا بدهیم»(همان منبع)

شاهد دیگر به نام «س.ن» از هامبورگ در هشتمین و نهمین جلسه همین دادگاهها می‌گوید: «عبدالحمید صفاییان به‌مدت ۳۰ساعت کابل خورده بود و تقریباً هیچ انگشتی درپاهایش باقی نمانده بود. پاهای او تا زانو داغان و بدون گوشت بود. او فقط به‌خاطر سوزاندن «قرآن» کابل خورده بود و به‌همین خاطر به ۱۸سال محکوم و سپس در سال۶۷ در قتل‌عام زندانیان جاودانه شد»(مجاهد ۵۵۲، ۱۵خرداد۱۳۸۰).

اما، همان‌طور که اشاره شد، ما در آن‌چنان پرهیبی از تاریخ نفس می‌کشیم که صرف بررسی تاریخی شکنجه، گرچه چندانی از کاری فروبسته باز نمی‌کند. حتی گم شدن در پیچ و خم نمونه‌های تاریخی، و کنکاش در اشتراکات و تشابهات آنها، چه‌بسا از تیزی نگاهمان برروی مجرم بالفعل و شکنجه‌گر حی و حاضر بکاهد و او را به‌در برد. برای شناخت مجرم اصلی و حاضر، بایستی هرچه بیشتر روی او و اعمال و رفتارش متمرکز شد.به‌طور مشخص جنایاتش را برشمرد و ریشه‌یابی کرد. یعنی باید دید رژیم خمینی و سردمداران آن از روزی که به‌حاکمیت رسیدند. با مردم ایران، زندانیان سیاسی، و به‌طور خاص با اسیران مجاهد خلق در زندانهای خود چه کردند؟ در این صورت خواهیم دید که بحث در باره شکنجه تنها افشاگر برگهایی از برخوردهای ضدبشری یک جناح افراطی آخوندها با مجاهدین و سایر مخالفان سیاسی خود نمی‌باشد. فراتر از آن اثبات می‌کند که شکنجه در ذات این رژیم ضدتاریخی است و همه جناحها و افرادی که خود به‌منگ حاکمیت خمینی آلوده و یا جزیی از آن بوده‌اند خود به همان میزان دستی خونین و رویی سیاه در برابر مردم ایران و بشریت معاصر دارند. ننگی که نقطه پایانش بایستی در فردای آزادی، در کمیسیونهای حقیقت‌یاب و دادگاههای جنایت علیه بشریت و با محاکمه تمامی آمران و عاملان شکنجه طی سالهای حاکمیت خود گذاشته شود.

×××

مسعود رجوی در مصاحبه‌ی در ۲۵آذر۵۹، پیرامون هیأتی که رژیم به دنبال افشاگریهای مجاهدین برای بررسی «شایعه شکنجه» ! درست کرده بود، برحقانیتی درباره شکنجه در حاکمیت نوپای خمینی و شعبده‌های آخوندها انگشت گذاشته که حالا، بعد از بیست و اندی سال، وقتی مطالبش را می‌خوانیم از روشن‌بینی نهفته در آنها غنگ‌زده می‌شویم. گویی که گوینده آن حرفها در دیروز ما، در دهه‌ی امروز ما را بیان کرده است. موضوع «مصاحبه ظاهراً به شکنجه در زندانهای خمینی مربوط می‌شد که در آن ایام تبدیل به‌یک معضل اجتماعی بر سر مبدا شده بود. مسعود در آن مصاحبه گفت: «در آغاز، عده‌ای قرباننی شکنجه و استبداد در ظلمت عوامفریبی مرتجعین محو می‌شد، اما مگر می‌توان حقیقت را برای همیشه پنهان داشت؟ این خیال خامی است که تمامی شکنجه‌گران و خودکامگان را به دلخوشند ... اکنون بنقطه‌یی رسیده‌ایم که با عوامفریبی نمی‌توان واقعیت شکنجه را انکار کرد». مسعود رجوی با اشاره به موج رو به گسترش و « روند اجتناب‌ناپذیر «ایجاد سینتمها و شیوه‌های کلاسیک سرکوب» در حاکمیت آخوندی افزود: « اما مأساًفانه اولین بهار سیری نشده بود که نغمه‌های شوم خودکامگی با شیوه‌های خاص خود آغاز گشت. راه افتادن چماقداران از یک سو و «خانه‌های امن» از سوی دیگر، تشکیل «خانه‌های امن» اوین گام جدی و سیستماتیک در جهت تکرار صحنه‌های شوم شکنجه بود»

به این ترتیب روشن می‌شود که این قصه پردرد و رنج سر درازی داشت. سری که از فردای حاکمیت خمینی شروع شد، تا امروز ادامه یافته و تا لحظه سرنگونی نام و تمام این رژیم منفور ضدانسانی ادامه خواهد یافت. واقعیت دردناکی که خیر از زخمی عفونی می‌دهد. وقتی مسعود درباره «قربانیان شکنجه و استبداد» حرف می‌زد و آن را به «ظلمت عوام‌فریبی مرتجعین» ربط می‌داد هنوز دو سال از پیروزی انقلاب نگذشته بود. هنوز جای داغ و درفش شکنجه‌گران سواک‌ی بر روی بدنهای مجروح مجاهدان و مبارزان التیام نیافته بود. اما نودولتان تازه به‌دوران رسیده از همان آغاز، سمبتی از خود نشان دادند که هراسانی را منحیر می‌کرد. هیچ کس باور نمی‌کرد آخوندها، که تا آن زمان شهره به‌رذایل اخلاقی، و رسوای تن‌پروری و مفتخوری بودند، در دزنده‌خویی نیز این چنین رو ضدساله را یکشبه بپیمایند. اما شد. چندی بعد شکنجه‌ی مبدان آمد. با دوندگی تمام پردهها را کنار زد و صراحتاً به شکنجه‌گرانش دستور داد تا بیرند و داغ کنند و گفت:«بکشید و بزنید، حبس کنید» به این ترتیب نام پلید خمینی و عوان و انصار شقاوت‌پیشه‌اش بر جریده تاریخ مهیهن و بشریت دردمند و گریزان از تحقیر و آزار انسان، برای همیشه به‌ثبت رسید. خمینی و تخم و ترکه سفاکش نه تنها برای شکنجه‌گران سواک‌ی که برای تمام قصابان اردوگاههای مرگ فاشیستی آبروی جانانه خریدند.

هرچند این زخم عفونی شده از همان روز اول حاکمیت آخوندها به‌وجود آمد، اما شاید در همان زمان، بودند افرادی که با شکنجه‌ها را نفی می‌کردند و یا خود خمینی را از آن چه در زندانهایش رخ می‌داد، جدا می‌پنداشتند. مثلاًوقتی یکی از گرازهای وحشی دست پرورده خمینی به‌نام آخوند خزعلی از این شهر به آن شهر می‌رفت و فرمان کشتار مجاهدین را می‌داد چه کسی باور می‌کرد که اگر آن چیزی که او می‌گفت مو به مو عمل نشده دقیقاً به دلیل ناتوانی رژیم بوده است. والاّ تا آن‌جا که به آنها برمی‌گردد از هیچ کوششی دریغ نکردند تا همه مجاهدین را در یک به یک، سر ببرند. خزعلی در اول خرداد۶۹ در مشهد عربده می‌کشید و نیش و دندان به‌مجاهدین نشان می‌داد که: «... ما تشنه به خون اینها هستیم باید شاهرگهای اینها را بیندیم ولی چون خونشان کثیف است باید بریزیم دور. کوبیدن اینها مهمترین کار است...» و یا «اینها اگر در سوراخ موش باشند، بیرونشان می‌کشیم و آنها را می‌کشیم!» (سخنرانی خزعلی در مسجد بناها در مشهد ۳۱اردیبهشت۵۹) و سیزده روز بعد در سخنرانی دیگری تهدید می‌کرد: «اگر یک روزی درگیری باشد اینها را از بین خواهیم برد و آنها را به خلیج فارس یا بحر خزر خواهیم ریخت». در آن زمان خیلیها باورشان نمی‌شد که در تهدید این سفاک خونریز اغراقی وجود ندارد و رژیم خمینی تا آن جا که از دستش برآید بدتر از این با مجاهدین خواهد کرد. مگر این که از دستشان برنیاید که آن هم حساب دیگری است. اما آخوندهای وحشی هنوز ۷ـ۸سالی نگذشته چنان افسار گسیخته و شقی عمل می‌کنند که شوری آش، صدای جانشین عزلش‌شده خمینی را هم در می‌آورد که: «آیا می‌دانید در زندانهای جمهوری اسلامی‌به نام اسلام جنایاتی شده که هرگز نظیر آن در رژیم منحوس شاه نشده است؟». کما این که یکبار چاقوکش لمپنی به‌نام ابوالقاسم سرحدی‌زاده که به بعد از انقلاب کرسی ریاست اداره زندانها را قاپیده بود و بعدها به وزارت(کار) هم رسید گفت «مجاهدین اصالتی ندارند. اینها کسانی هستند که با همه نمودهای انقلاب مخالفت کردند... ما باید ۱۰تا گورستان درست کنیم وهمه آنها را دفن کرده...» به نقل از اطلاعات باید با عنوان سیاه مبارزه کرد. حالا مراحل نرم است.» (روزنامه انقلاب اسلامی ـ ۸آذر۵۹). وقتی سرحدی‌زاده از ضرورت «خشونت سیاه» با مجاهدین می‌گفت کمتر کسی بود که حرف او را جدی بگیرد. حداکثر این که پندانشته می‌شد طرف، تازه به‌دوران رسیده‌یی است که می‌خواهد تلافی عقده‌های چرکین خودش در زندانهای شاه را برسر مجاهدین درآورد. اگر چه این برداشت پر بیراهه نبود اما واقعیت بسا سیاهتر از آن بود. این دار و دسته سفاک و خونریز، نه ۶گورستان که ۶۰گورستان را در سراسر ایران از مجاهدین پر ساختند. و چند سال بعد لاجوردی در خرداد۷۶ در یک کنفرانس مطبوعاتی اعتراف کرد که به خاطر کثرت تعداد زندانان، کتابخانه‌ها، مساجد و باشگاههای فرهنگی را نیز به زندان تبدیل کرده است. و پاسدار قداره‌بندی که خواهر مجاهد خودش را شخصاً شکنجه کرده و به قتل رسانده با صراحت اعلام می‌کند: «در زندانهای کشور چند هزار سلول انفرادی وجود دارد ... مقام رهبری هم وجود این سلولها را رد نکرده و فقط گفته بیش از اندازه نباشد»(پاسدار نقدی، تلویزیون رژیم، ۸مرداد۷۷)

برخورد رژیم با شکنجه:

بساط زندان و شکنجه از نخستین روز حاکمیت آخوندها راه افتاد. نه تنها راه افتاد که به سرعت گسترش و سازمان یافت و اشکال ویژه‌ی بعد از دوران انقلابش را پیدا کرد. کمیته‌های به اصطلاح انقلاب در هرگوشه و کنار تبدیل به یک زندان شده و هریک تعدادی لات و لومپن را گردآورده بودند. آنها مستقیماً و بدون هیچ مجوزی به دستگیری و شکنجه و حتی اعدام مردم و عناصر سیاسی اقدام می‌کردند. سر و صدافهای اعتراضی بسیاری پیرامون این وضع به پا شد وبسیاری از نیروهای مترقی و مبارز علیه برخوردهای ارتجاعی و ضد انقلابی کمیته‌ها اعتراض کردند. اما هیچ یک از این اعتراضها به جای ترسید و شخص خمینی با تمام قوا به تأیید اراذل و اوباشی پرداخت که به صورت مسلح در خیابانها رفت و آمد می‌کردند و با کارت پاسدار و کمیته هرجایتی (اعم از سیاسی یا غیر سیاسی) را مرتکب می‌شدند.

در ابتدا ارگانهای مختلف موازی به قدری زیاد بود که حاکمیت را بیشتر به یک حکومت خانخاتی خودمختار شبیه کرده بودند. هرآخوندی برای خودش دستمزی راه انداخته بود و در برخی موارد کار به درگیری مسلحانه بین خودشان هم کشیده می‌شد. اما نکته قابل توجه این بود که همپای انواع تعدیها و اجحافات اجتماعی سرکوب سیاسی گسترش یافت و نهایتاً منجر به افزایش شدید زندانیان سیاسی و زندانهای کشور شد. به طوری که در فاصله پیروزی انقلاب (بهمن۵۷) تا پایان دوران مبارزه سیاسی(خرداد۶۰) تعداد زندانیان مجاهد در زندانهای جمهوری اسلامی بیشتر از تعداد زندانیان مجاهد در زمان شاه گردید.

این روند طی سالهای بعد گسترشی غیرقابل باور داشت. به طوری که با نیز به آماری که روزنامه مشارکت منتشر کرده است: «تعداد زندانیان کشور که در سال۱۳۵۹ برابر ۲۲۴۰۰نفر بود، در سال۱۳۷۶ به حدود ۱۵۶۶۰۰نفر یعنی ۷برابر رسیده است ... سالانه حدود ۶۰۰هزار نفر از مردم پایشان به زندان کشیده می‌شود»(روزنامه مشارکت ۲۷دی۱۳۷۸) در این زمینه آکبر گنجان دهنده دیگری در دست است که درنگ لحظیی در آن تا اندازه‌یی وضعیت را مشخص می‌کند. هرچند آمار مربوط به زندانیان سیاسی نیست اما تا حدودی می‌توان وضعیت آنها را نیز سنجید. در یک همایش فرمایشی که از طرف قوه قضاییه رژیم در سال۸۵ به نام «همایش سیر تحول حقوق زندانیان از مشروطه تا امروز» برگزار شد سخنرانان گفتند: «ایران پیش از انقلاب ۹هزار و ۹۹۴ زندانی داشته است اما این تعداد در سال ۱۳۶۰ به ۳۳هزار رسیده است» یک آسیب‌شناس اجتماعی در همین همایش گفته است: «ایران در سال۶۷ از ۸۰ هزار و ۷۲۶ زندانی نگهداری می‌کرد که یک سال پس از آن این تعداد به ۶۶هزار نفر کاهش یافت» و خلاصه این که «در فهرست جهانی تعداد زندانیان، سکوی پنجم به ایران رسیده است، کشوری که با ظرفیت ۵۰ تا ۶۰هزار زندانی از حدود سه برابر ظرفیت نگهداری می‌کند» (روزنامه اعتماد ملی ـ ۱۶آبان۱۳۸۵) در هرحال روند قضایای شکنجه و گسترش زندانها طوری بود که به اعتراف رئیس سازمان زندانها تعداد زندانیان بعد از انقلاب ده برابر شده است. علی اکبر یساقی در اسفند۸۴ اعلام کرد: «پس از انقلاب سال۵۷ جمعیت ایران دو برابر شده اما شمار زندانیان در این کشور به ده برابر رسیده است».

هنوز یکی دو سالی از پیروزی انقلاب نگذشته بود که حاکمان جدید در دزدگی و بیرحمی و شقاوت نسبت به مخالفان خود مرزهایی فراتر از اسلاف خود را درنوردیدند. نه تنها خود مخالفان که حتی خانواده‌های آنان نیز تأمین نداشتند و بارها و بارها مادران دستگیرشدگان را به‌صورتی غیر انسانی بازداشت کرده و به زندان انداختند. از جمله در آذر ماه۵۹ تعداد زیادی از این مادران بعد از تحمل شکنجه‌های بسیار آزاد شدند. شرح آن چه لاجوردی و کجویی بر سر آنها آورده بودند در نشریه مجاهد آن زمان درج شده است. جالب این که از همان زمان دار و دسته شکنجه‌گران خمینی همان اتهاماتی را به مادران پیر می‌زنند که سالهای بعد همواره توسط رژیم به زندانیان سیاسی مطرح شد.

یکی از مادران در دیدار با سردار موسی خیابانی می‌گوید: «بازجوی من پسر جوانی بود. می‌گفت: تو بگو ببینم از شوروی پول گرفته‌ای؟ از کی پول گرفته‌اید؟ از کی پول گرفته‌اید؟ شماها جاسوس هستید. گفتم تو یک چیزی بگو که به قول خودت من پیر زن هم باور کنم. تو می‌گویی جاسوس شوروی هستیم. جاسوس آمریکا هستیم. ستون پنجم هم هستیم. از عراق هم که پول می‌گیریم. ما آخر از چند نفر پول می‌گیریم؟ یک چیزی بگو که اقلاً ما خودمان هم باور کنیم که از یکی پول می‌گیریم!» (مجاهد شماره۱۰۲، صفحه۱۴)

سر و صدایی که در اعتراض به شکنجه‌های وحشیانه بلند شده بود به جایی رسید که خمینی مجبور شد «هیأت بررسی شایعه شکنجه» به راه بیندازد و وانمود کند که گویی خودش از آن چه که در زندانها می‌گذرد خبر ندارد. با نامگذاری هیأت از همان ابتدای کار عافیت «بررسی» مشخص بود. شکنجه» «شایعه» است. هم این از روز کار هیأت با فضاحت بیشتر پایان یافت. همان طور که پیش بینی می‌شد با یک گزارش منکر تمام شکنجه‌های رایج شدند و باز این خود خمینی بود که به توجیه پرداخت و صراحتاً دستور داد مسأله را لاپوشانی کنند. شاید در این مورد ذکر نمونه زیر بی‌مناسبت نباشد

فردی به نام محمد جعفری که مدیر روزنامه «انقلاب اسلامی» بوده است در سال ۶۰ دستگیر می‌شود. بعد از آزادی خاطرات خود را می‌نویسد. این فرد در جلد اول کتاب خاطرات خود (صفحه۲۹۹) نوشته است: «هنگامی که خود من بازداشت شدم و شکنجه افراد مختلف و انواع آن را مشاهده کردم و حتی افرادی را دیدم که هیأت بررسی شکنجه و شخص آقای محمد منتظری در زندان با آنها صحبت کرده و آثار شکنجه‌یی را که هنوز در بدن آنها وجود داشت، خود دیده بود. با خود گفتم : خدایا این چه روزگاری است و چطور ممکن است که شخصی در یک چنین مصاحبه‌یی به دروغ بگوید: "در زندانها شکنجه وجود ندارد" و بعد هم ادعای دیانت و اسلامیت بکند!... در زندان افرادی که قبلاً شکنجه شده بودند برایم تعریف کردند که وقتی آقای محمد منتظری به زندان آمد و وضع ما را دید به گریه افتاد و گفت: "مطمئن باشید که ما به این مسأله رسیدگی می‌کنیم". وقتی مصاحبه او از تلویزیون پخش شد و گفت شکنجه‌یی وجود نداشته است هم ترس و هم بهت و حیرت ما را فرا گرفت ... من همیشه به دنبال این کار بودم تا این که یک روز در زندان قزلحصار از محمد منتظر(یکی از فرماندهان وقت سپاه) پرسیدم: راستی تو که با محمد منتظری همیشه حشر و نشر داشتی، چه حادثه‌یی اتفاق افتاد و چطور شد که محمد حاضر شد مصاحبه کند و مسأله شکنجه را که تو خود این جا شاهد آن هستی و خودت هم مزه آن را چشیده‌ای تکذیب کند؟ محمد منتظر پاسخ داد: "مدتها بود که به دنبال محمد بودند ولی وی حاضر نشد که بیاید و مصاحبه کند تا سرانجام آقای خمینی به او پیغام داد که برود جماران و وی را ملاقات کند. روزی که محمد پیش آقای خمینی رفت من هم با او بودم. آقای خمینی به محمد گفت: "برو و در تلویزیون اعلام کن که مسأله شکنجه شایعه‌یی بیش نبوده است" آقای محمد منتظری گفت:"آقا شکنجه وجود دارد و من خودم افرادی را که شکنجه شده‌اند دیده‌ام" آقای خمینی گفت: "فعلاً اعلام کن که شکنجه وجود ندارد و این یک شایعه است حالا ما گرفتار ضد انقلابیون هستیم و انقلاب و اسلام در خطر است بعد کار درست می‌شود و وقتی حربه از دست ضدانقلاب افتاد و اسلام قدرت پیدا کرد جلو شکنجه نیز گرفته خواهد شد" و بدین ترتیب آقای خمینی محمد را وادار کرد که بیاید و بگوید شکنجه نیست»

بدین ترتیب با توجیه ضدانسانی خمینی مسأله شکنجه پایمال شد. این پایمال شدن نقطه توقف شکنجه و شکنجه‌گران نبود. هرچه به مقاومت زندانیان افزوده می‌شد بر شدت شکنجه‌ها نیز افزوده می‌شد. هرچه مقاومت و اعتراض گسترش می‌یافت شکنجه‌گران چاره‌یی جز افزودن بر شدت بیرحمیها و قساوتهایشان نداشتند.

در این سالها لاجوردی بی‌گمان چهره‌یی بی‌همتا از سر درّخیمی که در کینه‌وزری نسبت به مخالفان حکومت جمهوری اسلامی و به ویژه مجاهدین هیچ حد و مرزی برای خود قائل نبود. و کسی که خامه‌ای او را «پیشانی منور انقلاب» نامید (رادیو ـ تلویزیون رژیم۳شهریور۷۷) و روزنامه‌اش از او به عنوان: «پیشانی حمله علیه منافقین» و «کسی که در این راه "سنگ تمام گذاشت" و لاجرم "حق حیات به گردن همه دارد"» (روزنامه جمهوری اسلامی۵شهریور۷۷) یاد کرد.

نکته مهم این است که توجه کنیم معنا و مفهوم شکنجه دیگر محدود به یک ایذا و تعذیب جسمانی نبود که هدفش گرفتن اطلاعات باشد. شکنجه وسیله‌یی است برای سرکوب، علیه آزادیها. سلاحی است که شکنجه‌گر و آمر شکنجه از طریق کار خود نفس مخالفان را می‌برد و جوّ ترس و رعبی به وجود می‌آورد که دیگر کسی جرأت نطق‌کشیدن نداشته باشد. و آثار این نوع برخورد بسیار عمیقتر و دردناکتر است از آثار شکنجه به عنوان یک آزار بدنی و فیزیکی. شکنجه‌گر در واقع با بالابردن شلاق به آزادی یک ملت اعلان جنگ می‌دهد.

نوشته‌اند که در زمان رضا خان اگر یک زندانی در زندان صحبت از مشروطیت یا قانون اساسی می‌کرد سرهنگ فیروزمند (رئیس جلاد و بیرحم زندان رضا خان که در کنار سرپاس مختاری کار می‌کرد) بعد از ۲۰۰ـ۳۰۰ضربه شلاق می‌گفت: «شلاق، قانون اساسی است و فلک، مشروطیت!» حالا لاجوردی به عنوان یکی از نزدیکترین افراد به خمینی که با تمام غیظ ضدانسانی و ظرفیت غیر قابل تصور حیوانی خود شلاق می‌زد و اعدام می‌کرد در برابر زندانیانی قرار می‌گیرد که ایدئولوژیکمان آنها را مهدورالدم می‌داند. فرق سرهنگ فیروزمند و لاجوردی در این است که اگر زندانی از او ملاقات نمی‌خواست یا حرفی از مشروطه نمی‌زد شلاق هم نمی‌خورد. اما در برابر لاجوردی نه تنها به سکوت زندانی رضایت نمی‌دهد که می‌خواهد از زندانی یک توّاب به معنای واقعی بسازد. معنای واقعی تواب هم در فرهنگ لاجوردی تعریف شده است: «هر کس توبه کرده و راست می‌گوید باید به جوخه بروم و ثابت کند» (صفحه ۱۱۵ کتاب قهرمانان در زنجیر) و یا «همه باید تواب شوند، وگرنه حکم همه طبق گفته امام اعدام است» و یا این دیدگاه است که وقتی پدر یک مجاهد را دستگیر می‌کند، کارد دست پدر اسیر می‌دهد و می‌گوید: «چون پسر تو مجاهد است و الان اینجا پیش ما نیست، به جای پسرت باید چشم این یکی را در بیاوری تا ما باورکنیم که تو مجاهد نیستی»(صفحه۱۰۶ کتاب قهرمانان در زنجیر) و لومپن ـ شکنجه‌گر دیگری به نام حاج داوود رحمانی در عربده‌کشهایش در زندان قزلحصار بارها گفته بود: «خوب گوش کنید! این جا زندان جمهوری اسلامی است. پول مفت نداریم بدهیم منافق تربیت کنیم. به خدا قسم جسدهایتان را هم قیمه قیمه می‌کنیم. هیچ کس اینجا زنده خارج نمی‌شود مگر حزب اللهی شده باشد»(صفحه ۲۷۳ قهرمانان در زنجیر).

در برابر چنین وضعیتی انکار و تکذیب مطلقاً فایده ندارد. زیرا سردمداران قضیه به خوبی می‌دانند و می‌دانستند که شکنجه رابطه مستقیمی با بود و نبود نظام دارد. و برای حفظ نظام نیاز به شکنجه‌گرانی هست که هیچ مرزی را برای اعمال خواسته‌های آخوندها نشناسد. بنابراین نباید شکنجه را صرفاً یک نوع برخورد با زندانی سیاسی که همراه با خشونت فیزیکی و روانی است دانست. و اگر در این مورد فقط به تکذیب اکتفا شود چه بسا تأثیرات منفی روی خود شکنجه‌گران بگذارد. البته این به این معنا نبود که تکذیب مطلقاً کنار گذاشته شد. بلکه برخورد رژیم با شکنجه دو بعد پیدا می‌کند. در علن تکذیب و سکوت، و در خفا توجیه و ترغیب.

هرکدام از این دو مسیر در روند خود به مراحل دیگری رسیدند. رژیم در ادامه هردو خط نهایتاً مجبور شد به شکنجه لباس قانونی بپوشاند.

اندکی به خط توجیه و ترغیب، بپردازیم.

خمینی از همان ابتدا، و بعد از او «خلیفه»هایش، برای تشدید شکنجه ناگزیر از توجیه تئوریک آن شدند. برای دجال فریبکار توجیه شرعی شکنجه بیشترین بارآوری را داشت که با سوءاستفاده از موقعیت مذهبی او صورت می‌گرفت.

در گام نخست او بایستی خود را در ذهن «خلیفه»هایش، که وظیفه داشتند «دست بریدن و حد بزنند و بکشند»، «خیر مطلق» و «دشمنانش را «شر مطلق» جا بیندازد. و در همین کادر هرگونه مخالفتی با حکومتش را مخالفت با شرع تلقی کند و بنویسد: «مخالفت با این حکومت مخالفت با شرع است، قیام بر علیه شرع است. قیام بر علیه حکومت شرع جزایش در قانون ما هست، در فقه ما هست» و جزای آن بسیار زیاد است. من تنبه می‌دهم به کسانی که تخیل این معنی را می‌کنند که کارشکنی بکنند یا این که خدای نخواسته یک وقت قیام بر ضد این حکومت بکنند، من اعلام می‌کنم به آنها که جزای آنها بسیار سخت است در فقه اسلام . قیام بر ضد حکومت خدایی قیام بر ضد خداست! قیام بر ضد خدا کفر است. (خمینی در جمع خبرنگاران داخلی و خارجی، صحیفه نور، ج ۵، ص ۳۱).

اگر ولایت مطلقه فقیه چیزی «مقدم بر همه احکام فرعی، حتی نماز و روزه وحج است... حکومت (و در واقع ولی‌فقیه) می‌تواند قراردادهای شرعی که با مردم بستهاست را یکجانبه لغو کند»، پس کسی که در برابر ولی‌فقیه قرار می‌گیرد لاجرم یا کافر است و یا مرتد و یا ملحد و یا منافق. و حتی «تخیل» مخالفت با این حکومت نیز جرم محسوب می‌شود. پس رفتار هر شکنجه‌گر را با بازجو یا ناگهان زندان یا هرکس دیگر) شکنجه یک انسان، که عملی غیرانسانی محسوب می‌شود، نیست. بلکه عبادتی است در راستای رضای حق. زندانیان آزاد شده به کرات گفته و نوشته‌اند که با بازجویانی برخورد داشته‌اند که برای شکنجه آنان ابتدا وضو می‌گرفتند و ضمن اعمال وحشیانه‌ترین شکنجه‌ها آیات قرآن را می‌خواندهاند. اما مرتد یا ناصبی یا کافر یا منافق یا در وجه سیاسی‌اش ضدانقلاب و یا دشمن امام زمان خواندن اسیران مهم نیست. مهم این است که طرف خود را انسان نبیند. انسان هم در فرهنگ آخوندی معنایی جز انسان «ذوب شده در ولایت‌فقیه» ندارد. بقیه از «بهائم» هستند. لاجوردی در مصاحبه با روزنامه اطلاعات (اردیبهشت۶۱) گفت: «گروههای فاسدی که همه‌شان باید قلع و قمع شوند وقتی با نظام جمهوری مبارزه می‌کنند، بنا بردستور مذهبی محاربند و باید همه‌شان اعدام شوند». و در اولین قدم باید منکر هویت سیاسی زندانی شد.

ادامه دارد

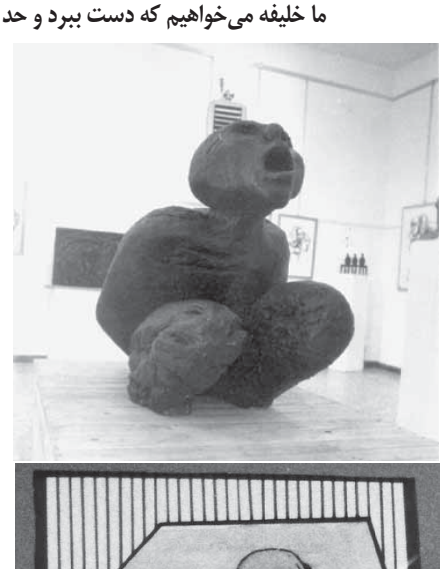

طرح شکنجه قفس که توسط مجاهدین از بندرسته به مجامع بین‌المللی ارائه شد

کلیشه نشریه مجاهد در افشای شکنجه در سال۱۳۵۹ توسط شکنجه‌گران زندانهای خمینی و تکذیب آن توسط خمینی

سند تکان دهنده لیست تعدادی از انواع شکنجه‌هایی که در زندانها اعمال شده و مجاهدین اسیر آن را با نوشتن بر کاغذ پوستی به بیرون از زندان فرستاده‌اند

حمایت گسترده مردم عراق از بیانیه ۳۰۰هزار تن از شیعیان جنوب علیه دخالتهای رژیم ایران و در حمایت از مجاهدین

عشایر سنی عراق از بیانیه بیش از ۳۰۰هزارتن از شیعیان جنوب عراق علیه دخالتهای رژیم ایران حمایت کردند

شیخ عشیره سنی شِمَر: اگر شیعیان جنوب عراق از ما درخواست کمک کنند از تقدیم هیچ کمکی به آنان دریغ نخواهیم کرد و در کنار آنها مبارزه خواهیم کرد

بیانیه شیعیان استانهای جنوبی عراق که از سازمان ملل متحد می‌خواهد هیأتی را برای بررسی پیامدهای دخالت رژیم ایران در استانهای جنوبی عراق اعزام کند. با استقبال عشایر سنی عراق روبه‌رو شد.

خبرگزاری شین هوا ـ چین ـ در روز ۵آذر۸۶، اعلام کرد: عشایر سنی عراق از سازمان ملل متحد و سازمانهای بین‌المللی خواستند به همه خواستهای این بیانیه فوراً پاسخ بدهند.

شیخ فواز الجربا، شیخ عشیره سنی شِمَر در عراق گفت: ما بیانیه عشایر شیعه جنوب عراق را تأیید و از آن حمایت می‌کنیم. ما با هرگونه دخالت رژیم ایران در عراق به‌شدت مخالف هستیم. فواز الجربا تأکید کرد اگر شیعیان جنوب عراق از ما درخواست کمک کنند از تقدیم هیچ کمکی به آنان دریغ نخواهیم کرد و حتی آماده‌ایم در کنار آنان مبارزه کنیم. سنیهای عراق در دفاع از کشور در برابر هرگونه دخالت رژیم ایران آماده خواهند بود. کشور عراق متعلق به همه ملت عراق است و این در خواست در واقع در خواست همه ساکنان عراق به‌شمار می‌رود.

شیخ مؤید الحمیشی، مسئول دفتر سیاسی شورای نجات عشایر سنی استان الانبار عراق، اعلام کرد ما بیانیه عشایر شیعه جنوب عراق را تأیید و از آن استقبال می‌کنیم و خواهان اقدامات قاطعی علیه دخالتهای رژیم ایران در عراق هستیم. وی به سخنان شیخ ستار ابو ریشه، رئیس فقید شورای نجات استان الانبار در جریان دیدارش با جرج بوش رئیس‌جمهور آمریکا اشاره کرد که گفته بود ما هشت سال با رژیم ایران جنگیدیم و برای جلوگیری از دخالت این رژیم در امور داخلی عراق آماده‌ایم دوباره بجنگیم. شیخ مؤید الحمیشی اظهار داشت بیانیه عشایر شیعه جنوب عراق بر ضد دخالتهای رژیم ایران بیانگر این امر است که ما ملت واحدی هستیم و تلاشهای دیگران برای بروز خشونتها و درگیریهای قومی در عراق در نهایت با شکست روبه‌رو خواهد شد. وی از سازمان ملل متحد خواست به درخواست عشایر شیعه جنوب عراق پاسخ فوری بدهد.

خمیس ناجی الجباره، رئیس مجلس شیوخ عشایر استان صلاح‌الدین در شمال عراق نیز از موضع عشایر شیعی جنوب عراق برای جلوگیری از دخالتهای رژیم ایران در استانهای شیعه‌نشین جنوب این کشور استقبال کرد. ناجی الجباره گفت موضع عشایر جنوب عراق بیانگر این واقعیت است که آنان هم‌چنان به اصالت عربی خود پایبند هستند. وی افزود این بیانیه تأکید بر این مسأله است که استانهای شیعه‌نشین جنوب عراق موافق سیاستهای رژیم ایران در عراق نیستند.

دکتر سعد العبیدی از اساتید سنی دانشگاه موصل گفت: علل اصلی مشکلات و بحرانهای جاری فرا روی کشور عراق، دخالت رژیم ایران در امور داخلی آن است. وی اظهار داشت بیانیه عشایر شیعه جنوب عراق در محکومیت دخالتهای رژیم ایران صادر شده است و همه ملت عراق باید از این درخواست حمایت و در برابر دخالتهای مستمر این رژیم بایستند.

هیأت شیعه جعفری عراق: تاریخ عراق قطعاً این موضعگیری را با حروفی از نور و در پاکترین صفحاتش خواهد نوشت

اکنون زمان از بین بردن شبه‌نظامیان در تمامی اشکال و با هر مذهب و همه جریانات و تشکیلات سری و علنی وابسته به رژیم ایران فرا رسیده است

رضا الرضا، دبیرکل هیأت شیه جعفری عراق

هیأت شیعه جعفری عراق، طی بیانیه‌یی حمایت خود را از بیانیه ۳۰۰هزار تن از شیعیان جنوب عراق، علیه دخالت رژیم ایران، اعلام کرد. در این بیانیه که در روز ۵آذر۸۶، توسط خبرگزاری اخبار عراق مخابره شده، آمده است: در یک موضع ملی تاریخی رؤسای عشایر عرب و فرزندانشان در جنوب عراق، از روشنفکران و سازمانهای حزبی، سیاسی و آکادمیسینها و مهندسین، فرهنگیان و اساتید دانشگاهها و اقشار مختلف اجتماعی، بیانیه خود را با امضای بیش از ۳۰۰هزار شهروند عراقی با افتخار صادر کردند. تاریخ عراق قطعاً این موضعگیری را با حروفی از نور و در پاکترین صفحاتش خواهد نوشت. همان بیانیه شجاعانه‌یی که برپاکساری و نجات ملذهب شیعه از یاوه‌ها و اباطیل و طرحها و خواستهای آخوندهای حاکم بر ایران در کشور عزیزمان عراق مصمم است.

در ادامه بیانیه هیأت شیعه جعفری عراق آمده است: هیأت شیعه جعفری عراق ایمان راسخ دارد که تسلیم‌طلبی در مقابل دولت تابع ایران یعنی قبول گسترش فاشیسم ملذهبی و تروریسم دولتی در عراق به‌جای دموکراسی برای عراق و کشورها وخلقهای منطقه است.

اکنون زمان از بین بردن شبه‌نظامیان در تمامی اشکال و با هر مذهب و همه جریانات و تشکیلات سری و علنی وابسته به رژیم ایران فرا رسیده است. رژیمی که سلطه و آزادی عملش به‌تدریج در نتیجه اعمال اراده واقعی اکثریت فرزندان مردم این کشور، هم‌چنین با توجه به تصمیم آمریکا مبنی بر نامگذاری نیروی قدس و سپاه پاسداران رژیم ایران به‌عنوان سازمانهای تروریستی، شروع به نزول و افول کرده است.

هیأت شیعه جعفری افزود: همکاری و هماهنگی با نیروهای ملی ایرانی به‌طور خاص سازمان مجاهدین خلق و پشتیبانی از حقانیت آنها برای آزادی میهنشان از دیکتاتوری محور شر و تروریسم و دفاع از ارزشهای انسانی آنها در مسیر آزادی و دموکراسی از وظایف مبرم هر شهروند عراقی برای تحکیم پیوندهای محبت و دوستی بین دو ملت ایران و عراق به‌جای درگیری و خشونت و انتقام و خیانت شده است. امری که رژیم ایران ریشه‌های آن‌را در عمق وجود عناصر وابسگرای مذهبی از دو ملت ایران و عراق کاشته است.

حمایت سازمانهای غیردولتی و شوراهای عشایری استانهای دیالی، بغداد، الانبار و صلاح‌الدین از بیانیه ۳۰۰هزار شیعه عراقی

همصدا با برادران شیعه اعلام می‌داریم که ترویج و توجیه تهمتها و افترائات پوچ و تماماً دروغ مبنی بر این‌که مجاهدین خلق ایران در قتل شیعیان عراق شرکت داشته‌اند جز با هدف سرپوش‌گذاشتن بر جنایات رژیم ایران و مزدورانش و ایادیش در عراق نیست

در ادامه اعلام همبستگی و حمایت شیوخ عشایر سنی، سازمانهای غیردولتی و شوراهای عشایری استانهای دیالی، بغداد، الانبار و صلاح‌الدین از بیانیه ۳۰۰هزار شیعه عراقی، شورای ملی شیوخ عشایر عراق از بغداد، شورای شیوخ عشایر ملی شاخه هب، شورای عشایر ملی عراق شاخه دیالی و شاخه منصوریه و شورای عشایر ملی عراق ناحیه سد عظیم نیز بیانیه‌هایی صادر کردند و اقدام شیعان جنوب عراق را به‌عنوان یک حرکت وطن‌پرستانه ستودند.

این سازمانها و شخصیتها طی بیانیه‌های خود خطاب به۳۰۰هزار امضاکننده بیانیه شیعان جنوب عراق، تأکید کرده‌اند: ما به شما به‌خاطر این گام مبارزاتی تبریک می‌گوییم و دستهای شما را در راستای محکومیت دخالتهای رژیم ایران در امور داخلیمان می‌فشاریم. ما همراه با شما تقسیم عراق و فرقه‌گرایی مذموم را رد می‌کنیم و دخالتهای رژیم ایران در امور داخلی عراق از نظر ما محکوم است. همراه با شما ازسازمان ملل متحد می‌خواهیم که به دیدار خانواده‌های ما در جنوب عراق برود تا از فجایع انسانی در آنجا مطلع شود. بدون شک فرزندان عشایر ملی عراق در استانهای جنوبی، با این گام قاطع وجسورانه. تمامی توطئه‌های شوم فاشیسم مذهبی حاکم بر تهران برای عراق. به‌ویژه در مناطق جنوب را نقش بر آب نموده و بار دیگر ثابت کردند که مردم عراق اعم از شیعه و سنی و مسیحی و عرب و کرد و ترکمان، مانند گذشته در کنارهم ایستاده اند. در این بیانیه‌ها هم‌چنین آمده است: ۲۷سال گذشته به‌وضوح ثابت کرده است که سازمان مجاهدین خلق ایران. آتنی‌تز بنیادگرایی توسعه‌طلب ایران است. از این‌رو ما همصدا با برادران شیعه اعلام می‌داریم که ترویج و توجیه تهمتها و افترائات پوچ و تماماً دروغ مبنی بر این‌که مجاهدین خلق ایران در قتل شیعیان عراق شرکت داشته‌اند جز با هدف سرپوش‌گذاشتن بر جنایات رژیم ایران و مزدوران و ایادیش در عراق نیست.

تجمع جمهوری عراق: ما از تجمع عشایر مستقل ملی حمایت کرده و اعلام می‌کنیم دخالتهای رژیم ایران در عراق غیرقابل قبول است

تجمع جمهوری عراق، از بیانیه بیش از ۳۰۰هزارتن از شیعیان جنوب عراق علیه دخالتهای رژیم آخوندی و اتهامات ساخته و پرداخته این رژیم علیه سازمان مجاهدین حمایت نمود. در بیانیه این تجمع که به امضای سعد عاصم الجنابی دبیر کل آن می‌باشد و توسط خبرگزاری اخبارعراق مخابره شده، آمده است: امروز عشایر اصیل ما درجنوب دخالتهای تروریستی رژیم ایران را که نتیجه‌یی جز زیان بر عموم مردممان نداشته است را محکوم کرده‌اند. تجمع جمهوری عراق، از تجمع عشایرمستقل ملی حمایت کرده واعلام می‌کند دخالتهای رژیم ایران در امور عراق تماماً مردود و غیرقابل قبول است. وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران و نیروی تروریستی قدس باید سریعاً خاک بین‌النهرین را ترک کنند والا بعد از این، پشیمانی سودی نخواهد داشت. خواسته ما از همه این است که قاطعانه و باقدرت از عشایر اصیل و نیروهای ملی برای نابود کردن طرح توسعه‌طلبانه رژیم ایران که حال وآینده ما را هدف قرار داده حمایت کنند. هم‌چنین ما از سازمان ملل و جامعه عرب و سازمان کنفرانس اسلامی خواستاریم که بصورت گسترده برای متوقف‌کردن این دخالتهای گستاخانه و به‌خصوص در رابطه با نامنی گسترده در جنوب عراق تلاش کنند.

رئیس تجمع عشایر ملی مستقل عراق: بیانیه ۳۰۰هزار تن از عشایر شیعه جنوب عراق دخالتهای رژیم تروریستی ایران در عراق را محکوم کرده و خواهان بررسی جنایات این رژیم توسط هیأت سازمان ملل متحد شده است

در این بیانیه تأکید شده شایعات و اتهامات باطل و بی‌اساس در این مورد که مجاهدین خلق در قتل شیعیان عراق دست داشته‌اند، هدفی جز پرده‌پوشی جنایات رژیم ایران و مزدورانش در عراق ندارد

شیخ جاسم الکاظم، رئیس تجمع عشایر ملی مستقل عراق، طی گفتگویی با تلویزیون رافدین به تشریح بیانیه ۳۰۰هزار تن از عشایر شیعه جنوب عراق علیه دخالتهای رژیم ایران در عراق پرداخت.

تلویزیون الرافدین عراق پرسید: بیانیه یی که توسط نمایندگانی از عشایر در جنوب عراق امضا شده رژیم ایران را به گسترش ناامنی در عراق متهم کرده و از سازمان ملل خواستار متوقف‌کردن دخالتهای رژیم ایران در جنوب کشور شده است. شیخ جاسم کاظم رئیس تجمع عشایر ملی مستقل عراق. از بغداد، در یک تماس تلفنی با ماست. از او می‌پرسیم محتوای این بیانیه چیست؟ شیخ جاسم الکاظم پاسخ داد: این بیانیه درباره محکوم‌کردن دخالتهای رژیم تروریستی ایران در عراق، توسط بیش از ۳۰۰هزارتن از شیعان استانهای جنوب امضا شده است. این بیانیه توسط تجمعات و سازمانهای شیعی در جنوب صادر شده و امضاکنندگان گسترش ناامنی در مناطق خود را محکوم کردند و خواستار شدند که سازمان ملل هیأتی را برای بررسی جنایاتی که رژیم ایران و عواملش در چهار سال گذشته در استانهای جنوبی مرتکب شده‌اند به عراق بفرستد.

رئیس تجمع عشایر ملی مستقل عراق افزود: امضاکنندگان این بیانیه هم‌چنین اعلام کرده‌اند شایعات و اتهامات باطل و بی‌اساس در این مورد که مجاهدین خلق در قتل شیعیان عراق دست داشته‌اند، هدفی جز پرده‌پوشی جنایات رژیم ایران و مزدورانش در عراق ندارد. شیخ جاسم الکاظم در ادامه این مصاحبه گفت: ما مردم شیعه عراق به خاطر سوءاستفاده رژیم ایران از مذهب شیعه، بیش از همه عراقیان از خنجرهای مسموم رژیم ایران آسیب دیده‌ایم. چون رژیم ایران به‌صورت شرم‌آوری برای اجرای اهداف شریرانه خود مصالح عالیه ما را هدف قرار داده است و شروع به طرحریزی برای تقسیم عراق و جدا کردن استانهای جنوبی از عراق کرده است.

وی به تلویزیون رافدین گفت: در میان امضاکنندگان بیانیه شیعان جنوب عراق ۱۴روحانی، ۶۰۰ شیخ عشیره، ۲۵۰حقوقدان و وکیل ۲۲۰۰پزشک و مهندس و استاد دانشگاه و ۲۵۰۰۰زن وجود دارد. ارگانهایی که حامی این بیانیه بودند عبارتند از انجمن دانشجویان دانشگاهها، تجمع هیأتها و دسته‌های عزاداری حسینی، دفتر سیاسی انتفاضه شعبانیه در نجف اشرف و کوفه، دفتر سیاسی متحد انتفاضه شعبانیه ۱۹۹۱ در کربلا، شورای محلی منطقه انتصار کربلا، موسسه کربلاییها، تشکل عشایر مهیقی مستقل در عراق، تجمع عشایر مستقل در دیوانیه و رئیس تجمع عشایر ملی مستقل. سایر جمعیتها و دیگر مردم شرافتمند عراقی.

تلویزیون رافدین پرسید: چرا شما این بیانیه را در این روزها صادر کردید؟ شیخ جاسم الکاظم پاسخ داد: این بیانیه را در شرایطی صادر کردیم که استانهای جنوبی از ضال پیش تا کنون در آتش توطئه‌ها و وحشیانه‌ترین سرکوبها می‌سوزد. سرکوبی که بی‌سابقه است. از سال۲۰۰۳ نیروی قدس وابسته به رژیم ایران و مزدورانش بر سرنوشت مردم ما در استانهای جنوبی مسلط شدند و اقدام به کشتار و ترور شیعان در سطح گسترده کردند. آنها در سراسر استانهای جنوبی جوخه‌های مرگ تشکیل دادند و اقدام به ترور دانشمندان و شخصیتهای علمی، سیاسی، مذهبی، مردمی، ملی و استادان دانشگاهها کردند تا آنها را نابود و از صحنه حذف کرده و اهداف شریرانه خود را محقق نمایند.

وی افزود: رژیم ایران و دهها هزار نفر از مزدورانش شهر کربلا و نجف را تحت کنترل خود درآورده‌اند و به شیوه سازمانیافته، نیروهای پیشرو و ملی و عراقی و خانواده‌های مسیحی و ملی و مسلمانان عراق را سرکوب کرده‌اند و بسیاری از مسیحیان و اهل تسنن را از خانه‌هایشان بیرون کرده‌اند. رژیم ایران و مزدورانش که همه چیز را از بین برده‌اند. هم‌چنین بر گمرک و نقاط مرزی در بصره و عماره وکوت مسلط شدند وکادرهای ملی عراق را آزار داشتند و از این مراکز بیرون کردند تا شاهد آنچه مرتکب می‌شوند نباشند و شاهد انتقال ماشینهای انفجاری و اسلحه نباشند. آنها چنان حمیت می‌کنند و عمل می‌نمایند که گویا وصی و قیم شیعان عراق هستند. سفارتخانه رژیم ایران در بغداد و کنسولگری‌هایش در استانها. یک پوش قانونی علیه مردم عراق است. علاوه بر آن دهها مؤسسه تبلیغی وجود دارد که کار آن انتقال سلاح و پول به عراق می‌باشد(تلویزیون الرافدین ۳آذر۸۶).

شماری از عشایر مرکز و شمال عراق، حمایت خود را از بیانیه عشایر شیعه جنوب اعلام نمودند

تلویزیون الجزیره روز ۷آذر۸۶، گزارش داد: شماری از عشایر مرکز و شمال عراق، طی بیانیه‌یی، حمایت خود را از بیانیه عشایر شیعه جنوب عراق که با دخالتهای رژیم ایران مخالفت کرده‌اند، اعلام نمودند.

آنها گفتند با هرگونه تلاش برای تقسیم عراق مخالف هستند. این شیوخ در بیانیه‌یی که زیر آن‌را امضا کرده‌اند، اعلام نمودند از موضع عشایر عربی جنوب عراق که با دخالتهای ایران مخالفت کرده‌اند حمایت می‌کنند. آنها تأکید کردند که این موضع، چشم‌اندازهای وحدت ملی واقعی را که بر حمایت از عراق از شمال تا جنوب آن تأکید می‌کند می‌گشاید.

حمایت تجمع مستقل عشایر ملی دموکراتیک

شیخ جاسم الکاظم، رئیس تجمع مستقل عشایر ملی دموکراتیک عراق، طی مصاحبه‌یی با روزنامه الشرق‌الاوسط ۵آذر، ضمن تشریح بیانیه بیش از ۳۰۰هزار تن از شیعیان جنوب عراق علیه دخالتهای رژیم ایران گفت: ما از همه عشایر عراق می‌خواهیم در برابر دخالتهای رژیم ایران و اشغالگری خزنده آن بایستند. وی گفت: قرار دادن نام سازمان مجاهدین خلق در لیست سازمانهای تروریستی توازن را در منطقه مختل کرده است زیرا این سازمان وزنه تعادلی در قبال دخالتهای رژیم ایران در عراق و کشورهای منطقه است.

اعلام همبستگی شماری از سازمانهای غیردولتی عراق با بیانیه بیش از ۳۰۰هزار تن از شیعیان استانهای جنوب

شماری از سازمانهای غیردولتی عراق ازجمله حزب مردمی ملی عراق، حزب مسار ملی دموکراتیک، شورای شیوخ عشایر بغداد و تجمع عشایر ملی عراق همبستگی خود را با بیانیه بیش از ۳۰۰هزار تن از شیعیان استانهای جنوب عراق علیه دخالتها و جنایتهای رژیم آخوندی اعلام کردند.

این راه، راه خروج از بحران کنونی است

در بیانیه حزب مردمی ملی عراق خطاب به شیعیان جنوب این کشور آمده است: به‌شما به‌خاطر ایستادگی شجاعانه‌یی که مسیر درست را برای تمامی عراقیان ترسیم می‌کند، تبریک می‌گوییم. این راه، راه خروج از بحران کنونی است. همانا که خلع ید از رژیم ایران و جلوگیری از دخالتهایش در امور عراق مؤثرترین درمان برای مشکلات ما است. ما دستهای شما را می‌فشاریم و با شما در یک سنگر هستیم.

ضرورت ثبت مواضع شما با خط طلایی در صفحات تاریخ

حزب مسار ملی دموکراتیک عراق نیز در بیانیه خود خطاب به شیعیان جنوب این کشور نوشت: از ما به شما هزاران درود ودرود و به هر آن‌کس که با شما و در کنار شما ایستاد... ما چیزی جز کلمات برای ثبت مواضع شما البته با خط طلایی در صفحات تاریخ پیدا نکردیم.

ما با شما در یک سنگر هستیم

تجمع عشایر ملی عراق در بیانیه خود خطاب به شیعیان جنوب عراق تأکید کرد: ای برادران گرامی، اخبار سرت‌بخش شما را که یک سیلی بر بنا گوش مزدوران رژیم ایران بود، شنیدیم. ما با شما در یک سنگر هستیم.

ما با اهالی جنوب که شمشیر برنده‌یی علیه دخالتهای رژیم ایران هستند، خواهیم بود

شورای شیوخ عشایر بغداد در بیانیه مشابهی خطاب به شیعیان جنوب عراق اعلام کرد: با شما بر سر بیانیه‌یی که علیه دخالتهای رژیم ایران در عراق صادر کردید، ایستاده‌ایم و با شما و اهالی جنوب که شمشیر برنده‌یی علیه دخالتهای این رژیم هستند، خواهیم بود.

توطئه علیه عدنان الدلیمی با اعتراض رئیس مجلس و نیروهای دموکراتیک عراق روبه‌رو شد

در پی صحنه‌سازی و اعمال اقامت اجباری علیه دکتر عدنان الدلیمی، توسط دولت نوری مالکی، اعضای جبهه توافق عراق، لیست العراقیه ملی، جبهه گفتگوی ملی و فراکسیون مستقل عربی در پارلمان عراق، به همراه دکتر مشهدانی رئیس مجلس عراق به عنوان اعتراض از مجلس خارج شدند

روز جمعه ۴آذر۸۶، در پی صحنه‌سازی و اعمال اقامت اجباری علیه دکتر عدنان الدلیمی، رئیس جبهه توافق عراق توسط دولت نوری مالکی، اعضای جبهه توافق عراق، لیست العراقیه ملی، جبهه گفتگوی ملی و فراکسیون مستقل عربی در پارلمان عراق، به همراه دکتر مشهدانی رئیس مجلس عراق به عنوان اعتراض از مجلس خارج شدند. عبدالکریم السامرایی از رهبران حزب اسلامی عراق اعلام کرد که تا زمان حضور دکتر دلیمی در جلسه پارلمان، آنها به مجلس بازنخواهند گشت. توطئه به این صورت آشکار شد که از ساعت ۲۲ شب جمعه گذشته، تلویزیون دولتی العراقیه با قطع برنامه عادی خود اعلام کرد دفتر عدنان الدلیمی در منطقه العدل بغداد با انفجار دو خودرو بمبگذاری شده منفجر شده و سخنگوی طرح اعمال قانون، اعضای دفتر رئیس جبهه توافق و محافظان وی را به‌قتل و بمبگذاری متهم نموده است.

صبح روز جمعه، دکتر عدنان الدلیمی، درحالی‌که تحت محاصره و بازداشت خانگی قرارداشت و نیروهای مسلح دولتی در اتاق کارش حضور داشتند، در یک مصاحبه تلفنی با تلویزیون الجزیره بار دیگر بر مخالفتش با طرح و استراتژی رژیم ایران برای بلعیدن عراق با تجزیه و تقسیم آن پای فشرد و ضمن افشای این توطئه گفت: «هیچ خودرو بمبگذاری‌شده نه در خانه‌ام و نه در مقرم پیدا نشده است. این دومین باری است که چنین تبلیغاتی علیه من صورت می‌گیرد».

دکتر صالح مطلق، رهبر جبهه گفتگوی ملی عراق، پس از خارج شدن اعتراضی از مجلس گفت: من خطاب به نخست‌وزیر می‌گویم که باید مشی جدیدی در پیش بگیرد و به شیوه حذف دیگران و روشهای انتقامجویانه خاتمه بدهد. مردم می‌گویند به‌رغم این‌که به دولت فرصت داده‌اند ولی دولت کاری نکرده است. اگر وضعیت این‌طور باشد خلاص‌شدن از این دولت تنها راه کار است. این کارها تنها تلاشی برای وقت خریدن است. این سناریویی است که زیان برنده‌ای مردم عراق هستند. ما از مجلس خارج شدیم تا این‌گونه اقدامات را که امروز علیه دکتر عدنان شده است رد کنیم، ما برای دفاع از اصولی که به آن اعتقاد داریم از مجلس خارج شدیم و می‌گوییم که این‌گونه اقدامات غلط است و نمی‌توان در مقابل آن سکوت کرد.

عبدالکریم السامرایی از رهبران حزب اسلامی عراق و عضو پارلمان این کشور نیز در اعتراض به این توطئه طی اظهاراتی که از تلویزیون الحره پخش شد، گفت: ما مسئولیت هرگونه حادثه‌یی علیه سلامتی دکتر عدنان الدلیمی را متوجه دولت عراق می‌دانیم، کمااین‌که مسئولیت سلامتی دکتر اسماء، دختر ایشان را نیز متوجه دولت می‌دانیم، چرا که ایشان نیز تحت اقامت اجباری می‌باشند و امروز مانع خروج وی از منزل شده‌اند و همه اینها موضوعات ساختگی علیه دکتر عدنان الدلیمی و خانواده ایشان است».

دکترطارق العانی، نماینده مجلس ازجبهه توافق، و از مسئولان کنگره مردم عراق در مصاحبه‌یی گفت: «متأسفانه دولت علیه مخالفینش از شدیدترین شیوه‌های سرکوب استفاده می‌کند. آن‌چه که باجبهه توافق و دکتر عدنان رخ داد مشخص است که از طرف کسانی بوده که در دولت مالکی هستند. ولی روزهای آینده به‌سود نیروهای ملی است زیرا که فراکسیونهای سیاسی و مواضع تغییر کرده است».

در پی اعتراضها و افشاگریهای گسترده علیه این توطئه‌چینی، تلویزیون دولتی عراق تکذیبیه جبهه توافق علیه این صحنه‌سازیها را قرائت کرد و سخنگویان دولتی اتهامات ساختگی علیه عدنان دلیمی را پس گرفتند و ازجمله علی دباغ، سخنگوی رسمی دولت مالکی، اقامت اجباری یا بازداشت خانگی دکتر دلیمی را چنین وانمود کرد که «اجازه ندادن به وی برای خروج از منزل در جهت حفاظت اوست»! هم چنین سرتیپ قاسم عطا، سخنگوی رسمی طرح اعمال قانون چنین وانمود کرد که «دستگاه امنیتی حفاظت از عدنان الدلیمی را برعهده گرفته و این اقدام برای سلامتی اوست»(تلویزیون الرافدین ۱۰آذر۸۶).